[illegible] ۱۳ بار [illegible]

[illegible] ۲۶ [illegible]

[illegible] ۲۹ [illegible] ۲۹ [illegible]

[illegible] ۱۸ [illegible] ۲۰ [illegible] ۲۰ [illegible]

[illegible] ۱۶ [illegible] ۱۶ [illegible]

[illegible]

٩

١٨ ١٨

١٢

١٢ ١٢

١٨ ١٨

٩

١١

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اگر [illegible] بپرهیزد کی منفعت بسیار بعد از آن کی [illegible]

ممکن که [illegible] یار است اگر نیت سفر در پیش [illegible]

اگر نیت غایب شدن [illegible] است که در دل [illegible]

بر آید یا کسی [illegible] نکند اگر با دشمن [illegible]

و در [illegible] خدا تعالی باشی با کسی صلح کند روز یا کسی رنجیده باشی

اگر [illegible] باد یا [illegible] چند روز [illegible]

اگر [illegible] چند [illegible] احوال [illegible]

[illegible] ستاره شمس در طالع [illegible] قمر [illegible]

[illegible] از [illegible] خدا [illegible]

روز [illegible] روز [illegible] مبارک [illegible]

شنبه [illegible] بلا [illegible]

[illegible] روز [illegible] روز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از جماعت [illegible] [illegible]

[illegible] و مراد [illegible] روز دیگر کار [illegible]

[illegible] مطالع [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] بعد از آن [illegible] باشد [illegible]

کرده مبارک است در عیش ایمن و جاه [illegible]

[illegible] از [illegible] مبارک است در عیش ایمن و جاه

باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] و دیگر [illegible]

[illegible] خواست بعد از چند روز کار تمام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] خواست [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... شخصی ... [illegible]

دل تنگ مباش که هر روز کار ... و انجام رسد و غم از ... [illegible]

آخر شفا یابی تو ... بیان آنکه ... [illegible]

... نیک است و هیچ اندیشه مکن که ... [illegible]

... از جمله ... مجلس ... [illegible] ... کار ...

نیست ... غایت ... بتو رسد

اما شخصی کوتاه قد است با تو ... خواهد که از جامع ... [illegible]

... منفعت برسد ... تو ... بجا آرد ... [illegible]

[illegible] ... بیان ... فال ... [illegible]

... پس ازین ستاره تو ... است ... [illegible]

... [illegible] ... ده روز ... ستاره ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... قال ابن ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ست اما پس از آن بعد از [illegible]

[illegible] و در دل [illegible]

[illegible] بیابید [illegible]

[illegible] بعد از آنکه طالع [illegible] روز یاد رست [illegible]

[illegible] برآید [illegible] خواهند شد

[illegible]

بعد از آن خداوند [illegible]

[illegible] که طالع تو نحسی پس آمده است

مقصود تو از دست رفته است [illegible] در دل داری مقصود شما

[illegible] بعد از آن خوش خواهند شد و عیش و عشرت [illegible]

[illegible] خواهند [illegible] اندیشه که خواب [illegible] مبارک خواهند شد [illegible]

[illegible] خدا [illegible] باشی که [illegible]

[illegible] بعد از آن خداوند فال تو

بسیار مبارک است بیان شرح [illegible] اگر [illegible] داری [illegible]

[illegible] اگر غم داری [illegible] اگر [illegible] صحبت یابی اگر محبوس

[illegible] خلاص شوی اگر [illegible] توانگر باشی اگر غایب داری

[illegible] اگر معامله [illegible] از [illegible]

[illegible] خواهد شد [illegible] باشد دوست [illegible]

[illegible] برکت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

بشر کرد [illegible] چندان [illegible]

یکی شخص [illegible] نقد [illegible] که [illegible] در چشم [illegible]

از دور بر [illegible] با [illegible] شما است [illegible]

طالع [illegible]

بری [illegible] مکتوبات را [illegible]

برادر [illegible] عالی [illegible]

اگر [illegible] از [illegible] [illegible]

بر [illegible] صحبت کنند [illegible]

همراه [illegible] ما [illegible] برادر دل [illegible] که [illegible]

تو برای [illegible] و توجه اما حاجات [illegible] تحصیل انجام [illegible]

شما را طلب نماید و هیچ [illegible]

است [illegible] زحمت [illegible] برسد

[illegible] برادر [illegible] مبارک [illegible]

[illegible]

والصلوة والسلام علی رسوله محمد وآله اجمعین بدانکه
تعالی علیه ... بدین طریق چگونه
احوال [illegible] و [illegible] بیان [illegible] برج بعلم نجوم اظهار
[illegible] تا [illegible] احوال [illegible] طالع [illegible] معلوم [illegible] باید کرد
حروف [illegible] اسم سایل [illegible] بر سر اسماء الف
یا بی باقی اگر [illegible] باشند [illegible] طالع [illegible]
این طریق آنست [illegible] بر سر حروف [illegible] طالع [illegible]
دارد و حروف ابجد حروف معلوم کند اینست ا
ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض
ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه لا [illegible]
ی [illegible] ابو [illegible]
مشرق [illegible] حمل [illegible] تسلیم [illegible]
حمل و ثور و جوزا و سرطان و اسد و سنبله میزان عقرب
قوس جدی دلو حوت [illegible] کوکب [illegible]
[illegible] نظام [illegible] عطارد [illegible]
شمس [illegible] مشتری [illegible] زحل [illegible]

[illegible]

[illegible] مصلحت [illegible] از [illegible]

[illegible] طالع شما [illegible] [illegible] اسم [illegible]

[illegible] ازدل [illegible] [illegible] معشوق [illegible]

[illegible] [illegible] بدان [illegible]

بال تو [illegible] است بعد از چند روز [illegible] کرده [illegible]

مبتلا [illegible] است تا کار [illegible] انصرام رسد اعتبار [illegible]

[illegible] هر کار که [illegible] [illegible]

بدان [illegible] فال تو [illegible] است

[illegible] صبر [illegible] چند روز یکروز در طالع تو [illegible]

چند روز [illegible] اگر [illegible] بعد از چند

شفا [illegible]

[illegible]

[illegible] رب العالمین

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

و قطعه [illegible] هفت چهار طلسم این عنصر [illegible] و قطعه [illegible] چهار

[illegible] کواکب [illegible] در یک جا هفت کواکب [illegible]

[illegible] کواکب [illegible] زبان هندی باره [illegible] گویند

برای [illegible] [illegible] بیاید آن [illegible] هفت چاه بیارد و

پنج بار از تن [illegible] کنند و بآن آب غسل کنند و [illegible] هفت

و هفت چراغ [illegible] بکنند و روغن [illegible] بسوزد و [illegible]

و [illegible] چراغ بکنند و [illegible] بخوانند و دو چراغ در دست گرفته بر تن

بمالد [illegible] خالی ندارد هر وقت فارغ شود هفت چراغ را [illegible]

[illegible] بار [illegible] بر تن [illegible] بپوشد هفت قسم ابریشم [illegible]

[illegible] یک تعویذ [illegible] به بندد و تعویذ دیگر [illegible]

[illegible] گوشت و شیر [illegible] و روغن [illegible]

[illegible] هفت

یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله	یا الله
یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی	یا علی

برای شیر — در میان دیگچه [illegible] شیر [illegible] شود

[illegible] تعویذ [illegible] دیگچه [illegible] سرد و شیر [illegible] نقش این است بخورد و [illegible]

برای شیر — اگر شیر [illegible] گردد [illegible] این است [illegible] از [illegible]

٨	١	٦
٣	٥	٧
٤	٩	٢

[illegible]	٣	٣	[illegible]
[illegible]	٥	٥	[illegible]
[illegible]	[illegible]	١٢	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] السلیم [illegible]

[illegible] روز یکشنبه [illegible] چهار راه خاک [illegible]

[illegible] بشود

در [illegible] عداوت کنند بیار [illegible] خاک [illegible]

[illegible] خاک [illegible] در آتش [illegible]

اگر [illegible] است [illegible] باید که روز یکشنبه [illegible]

[illegible] خاک [illegible] زعفران [illegible]

[illegible]

[illegible] روز [illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله [illegible]

[illegible]

یا [illegible] فلان بن فلان [illegible] عشق و محبت فلان [illegible]

[illegible] باید که [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible] یا [illegible] یا [illegible] یا اسرافیل یا [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۱۱۱۱۹۹۱۲۱ و [illegible] ۱۱۵۱۱۲۱۳ [illegible]

اگر خواهی که کسی [illegible] گرداند [illegible] نشود

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] ع ع ط ط ۱۱۵ ۱۱۵۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۵ ۱۱۱۵

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان الحب اگر خواهی که کسی

[illegible] گرداند [illegible] [illegible]

[illegible] جلوس فلان بن فلان

[illegible] اگر خواهی که کسی [illegible] دوست گرداند [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

ب	[illegible]	ب	۹	ب	۹	ب	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	ب	۹	۹	[illegible]	۹	[illegible]	[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

8

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

لله

یا شیخ عبد القادر شیئی

لله این عدد برای دفع [illegible] تسبیح

یکصد و بیست منقض بار روز بخواند این صلام برای

حساب و کار [illegible] [illegible] [illegible]

شب [illegible] در

یا هو [illegible] در بابت گر یا [illegible]

یا هو ائیس یا آنا لیس یا [illegible] دلیل [illegible]

یا فال الله [illegible] بحق [illegible] بیت در باب روز

یکصد یازدهم بار [illegible] بخوانند صبر [illegible]

[illegible] برای [illegible] بابا [illegible]

بحق یا میکائیل این تسبیح [illegible]

صد بار بخوانند و در شب [illegible] [illegible] در باب

[illegible] [illegible] [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

اسناد دعاء بشنج دوازده بار که سر تار مخفی است پیغمبر صلی الله علیه و سلم
در بازو خود ساخته بودند همیشه در بازو خود میداشتند و هیچ وقت
از خود جدا نمیکردی چنان آورده اند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم چون وقت
این نامها تمام عالم گرفته بودند و همه خلق فرمان بردار ایشان بودند
و بقوت این نامها بر دشمن ظفر یافتند و هیچکس برین مطلع نشد
و با محافظت میداشتند این نامها سری عظیم و گنجی بیقیاس است و
اسرار این دعا به پیغمبر صلی الله علیه و سلم بیواسطه رسانیده اند چون
وقت رحلت معلوم نزدیک شد حضرت امیر المؤمنین صدیق
پیش خود طلبیدند و گفت ای یار غار من و اسرار محرم من این حرز
بازو بند من است هر سه اسرار بر تو گویم و این بازو بند تسلیم
میکنم باید که نیکو آری و آنچه گفته شده است آن یک دعا عالم ...

خواهند شد و محتاج هر آنکه بر آن خواهم پیغمبر صلی الله علیه وسلم این
حرز را تسلیم شد کی صدیق رضی الله عنه کرد فرمود که بهادر هیچ چیز
قرار داده اند مانند ملک تعالی بنا بر خاصیت و فضیلت دارد و میان
این اسم حرز و خاصیت ها پیغمبر صلی الله علیه وسلم را علم دارند و مهتر
جبرائیل صلوات الله علیه بحضرت صلی الله علیه وسلم بچهار فرع صحیفها
حضرت بان فرمود گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم خاصیت این حرز را از
همه پنهان داشته اند باقی بغیر خدای تعالی کسی نداند پیغمبر صلی الله علیه وسلم
خاصیت این حرز بچهار روایت فرموده اند   روایت فرموده اند
این حرز هفتاد خاصیت دارد روایت   فرموده اند که این حرز
هفتصد خاصیت دارد روایت   این حرز فرموده اند
که این حرز هفت هزار خاصیت دارد روایت   فرموده اند
که این حرز هفتاد هزار خاصیت دارد هر که درین شک آرد کافر
گردد چنین آورده اند که این حرز از بندگی حضرت ابو بکر حضرت

بامیرالمؤمنین رسید و از حضرت امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه رسید

جمله اولاد و اصحاب ایشان رسید و از ایشان به احمد حارث بنیشابور

حجت اسمعیلیه که یکی از جمله ندیمان سلطان محمود سبکتگین بود رسید و

سلطان در گریبان خود میداشت که دوازده امام بلد شیعه الحی صبح دیگر

از خود جدا نمیکرد کشتی چون وقت رحلت فرمود در حال امیر الحسن

میمندی وزیر بود از امیر حسن بسیار محبت میداشت نزدیک

محمود خواند و این حرز را از گریبان خود کشید تسلیم امیر حسن کرد

گفت ای امیر حسن این حرز یادگار حضرت نبویه است ای تمامنا و

این چند بسیار ام معاینه خواهی کرد سلطان محمود از دار الفنا

بدار البقا رحلت فرمود و مملکت بسلطان مسعود رسید و سلطان

مسعود با امیر حسن مخالفت در دل کرده بود روزی سلطان

در شکار بود در بیابان افتاد و تشنگی زور آورد امیر حسن آب

بطلبید بطریق امیر حسن آب جدا از ... کرد و اکر ... سلطان

بدهم و مرا بابت حاجت خود آمد که خواهم سلطان را آسیب رسانم سلطان در خشم

غضب آورد چون سلطان مسعود از شکار خود بخانه خود آمد بحجره امیر حسن

را طلب فرمود که جلاد را بیارند جلاد حاضر آوردند فرمان داد که امیر حسن را

گردن بزنید دست امیر حسن گرفت و در مقام سیاست برد و بعد

دست و پای امیر حسن بست و تیغ بدست گرفت و در گردن امیر حسن

بفرمان عز و جل تیغ از میان دو نیم شد جلاد دیگر باز تیغ در دست گرفت

در گردن امیر حسن انداخت آن تیغ هم دو نیم شد جلاد سیوم باز تیغ در

دست گرفت باز در گردن انداخت سیوم تیغ هم دو نیم شد جلاد متحیر

بیست و یک تیغ شکسته باشد اما از اندام او یک موی کم نشد این خبر

بسلطان مسعود رسید سلطان در تحیر شد فرمود تا او را بریان بکنید

آن وقت او را هم بریان کردند بفرمان خدای تعالی بر امیر حسن یک

شکار نکرد و یک در وجود امیر حسن هر این بعد هم او را از هم یک تیر

نشنید آن خبر سلطان مسعود رسانیدند سلطان فرمود که

به آتش بکند [illegible] بها از بیچارگی [illegible] [illegible]

برافروختند بفرمان غلامزاده چلبی چه صندوق [illegible] با نهایی خبر به سلطان رسید

سلطان فرمود که هر آن کس [illegible] امیر حسین [illegible]

تمام روز [illegible] امیر حسین نهاد و هیچ کار نکرد این [illegible] سلطان [illegible]

عرض کنند فرمود که دست و پای امیر حسین را بسته بند بیدود در میان آب غرق

کنند [illegible] و سلطان سخت [illegible] استغفر [illegible] که این چنین سحر [illegible]

را [illegible] که تیغ و تیر کار نمیکند یکی از ارکان دولت [illegible]

[illegible] او گفت که این کار سحر و جادو را ندیده و نشنیده که تیغ و تیر کار نمیکند

[illegible] این نعمت دوازده نام باری تعالی است که سلطان [illegible]

[illegible] است وقت رحلت امیر حسین را اولاد امیر حسن در گریبان خود دوزد

بنابر آن هیچ سلاح کار نکند سلطان گفت امیر حسین را [illegible]

[illegible] یکبار گرفت و گفت ای امیر حسین [illegible] چرا این [illegible]

[illegible]

... بخشنده ... هیچ بدی با قنبر ... نکند ... امیر حسن ...
سلطان در پای امیر حسن انداختند ... و امیر حسن ...
و او ... مصحف بوسانید ... که تا کنون ... کشیده ... کسانی ...
که برای خود از سلطان منزلت یافته امیر حسن شرمنده شد از سلطان
خشنود گشت و ... که در گریبان خود نهاده است کشیده و پیش سلطان
داشت سلطان ... را بر پشت خود انداخت و امیر حسن ... وداع کرد
علما گفته‌اند که این نامها هفتاد هزار علم دارد که از دستی و دشمنی ...
زبان بندی یا خواب بندی ... خواب که با کسی دوستی کنیم باید
حریر در آن کاغذ و آن ... بنویسد باید که وقت نوشتن تا آب ...
نورانی شد خود ... کرد و بر خود دارد و ... خلق او را دوست دارند و
محبوب ... گردد و دیگر که این نامها با خود دارد آن پادشاه و بزرگان درگاه
محبت ... دل جمله خلایق بر روی ... شفیع و مهربان باشند و از همه بلا و آفتها
در امان باشد و هیچ سلاح بر وی کارگر نشود در هر جنگی که رود مظفر و منصور

بدهیم و بنج و نیم و چاهد و آب روان تا آن [illegible] هر آن کو از هفت هزار [illegible]

با الله [illegible] تعالی او را نگاه دارد و هر که در بین مواظبت کن تعالی [illegible]

همه خلق فرمان بردار شود و هرچه از خدای تعالی بخواهد بیابد و [illegible]

جز کسی [illegible] حضرت صلی الله علیه وسلم این نامها را بسیار میخواندی و دو [illegible]

او مبارک خود میداشتی و از برکت این نامها دیوان و پریان فرمان

بردار باشند [illegible] خواهد که کسی عاشق خود کند این نامها را بر [illegible]

و هو دیت و یک بار بخواند و در آتش بسوزد و در دل خلق آنکس و محبت

[illegible] گردد و عاشق شود و پیش تو باید آنکه خواهی میان دو کس جدایی

افکنی باید خاک چهار راه و این نامها بر آن خاک بخواند بعد [illegible]

خانه افراند فی الحال در ایشان جدایی افکند و اگر باز موافقت [illegible]

بجود بر آن خاک [illegible] مقام دور کند میان ایشان [illegible]

صورت آنکس مصور کند و هفت بار این [illegible] بر آن صورت بخواند [illegible]

خدای تعالی او را [illegible] شود [illegible]

[illegible] بیارد کافر عنبر زاران که ایشان [illegible] شنید

درکشتن مرغ سفید بند و معروض را کشتار و برکت حاجت کرده باشند

آنجا استعداد یابان کنند معلوم شود که جا دورلن غالب است آن عدد را بیست

آید هیبت یابد [illegible] یا او را کشتند دارو بعد اینه عالی نما

را هزار بار بخواند و برخود بدمد میان خلق برود او را هیچ خلقت آن هم بیند

خلق همه او را آینه بیند و از نظر خلق غایب شود بفرمان خدای عزوجل و از برکت

این عدد را خواهد که از عالم غیب خبر بیابد بکند این عدد را

بیست بار بخواند بفرمان خدا عزوجل و از برکت این [illegible]

پریان حاضر شوند بیارد هرچه در عالم واقع شود خبر دهند که [illegible]

صحبت [illegible] نیارد کافر گردد نعوذ بالله منها حاجت

[illegible] بیاید بعد [illegible] هزار این عدد را بخواند

دیوان و پریان حاضر شوند و حاجت [illegible] برآید بفرمان خدا

[illegible] صحبت [illegible]

[illegible] بخوانند [illegible] همین عمل کند اگر [illegible] اما اگر کسی [illegible]
بار [illegible] بخواند [illegible] که هر روز بخوانند [illegible] یکبار یا یک جا [illegible]
[illegible] باشد انجا [illegible] بفرمان خدای تعالی عز و جل آنکس عاشق گردد [illegible]
[illegible] باید طریق این [illegible] امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه [illegible]
این وصیت [illegible] نگاه دارد در آخرة پشیمان نشود و از بلاها ایمن باشد
[illegible] یازده بار بخواند بر شیرینی در شب جمعه هر که را [illegible] بدهد
عاشق [illegible] سیصد بار این [illegible] بخوانند در شب جمعه [illegible]
[illegible] مطیع [illegible] باشند [illegible] بدان [illegible]
[illegible] این نامها را [illegible] در [illegible]
[illegible] مقام استفاده [illegible]
[illegible] این نامها را در شب جمعه [illegible] بخوانند [illegible]
نام آنکس دشمن هلاک شود [illegible] اگر در خط [illegible] بکشند تا در آن [illegible]
[illegible] بخوانند بفرمان خدای عز و جل [illegible]

[illegible] این عزیمت را پانصد بار بخواند باز هر روز ز طلوع [illegible]

جمیع مقصود حاصل شود و محبت خدای تعالی در دل غالب گردد

ایضاً عزیمتی قوی دارد و مقصود حاصل این کند بیارد کدو خیار سیصد بار

دعا عزیمت را بخواند بکارد در هر کدو خیار بر نام عدو بگوید که ندم کشتم

فلان بن فلان را بفرمان خدای عزوجل و از برکت این دعا دشمن هلاک

شود مجرب است و شک ندارد . ایام نامها هر روز هزار بار بخواند

محبت در مردمان غالب شود و او همه را ببینند و از کسی [illegible]

جادو کرده باشد . باید که [illegible] روز جمعه بعد از نماز بنویسد و در

[illegible] نظر در دو [illegible] و در حال صحت یابد بفرمان خدای عزوجل

و از برکت این [illegible] مجرب است . هر که خواهد دشمن هلاک کند

[illegible] دعا [illegible] هفت بار بر آن خاک روز سه شنبه

این عزیمت را بخواند [illegible] و آن خاک در خانه دشمن اندازد و اگر

[illegible] دشمن [illegible] بفرمان خدای عزوجل و از برکت این

صفت ... که هر که این عذر را مدام بخواند ... بر خود ...

شب چهارشنبه چهل روز ... مسخر شوند دشمن و از بیرون ... و ...

جهان بروی ... دادن ... بخواند ... این نامها ... بخواند

بیست و سه بار ... مسخر کرده اند فرمان بردار شوند جهان مطیع شوند

هر چه گوید آن ... حاصل کند ... این نامها را بر کاغذ بنویسد ...

... و ... پاکیزه ... بیست یکصد ...

... بخوانند باید که وقت نوشتن نام آنکس در کاغذ ...

... و نام خود و نام مادر ... بود ... کرده ...

بار این عذر را بخواند ... چون ... آنکس ...

هر که این عذر وظیفه خود ... از خدای تعالی خواهد زود یابد و او را ...

از دست خود چیزی ... سبب ... و او را با خلق احتیاج نباشد

هر که این عذر را روز یکشنبه دو رکعت نماز بخواند بوقت چاشت و در ...

بعد از فاتحه آیة الکرسی سه بار بخواند و این عذر را هفت بار بخواند ...

[illegible] انشاء الله حاجت دینی او روا شود و [illegible]

نصیب کرداند   این حذر را سه روز صد بار بخوانند بعضی [illegible]

کرد [illegible] شود و جمال او را چنین روشنائی شود که همه خلق [illegible]

بر او شیدا شوند و [illegible] و دشمن برو بمقابله شدن نتواند هر که [illegible] او را

صبر [illegible] مقهور شوند و بفرمان عزوجل   [illegible] بار بخواند

[illegible] در مقابله دشمن برد او را به حذر حجت باشد بفرمان عزوجل [illegible] هفت روز

[illegible] پنج بار این حذر را بخواند و آنچه در نیت دارد [illegible] ببیند [illegible]

عزوجل   هر روز هفت بار بخواند [illegible] که هر چیز دیده [illegible]

[illegible] بود [illegible] حاجت شود [illegible] را قبول

شود و [illegible] مجرب است   در وقت خفتن [illegible] بار بخواند

[illegible] بخسپد و در خواب ببیند [illegible] معلوم گردد

این حذر را هفت بار بخواند او را علم دین و دنیا [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] کرامت [illegible] شوند و هر که بخواند [illegible]

[illegible] بخوانند ... بخوانند اجابة الله تعالی

هر که این حرز را بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بشوید و آب کافر را بدهد

بخواند در آنجا کافر مسلمان شود هر که این حرز را بر خود نگاه دارد و بخواند از شر

دیو و جن و پریان زمین باشد و زبان همه خلق بر روی او بسته گردد خواهد

که پریان را حاضر کرداند جایگاه پاک بیابد و هر چهار طرف عود و عنبر

بسیار بر آتش اندازند و این حرز را هفت بار بخوانند و هفت بار سورة

بخوانند پریان حاضر شوند و اجابت کنند دعا اینست دوازده نام بار تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا

[illegible] ذا الهامون [illegible] اجب یا [illegible] یا

[illegible] بحق هذه الاسماء الاعظم ان تقضی

حاجتی یا رب العالمین و یا خیر الناصرین [illegible]

یا ذا [illegible] اجب یا عزرائیل اللهم یا

[illegible] اجب یا اسماعیل اللهم

... اوحي اذخم اذخموش اجب يا حيائيل اللهم
يا جشوش بركميشوش ابرا اهر فيتشل يوعليوش اجب يا منا
عيل اللهم يا اصبا اسبن اصبا اذوغي اشاو كش اشانوخ
اجب يا مخيائيل اللهم يا نور اهر عيش شيلشوش اجب
يا اسمعيل اللهم يا اشبر الشمخ اسماء اسماغوش اجب
يا معشائيل اللهم يا ملكوش نوش ممكوش مليخا ملخي ماخوش
اجب يا جبرائيل اللهم يا علام اهر عا اشي انق نوش اجب
يا دردائيل اللهم يا اشمخ مشمخيا منسل موش اجب
يحوطائيل يا من امره بين الكاف والنون انما امره
اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي
بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون وبحق هذه
الاسماء الا انت سهل علي ما اسيتو ربي بيسير يا رب
العالمين ويا خير الناصرين برحمتك يا ارحم الراحمين

بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا رحمن يا رحيم

يا ملك يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز

يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا غفار

يا قهار يا وهاب يا رزاق يا فتاح يا عليم يا قابض

يا باسط يا خافض يا رافع يا معز يا مذل يا سميع

يا بصير يا حكم يا عدل يا لطيف يا خبير يا حليم يا عظيم

يا غفور يا شكور يا حفيظ يا علي يا كبير يا مقيت يا حسيب

يا رقيب يا مجيب يا جليل يا كريم يا واسع يا حكيم يا ودود

يا مجيد يا باعث يا شهيد يا حق يا وكيل يا قوي يا

متين يا ولي يا حميد يا محصي يا مبدئ يا معيد يا محيي

يا مميت يا حي يا قيوم يا واجد يا ماجد يا واحد

يا صمد يا احد يا وتر يا قادر يا مقتدر يا مقدم يا مؤخر

يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا والي يا متعالي يا بر

یا قوی یا ... یا مستقر یا عفو یا رؤف یا مالک الملک

یا ذوالجلال والاکرام یا رب یا مقسط یا جامع

یا غنی یا مغنی یا معطی یا مانع یا ضار یا نافع

یا نور یا هادی یا بن وح یا حوا یا بن یح یا باقی

یا وارث یا رشید یا صبور یا صادق یا ستار

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی

محمد و علی آل محمد بعدد دائرة الوجود ...

والنجوم ... این اسم یا ... نور ...

اگر خواهی کسی را از عشق خود مبتلا کنی باید که بخون ...

... بنویسد در موم ... به بازو ببندد و در حال ...

شمبا ...

... یا علی

١١	[illegible]	ك	١١	٨	ع	[illegible]	١٢	ك	١١	١١	١٣
	٩	[illegible]	١٣	ع	١١	١١١	٨	٣	١٢	١٢	١٤
	٣	٩	٤	٩	٤	١٣٤	١٢	٤	٤	٤	ك

... باید ... بدست ... این ... وقت ... مطلب ...



دو بر نجمه دین در دم

اگر میان مرد و زنی

محبت نباشد باید که این تعویذ نوشته در شهر بشوید هر دو را بخورانند

۱۳۲۲۱۹۴۲۱۱۰۲۱۳

محبت چندان پیدا شود که شرح بگنجد اینست

اگر کسی را زبان بندکنی باید که این نقش بنویسد و در ...

دفن کند فی الحال زبان بند گردد ۱۹ بجهت کم شدن ...

... بار بخواند و بجهت گم کردن غلام و ... چهارده بار بخواند ...

باید اینست والضحی واللیل هر که سورت بجهت دفع خصمان

اذا زلزلت الارض بجهت دفع بدگویان و ...

یکبار بخواند اینست ویل لکل بجهت هلاک شدن

در شب جمعه هزار بار بخواند اینست الم تر کیف

هر که سورت الم نشرح بجهت آشنایی و مهمات چند اگر تواند بخواند

بلی

جهت ... شدن

برای زبان بند

برای ...

برای ...

برای ...

برای دشمن

... بلا فتنه انا فتحنا لک ...

بجهت فتح ... دشمن هر روز سه بار بخواند اینست اذا جاء

نصر الله و الفتح   بجهت هلاک شدن دشمن هر روز هفت بار

بخواند اینست تبت یدا ابی لهب   اگر کسی را [illegible] درد

باشد این تعویذ را نوشته در گلو بندد بکرم الله تعالی صحت یابد اینست

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

اگر کسی را قولنج باشد این اسم را با وضو صد بار بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم

خدای تعالی از غیب فراغت و فرج بسیار دهد اینست

سبحان المفرج من کل مغموم   الحب اگر کسی را

18 حاضر کنی دور باشد یا نزدیک اما یک بار ... بگفته این تعویذ را

در صحیفه ... آتش انداز بیقرار گردد بیتو قرار و آرام نگیرد و تا بر تو

بیاید آزموده است

یا جبرائیل ... یا میکائیل ... یا عزرائیل ...

برای زبان بندی

اگر خواهی که زبان دشمن در حق خود به بندی باید که بر چهل و یک

... سوره یس را سه مرتبه بخواند نیت زبان بندی بران ... دانه

آتش در زبان ... بخواند انگاه در خانه آنکس انداختن تا ... زبان آنکس بسته شود

اگر خواهد که میان دو کس جدائی افکنی باید که ...

سوره یس بخواند ... به نیت تفرقه ایشان انگاه ان ...

پیش سگ انداز جدائی افتد   الیس بعج ...

تا هفته هزار بار بگوید فرج یابد   البغض اگر خواهی که دشمن ...

شود هفت پاره نوساده بیارد و یس را از ان بر هر یک یکبار بخواند

نام آنکس و مادر آنکس بدم تا هفت مرتبه خوانده شود انگاه ان نوساده

در زر در پاره جامه آنکس در ... و در کوزه بکند و در سر ان کوزه

محکم کند و آن کوزه را در آتش آن دفن کن چنانچه گرمی آتش بدان

رسد خوابش بسته شود بخور که دود   ... اگر که زبان بسته ...

... به نیت آنکس کند در آتش اندازند زبان بسته شود

برای هر مشکل چهار هزار مرتبه بخواند ...

بسته ... یا علی ...

حفظ کننده ام کنند بار یا درس بود مهربانی و صنع حقیقی با اسم جمیع بر شیخ

خود بنویسد که تحفه خود و اسم اعظم سعد بخواند و بعد بعد از نماز

قبر اسم اعظم اینست که هر کس این حصار را هر روز بخواند و بر خود بدمد از

جمیع حاسدان در پناه خدا ایمن باشد و اینست بسم الله الرحمن الرحیم

یَا قَدِیمُ یَا دَائِمُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا قَادِرُ یَا مُقِیمُ یَا اِلٰهَ

الاوّلِینَ وَ یَا اِلٰهَ العَالَمِینَ وَ یَا خَیْرَ النَّاصِرِینَ بر

هر که خواهد مار او را نبیند مار را بکشد یار او و فرزندان یار او و متعلقان همه

اگر کسی سحر کند یا مرد است و یا زن و در مهمات دینی و دنیاوی یا

عمل کند ضربت علیهم الذلة والمسکنة لا اله الا الله بر جان او محمد رسول

الله موی پای او ذو الفقار شاه علی بر گردن او و دگر زحمه بر پشت او

و عصای موسی علیه السلام بر جگر او و آتش دیگر یا بر سر او و دگر بر او

در بطن او و حلقه با سلیمان در بدن او و مهر سلیمان بر دهان او و غبار

بر چشم او و طوفان نوح بر قوم او و با تیغ رجال الغیب قتل او

و ... [illegible] ... والله ... [illegible]

الواسع یعنی فراخ روزی رساننده هر که بدین نام دوست ... — برای ... [illegible] (margin)

کن ... رزق او کردد — جای کنجشک ... بنده باشد — المقیت — سبب ... [illegible] (margin)

... هر بنده در اینجا بسیار بخواند و ... هفت ... در رشته بندد

هر که از خواب غفلت بسیار باشد المقیت بر او بسیار بخواند از خواب

غفلت بیدار کردد — المجیب یعنی اجابت کننده اکر این

اسم ... نماید محبت دعوت ... باشد — هر که را خواب نباشد

الحکیم بسیار بخواند خواب آید — المنعم یعنی نعمت دهنده

... نماید صاحب انعام از حق سبحانه تعالی کردد ...

برای ... هر که ... امراء ... و ملوک ... پادشاه

... این نامها با ... را نوشته در بازوی راست بندد ...

... [illegible]

[illegible]	٤	١	٣٢
[illegible]	[illegible]	١٢	٥

... مقصود برسد ... معظم ...

اکر ... که از ... [illegible]

[illegible] این [illegible] [illegible] نام او [illegible] نوشته در بازوی خود ببندد [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	٦٩
ابابکر	محمد	عثمان	علی
٧ح	٣ح	٣٣ح	[illegible]

معظم امضا [illegible]

[illegible]	[illegible]		

هر که این

اسم معظم را بعد از پنج وقت نماز صد و پانزده بار بخواند هر مقصودی که دارد حاصل گردد اینست یَا رَحْمٰنَ كُلِّ شَيْءٍ وَرَاحِمَهُ

اسم دیگر [illegible] دیگر نام برای کشایش مشکلات هر روز صد و شصت بار بخواند اینست یا رحیمَ كُلِّ صَرِيخٍ وَمَكْرُوبٍ وَغِيَاثَهُ وَمَعَاذَهُ يَا رَحِيمُ

المحب اگر خواهی که کسی را عاشق خود گردانی باید که [illegible] بیان [illegible] هفتاد یکبار این آیه بخواند در [illegible]

از [illegible] حال [illegible] شب جمعه عمل کند مجرب است [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم يَا مُقْتَدِرُ يَا مُذِلُّ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا [illegible] يَا جَبَّارُ يَا قَادِرُ يَا نَاصِرُ يَا قَهَّارُ

... یا آدم انبؤهم ... بشنا ...

این نقش را بر ... کننده ... نعمت ... کرد ...

اسناد سورت ... برای کتابت مهمات و روائی حاجات

ختم کنند و روزه دارد بعد از نماز فجر بنشیند و یک وضو کنند یکجای نشسته

چهل یکبار بخواند مهم او را الله تعالی روز بروز بر آورده شود چون بایه کریمه

کریمه برسد اذا لفی ضلال مبین برسد مطلب خود را در دل حاضر کند

بایه کریمه کل فی فلک یسبحون برسد نیز مطلب خود را

در دل حاضر آرد بایه کریمه برسد سلام قولا من رب الرحیم

برسد مطلب خود را در دل حاضر آرد همین طور ختم کنند خاصیت سورة

یٰس بخواند باید پاره شکر را بران کس بدهد تا بخورد ...

دوست او گردد یا ترا نه بیند آرام نباشد خاصیت سورة یٰس

... دانه ... سه بار یٰس را بران کنند ...

بوقت طلوع آفتاب ... کنند ... دوست ... گردد

[illegible]

[illegible] کردد [illegible]

بجهت [illegible] هر که بجهت [illegible]

[illegible] فلان بن فلان

علی الله [illegible] بن فلان وین نام سیازده بار بخواند صادق کردد

[illegible] هر که بعد از چاشت نماز [illegible] بار بخواند توبه او قبول

افتد. الغفور هر که نام بزرگ [illegible] در شب [illegible] آدینه هفت بار ختم

کند هزار یکبار الغفور بگوید در دل [illegible] آید اگر خواهی : حبیب

الغفور محبت [illegible] با تو محبت شود [illegible] در روز دوشنبه [illegible]

[illegible] در آب روان اندازد [illegible] کردد [illegible] 21

حبیب بجهت محبت هر که خواهد [illegible] خورد

[illegible]	٤	١٦	٩	٢٤	٦٦
[illegible]	٥	٤	١٩	١٧	٩١

[illegible] بخورد تا قیامت دوست [illegible]

الغفور بجهت [illegible] این دعا [illegible] در سال [illegible] نکاه دارد

~~[illegible]~~

[illegible] ایمن باشد

[illegible] بوزن ... بصحبت [illegible]

سسسدد سسسس ... وضع هذا الشکل في ... من

محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد الموت والعشق والعز والغضب بسم الله ...

اگر خواهی که در میان دو کس جدائی

ه ااا م اا ا ح و

کنی این را بنویسد و بسوزد و در خانه دشمن اندازد ان شاء الله تعالی خود بخود

جدائی افتد ... ۱۱۱۱ ۹۱۹ ... ۱۱۱ ۹۱۹ ...

... ۹ ۳ ... فلان بن فلان بن فلان العجل العجل العجل

الساعة الساعة الساعة بسم الله الرحمن الرحيم

هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة

هو الرحمن الرحيم هر که این نامها در وقت چاشت بخواند فاما

در میان سخن دنیاوی نکند به نیت آنکه هر که مریض باشد و هیچ ادویه

سود نکند این نامها را صد بار بخواند و بر آب دمد و بخوردن دهد حق تعالی

ببرکت این نامها صحت دهد هر که خواهد که در میان

آدمیان

ساعت با طلاء و عود دشمنان مقهور کردند این نام را شش صد بار بعد از
نماز پیشین بالا اصلا بخواند و بعده درود سه بار بخواند

هر که در روز دوشنبه غسل کند و جامه سفید پوشد و بر عود عطر مالد در
محل خالی نشیند سه صد بار این نام را بخواند در اول و آخر درود بفرستند
ثالثه یس بخواند بعده دست بر دارد بقبله نشیند به نیت که بخواند
مراد بر آید و آسان شدن عذاب گور و ایمن شدن از شر شیطان و سلامتی
ایمان بخواند

هر که خواهد در کاری [illegible] بود و الکار
در روز پنجشنبه وقت نماز عصر بنشیند و سخن دنیاوی نکند شش صد هفتاد بار
بخواند اول و آخر درود فرستد حق تعالی ببرکت این نام در میان سه روز
حاجت بر آید

روزی اعرابی در مسجد حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و سلم بیامد و گفت یا رسول الله انا فقیر عاجز درمانده
حصول فرمود در روز جمعه بعد از نماز فجر هزار بار این نام را بخواند بعده
از آن ده بار درود بحضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم بفرستد بعده در مسجد

بعد بیست و پنج سبوح قدوس رب الملائکة والروح بخواند همان
یک هفته و روزی که شروع کرده میان یکسال اینچنین می کرده که نام
او در میان شهر شود و حاجت او بر آید مجرب است

سبوح هرکه روزی یا روزی از روزهای یکبار ختم این اسم کند تا آنکه در
دنیا حیات آن بنده باشد در راحت و رنج گرفتار نباشد و عمر آن بنده
دراز گردد و همه وقت با خانه خود صحیح باشد ختم این اسم یکهزار و
بیست و پنج است هرکه این نام را پنجاه بار وقت
چاشت در روز یکشنبه به نیت فرزند نرینه بخواند و بر آب دمد و آن
آب را در آوند تواند اند عورت را خوردن دهد اگر کامل حامل باشد
فرزند نرینه روزی شود اگر حامله نباشد حمل و فرزند نرینه زاید مجرب است
هرکه این نام را در روز جمعه بعد از نماز بعد از ... هفتاد
بار بخواند ... مقهور دشمنان هلاک شوند و چون ... کالای او
گم شده باشد چون آن نام که برده است بیست و پنج بار بخواند و با ...

بنویسد و بر نان گندم در زیر بالین نهد شب او را در خواب آید که
فلان مقام کالای اسباب تو است بر دلستان تجسس رفت
چون کسی را آسیب رسیده بود یا نعوذ بالله منها دیو و پری
مسخر شده باشند به سبب آسیب دفع نشود و جامه که پاس مقداری
یا از چوب زبد کند و در این جامه این نام بنویسد و بلیته در پیچ
دود کند بفرمان خدا انشاء دیو بگریزد ساعتی نماند نیکو شود
صد و چهل و پنج بار روزی بخواند کالیلی
نماز از وی بر دو در دل آن بنده روشن گردد و در حال رغبت دهد و
کارها نیکو داند که شایان بهشت گردد و چون بمیرد دو فرشته در گور
آن بنده برابر باشند و آمرزش برای بنده از خداتعالی بخوانند و بگویند
الهی این بنده را بیامرز و نیکبخت هر دو جهان گردان
هر که خواهد که با کسی دوستی کند
و او با وی آرام کرده است که بغیر او ساعتی نتواند قرار گرفت هر کجا

بینکه هیچ بلا بر وی نرسد و اگر یکی کردن دهد فی الحال در وقت خواندن نام او

و نام خود بستانند مجرب است بیا اهل اکسیر باید مایل

هر که این نام را در روز دوشنبه به مشک و زعفران نوشته در

بازوی راست ببندد دل او در شجاعت و مردانگی و دلاوری مستحکم شود

و هر که در وقت وضو با انگشت شهادت در پیشانی بنویسد هر که ملاقات کند او را

دوست و خواهان او شوند   هر که این نام را هر روز چهار بار

بخواند هر گناهی و خطائی که ازان بنده در تمام عمر شده باشد حق تعالی

همه را عفو گرداند و بی حساب در بهشت رود و مادر و پدر او را نیز آمرزیده

شوند پیر   هر که این نام را

بنویسد و در آب روان اندازد بنیت که دارد فی الحال بر آید

قید بادشاه و ملوک حق تعالی در پناه خود دارد و دیگر بخشد بار

خواننده بر بندگی خود بر مهربان رحیم دل گردد

هر که این نام را هزار بار بخواند دنیا وی را بسیار

[illegible] با [illegible] و [illegible] چهار [illegible] شنبه که بشمار نماید [illegible]
[illegible] جان بر [illegible] مهیا کرده باشد که در چهارشنبه غسل کند و دو رکعت
نماز بگذارد بعده این نام بار تعالی بخواند تا شناسد

هرکه این نام را هر وقتی که تواند خواند پانصد چهار بار شمار کرده بخواند [illegible]
میسر شود در رزق آن بنده گشاده گردد و هیچ کاری بد دشواری [illegible] ماند
و در جهان [illegible] را نماید و اگر هزار بار بخواند در محل خواجه حضرت علیه السلام
والسلام بیاید با او ملاقات بکند اما چون لقمه حلال خو[رد]
هرکه این نام را در انگشتری نقش کند [illegible]
تا آنکه در انگشت او باشد همه فرشتگان [illegible] او بخواهند چون آن
[illegible] برد در مقبره او فرشتگان در شب جمع شوند چون آن بنده خواهد
که در محل کفر مقبره نباشد چهل و پنج بار در مصلی آهسته بگوید
[illegible] هر جا که خواهد که حاجت زود روا گردد باید که وضو
[illegible] دو رکعت نماز بگذارد و مستقبل قبله نشیند

[illegible] این معجزات [illegible]

بخوانند تا آنکه [illegible] آن بسنده [illegible]

هر که این نام را در [illegible]

در هفته بخواند اگر به تقدیر او نزدیک رسیده باشد به برکت این نام عزرائیل

را مجال نیست که جان او قبض کند یعنی چندین سال عمر [illegible]

گردد او با نعمت و فراخی بگذراند باید که صد و نوزده بار بخوانند

هر که را سحر و جادو کرده باشند و خیره

مانده است و اندام او [illegible] سوزن [illegible] طعام و آب خوش نیابد

هیچ آسیبی [illegible] این نام را بر کاغذ بنویسد و در سبوی آب کنند

بیاندازد و [illegible] بشوید هر سحری یا جادویی که باشد از وی دور شود

و آن مرد بفرمان حق تعالی صحت یابد

بیست و پنج بار در وقت نماز صبح پیش از [illegible] در اول [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] که در جامه باشد [illegible] و در آن جامه [illegible]

[illegible] بود تعویذ نویسد بکسی تا [illegible] باشد [illegible]

و نیست باشد آن تعویذ را بکشاید و دران محل یا بکسی [illegible]

حاصل شود و همدران محل بکار و دفینه [illegible] ان شاء الله مجرب است

هرکه این نام را بنویسد در خانه

نگاه دارد از عذاب و بلای در نیاید و همه کالا و اسباب آن خانه

در حفظ و امان حق تعالی گردد و آن مقدار که آدمیان که در آن خانه

باشند سلامت باشند. چهل مردم

بخواند که در سفر رود بعد از نماز صد و بیست بار این نام را بخواند

ایمن و امان شود و در هر کاری که رود آن کار با ساقی دست دهد

و فتح و نصرت یار گردد و از راه زنان و دزدان امان باشد هیچ

آسیبی نتوانند رسانید. در روز

روز چهارشنبه بعد از زوال وضو ساز و این نام باری تعالی را

هزار بار بخواند و بر سر شصت روز بخواند هرکه را [illegible]

یا صفیا دیگری که سحر کرده باشد آن برشت و دیگر ذره دلگی آن بنده

بنده و بفرمان الله تعالی رحمت مرگ و اثر دیگر کلی دفع شود

چهل مرد بخواهد که در نمازها و یا در کار

بر رضا خدای تعالی باشد و آن نفع دین و دنیا وی باشد و در سودا

خریدن و فروختن و بستدن اسب و یا برده و یا مواشی یا هیچ

نستاند اول و آخر درود بخواند چهل و یکبار این نام را بخواند نفع

آرد آن خریدن و فروختن با نفع باشد و هیچ مضرت نرسد

هر که این نام را هر روز دویست بار

بعد از نماز خفتن بخواند جمله کارهای مرادی آن بنده کشاده کم چه

و دل آن بنده روشن و تابان باشد و اگر در کاغذ بنویسد بشوید

شب جمعه عورت را بدهد فرزند نرینه زاید مجرب است و امتحان

کرده باشد فاما شوهر و زن باوضو باشند

هر که این نام را هر روز صد و بیست بار بخواند دل آن بنده

اگر شیشه یا سنگ شکسته باشد و اگر بیمار بخواند در حال صحیحت شود و شیشه
درست و برجای خود گردد و اگر تب لرزه را بر کاغذ بنویسد در گلوی بیمار ببندد در حال
نیکو شود . . . هر که این نام را وقت نماز
جمعه پس از نماز پنج بار بخواند و شفیع آورد و یا در انگشتری بنویسد
دست راست کند حق تعالی آن بنده را در حفظ خود نگاه دارد
هر که این نام را در وقت صبح کاذب
سیصد بار بخواند بعد از خواندن دوازده بار قل هو الله بخواند
بعد دست بردارد و از خدا تعالی بخواهد فرزند نرینه روزی گرداند
و اگر دنیا بطلبد چنان دریابد که بسیار محتاج او گردند
. . . برای خریدن و فروختن دوازده بار
بخواند اگر کالا بخرد یا بفروشد حق تعالی در آن مال برکت
دهد و از مال او و در هر چه سعی کند نفع یابد مجربست
هر که این نام را صد و بیست بار بخواند

[illegible] بیس هر که در بند پادشاه [illegible]
و این نام را بخواند و در میان خواندن سخن دنیاوی نگوید [illegible]
[illegible] روز آن بنده را خلاصی شود مجرب است
اگر کسی را علت بواسیر خواه بادی خواه خونی
بیارد سیر که و هر که این نام را صد و هفتاد و پنج بار بخواند و اگر نتواند
دو [illegible] پنج بار بخواند و آن سیر که را در وقت خوردن با نان بخورد [illegible]
علت بواسیر دفع شود مجرب است
هر که را علت تب لرزه به هیچ وجه دفع نشود این نام
در کوزه [illegible] که آب نرسیده باشد در آن بنویسد بخواند تب لرزه
دفع شود [illegible] هر که این نام را هزار بار [illegible]
جمعه در وقت چاشت بخواند این مقدار که گناه بار و خطا [illegible]
[illegible] کرده باشد حق تعالی آنرا ببخشد باید که وضو پاک کند
و در وقت خواندن با کسی سخن دنیاوی نگوید [illegible]

[illegible] در [illegible] سیده [illegible] دخت ادرکشاده [illegible]

[illegible] این نام را بخواند [illegible] بشنید و در گلوی آن دختر [illegible]

حق تعالی بلطف غیب [illegible] آن دختر گشاده شود و از آن [illegible]

[illegible] المتکبر هر که [illegible] از رحمت منصور باشد و آن رحمت [illegible]

باشد بر اکثر [illegible] شناخت بخواند [illegible]

[illegible] یکبار بخواند و در [illegible] آن علت [illegible] خواند

وضع سود الحفیظ [illegible] این نام [illegible]

27 [illegible] از [illegible] حق تعالی نگاه دارد هیچ کس

این کار را مضرت رسانیدن نتواند و در حفظ [illegible] حق تعالی

باشد المقیت بر ایمان هر که خواند که ایمان آن بنده سلامت بماند

[illegible] آن بنده در گاه حق تعالی از شر شیطان در وقت مرگ ایمان

آن بنده نگاه دارد پس هر فریضه بعد از هر نماز [illegible] هیچ بار

بگوید و دست در سینه فرود آرد حسبی الله الحسیب

[illegible] وقت باشد کسی چهار [illegible] این نام را بر [illegible]

مرده در وقت ماندگی بعد از قیامت حساب نکنند [illegible]

رود الجلیل بر کفن مرده هر که این نام را بر کفن مرده بنویسد چون آن

بنده را در تربت نهند سوال منکر و نکیر بر و آسان گردد و گور [illegible]

آن بنده پر نور گردد تا روز قیامت و روشن گردد آمرزیده شود الکریم

بر بیداری هر که این نام را در وقت بیداری از خواب ده کرت

شمرده بخواند و بگوید بعد از خواب برخیزد اول خدای تعالی او را

بلایها و گوناگون نگاه دارد دویم هرچه در آن روز کار کند در حفظ

خدای تعالی باشد نادیده افتد سیوم جمله دشمنان او مقهور شوند

و در رضا او باشند الرقیب بر درد و بلیهن هر که این نام را بنویسد

و ببندد گی از زشت بشد در بکشد دفع شود و هرچه در چشم

زحمت باشد بر درد در چشم بینائی و روشنائی زیاده گردد

مجرب است المجیب بر نارده هر که را تاره بیرون آمده باشد فاما در [illegible]

یا کافی البلایا
یا کاشف البلایا

یا رقیب البلایا
یا مجیب البلایا

بلایا داو [illegible]

ای ... و گلستان باشد هر وقت که باید بر حسب آن مرتب هیچ
کس ... را از زبان فارسی کاره گویند چه دیگر ... شود
نفع شود مجرب است الواسع ... سی و پنج بار این نام را بخوانند
بعد هر روز در ... سر ... درد سر ساکت گردد و در ... علم ...
فاما بجهت درد شکم بر نمک بخواند بفرمان خدا تعالی ساکت.
الحکیم ... برای جمله دردها که در تن آدمی است
باشد سیصد بار در میان ظهر و عصر بخواند هر روز تا که ...
یابد مجرب است الودود هر حاجت ... در کاغذ و یا در حریر در روز
یکشنبه بنویسد و قدری دود کند خوشبوی ببوسد تا خوشبو شود
28 از آن ساعت آن کاغذ در میان آب روان اندازد اما در محل
خالی که آنجا آدمی نباشد هر حاجتی که دارد بخواند آواز غیب بشنود
و هر چه آواز بشنود در گوش گیرد حاجت آن بنده آید المجید
... کلوخ اندازد یا ... بخواند و در خانه کسی ... است

اشاره بر مانع خواند از آن طرف که مانع نیاید [illegible]

و دیو یکبار بزند دفع شود الباعث الشهید اگر بر درد کسی بسیار باشد — منفعتش بسیار

هر بار یکبار بزند در میان نان کند مجرب است آن بنده را بخورد [illegible]

ازان تاریخ یکبار بزند در خانه بیرون یکبار بزند هر که جای شریف

الحق در ایام اگر صد و بیست بار برای درازی عمر و بعد از عمر فرزند

او دراز گردد الوکیل هر که این نام را در روز دوشنبه بعد از

صد و بیست بار بخواند بحضرت خدای تعالی شفیع آرد اول آنچه

مراد آن بنده باشد و نیت کند حق تعالی برآورده و چیزی که گردانید

ملکی صفت او فراخ گردد القوی اگر مرد را کار مشکل پیش آمده — بیست بار

و دشمن قوی باشد این نام را در روز چهارشنبه بوقت اول صد و

بیست بار بخواند آن کار برآید و دشمن مقهور گردد المتین [illegible]

هر که این نام را بخواند که اندام همیشه در صحت نباشد و رنجانند

زحمت مخالف باشد در روز شنبه در وقت چاشت در کنار

[illegible]

[illegible] این [illegible]

الْمُعِیدُ [illegible] بخواند [illegible] در شب [illegible] خواب [illegible] ببیند

و [illegible] در [illegible] [illegible] نام را

[illegible] بار [illegible] بخواند خواب [illegible] زبان [illegible]

شود الْمُحْیِی بیمار [illegible] این نام را نوزده بار بخواند بر آب [illegible] زند

[illegible] کند [illegible] این اسم را [illegible]

خود [illegible] از درد [illegible] الْمُمِیتُ [illegible] شب [illegible] بار [illegible]

[illegible] از [illegible] بماند و [illegible] زبان [illegible]

[illegible] از [illegible] الْحَیُّ هر که وقت صبح [illegible]

[illegible] صورت خود [illegible] و این اسم را نوزده بار بخواند از

[illegible] الْقَیُّومُ [illegible] که دور [illegible] نزدیک [illegible]

[illegible] وقتی که خلق [illegible] باشد این اسم را [illegible] بار بخواند

[illegible] بار [illegible] بکند [illegible] الْوَاجِدُ [illegible]

برای دور دشمن این دعا بسیار بخواند و بعد آن ساعت [illegible]

بنجست انداز و در آب بخواند بفرمان الله تعالی این افعال نیکو شود

المُمیت بر دوی هر که در روز یکشنبه پیش بر آمدن آفتاب هشتاد و یک بار

این نام را بر سینه یا کل دیا آنچه خوردنی باشد برای دیگر آنکه برای [illegible]

دماز و [illegible] بخواند چنان دوستی شود که یک ساعت بی او قرار نکیرد

فاما نام خود ونام او متصل کند بخواند انتهی برطفل اگر کسی در بازوی طفل

بندد و آن طفل را حق تعالی از نظر کفاران و دیو و پریان و آزار

جن و از جنس در پناه خود نگاه دارد و آنچه بچه را باشد روز بروز بطول زیاده

کردد نیکو خلق باشد القیّوم هر که در روزی این نام را بسیار

بخواند دبر خود بعد هر جا که رود هیبت بماند و هر کسی که او را ببیند

دوست دارد هر حاجتی را که خدمت کند آن حاجت او را [illegible]

شفقت به بیند الواجد هر که روز آدینه بار نیست آنکه او را کار

ومهمی پیش آمده باشد و در آن کار درمانده شود این نام را بخواند

[illegible] سه بار قل هو الله احد و صد و نه بار یا مجید بخواند حق
تعالی حاجت خواهد بیسر آید الماجد الواحد هر که این
نام را روز جمعه یکبار در وقت صبح بخواند هیچ کاری بر او بگردد و
[illegible] در مانده نشود و چون بخواهد که در مجلس [illegible] بیرون کند این نام را بر
پیشانی با انگشت شهادت بنویسد خدا تعالی او را در آن کار یاری
نماید و او را فتح و نصرت سلامت یابد الاحد هر که در روز چهار
شنبه در وقت نماز دیگر دویست ده بار این نام را بخواند حق تعالی
آن بنده را کرامات روزی کند و در نظر او روحانیان بیایند فاما
چون لقمه حلال خورده باشد و هر چه باید از ایشان بپرسد کیفیت آنچه
و گذشته بگویند فاما باید بترسد قوی دل گردد الصمد چون در
آن [illegible] درد زه گرفته باشد در شیر آیه نوجام این نام را بنویسد
فی الحال خلاص یابد و فرزند بتولد شود الصبور هر که این نام را
در روز دوشنبه بر پوست آهو بنویسد و در گلوی خروس سپید بندد

کند باید [illegible] در میان [illegible] بکند [illegible] تا آن [illegible]

انگشت بیرون اند از آن [illegible] کرده و در چشم کشد و بهر مقامی که گذارد آید

او را کس نبیند الْقَادِرُ هر روز هر که این نام را در روز شنبه از طلوع آفتاب

هژده بار بر برنج بخواند و آن برنج دزد را و با چندی یا نفری که بر ایشان

گمان باشد خوردن دهد هر که [illegible] دزد بود با خون آلوده برنج بیرون آید

فی الحال آنچه دزدی کرده باشد سبد الْمُقْتَدِرُ [illegible] هر که در شب پنجشنبه

از صبح صادق برخیزد دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول

والضحی و در دوم انا اعطینا بخواند چهارصد و بیست و پنج بار این

نام را بر آب و یا بر نمک بخواند هر عورتی را که خوردن دهد تا اگر [illegible]

او باشد از دوستی شوی را روی بگرداند و بر رضا مرد باشد مجرب است

(برای آتش) الْمُقَدِّمُ [illegible] اگر آتش خیزد و قریب خانه رسد باید که صد و نوزده

بار این نام را بخواند بطرف آتش زند آتش سرد شود و خانه آن

مرد سلامت بماند الْمُؤَخِّرُ [illegible] هر که صد و یازده بار برای مقصود [illegible]

[illegible] هر که [illegible] حق تعالی بیاید مغفرت کند چون با [illegible]

کند به کام باشد بگریزد یا بمیرد و فرزند بشود الاول هر که [illegible]

[illegible] فرزند [illegible] کند و بیاید و چون کسی را فرزند [illegible] معنی الکل

[illegible] کرده بدهد [illegible] فرزند آید نیکو بشود الآخر [illegible] هر که این نام را بیست

و یکبار [illegible] لطیف [illegible] بسیار کند [illegible] نوعی [illegible] بار [illegible]

بخواند آورد بخواند بر چشم و سینه کودک بمالد [illegible] نماند [illegible]

الظاهر هر که در روز پنجشنبه [illegible] صحرا رود و هیچ آدمی [illegible] باشد

و [illegible] تعالی [illegible] این [illegible] هزار کرت بخواند [illegible] حاضر شوند و [illegible]

تا باشد بر ایشان عهد کند هر وقتی چیزی حاجت باشد ایشان [illegible] شوند

و [illegible] حاصل کنند الباطن هر که بیست و یکبار بخواند و در [illegible]

[illegible] یاد در طعام یا در آب حق تعالی باشد و در هیچ

علت و بلا مبتلا نگردد الوالی هر که چهار روز پنجشنبه روزه دارد و

[illegible] کند و در محل خالی نشیند این نام را [illegible] بار [illegible] کرده [illegible] نکند

بهر معنی که بخواند در میان یک روز آن نیست او و برای او همه پیوسته شود

کرده شده المتعالی چون مردم در جنگ رود بیست و هفت بار

بر تیرها بخواند بفرمان حق تعالی چون آن تیر در میان ظفر جنگ اندازد

از برکت این نام تیری بماند نتوانند بگریزد و ایستاده ماندن نتوانند

الکبیر هزار بار هر که در وقت چاشت بیست و پنج بار برای یافتن زن

که بد کاره باشد و ضبط نباشد و هر یک سوی یا نفی دریا بر که بخواند آن

عورت باز آنچه کرده باشد بگوید و بجربیت النجواب هر که بعد از

خفتن سیصد و ده بار بخواند آنچه لنا در آن حال که بوده باشد حق تعالی

معلوم کند و در بهشت بحجاب رود المنعم در غنی که ده بعد دوشنبه

آخر وقت میان ظهر و عصر بخواند بیست و پنج بار عیال او و قرابتان او

منعم و غنی گردند محتاج نگردند المنتقم که بر خصمان انتقام

خود خواهد و دشمن کند بار و هر یک از این بیست و یک هر یک از نماز

شکال یکسان بار هر یک بخواند هر مراد و حاجت او که در محل نشسته

بار

نعمان دردی تب کرده بشنوان خدای تعالی دشمن بیند
قهر بیان گردد چنانکه در میان چند روز هلاک شود العفو هرکه نود
و پنج بار در بعد آخر چهارشنبه غسل کند و این نام را بخواند بیست بار
بعد آن انار یکسعت بخورد دل آن بنده روشن گردد الرؤف مجرب
هرکه این نام را در روز سه شنبه در وقت زوال شصت و پنج بار بخواند
هرکرا تب و بیان [illegible] و یا درد سر باشد بمجرد خواندن دفع شود و از
خلاص یابد مالک الملک ذو الجلال والاکرام هرکه ای پنج صد و شصت
و دوام دو بار دم کند تمام اعضا را از درد دل و دست و پا او و درد سینه
و درد کمر و درد جمیع اعضا جمله دردهای دفع شود مجرب است الرب
صد و یک بار بخواند حق تعالی طبیعت آنمرد حافظ گرداند و هرچه
بشنود یاد گیرد و از دل آن بنده تا که حیات باشد هرگز فراموش
نشود و یاد بماند المقسط هرکه هفتاد و پنج بار بخواند هرکرا دیوانگی و پری
و اثر جنی و پری شده باشد و مبتلی بنا شد بیمار شود هر کدام بسیار بخواند

[illegible] اسید [illegible] آتی

بنا کردن عمارت و بنا کردن زراعت و [illegible] کاری که [illegible]

بنا کند بخواند تا سزاوار [illegible] و غیرت [illegible] المکروه النهی

هر که بر گنجشک خاکی پنجاه بار بخواند و آن گنجشک نر باشد بر سر [illegible]

بار بخواند و ذبح کند بخورد و بر صورت قادر شود المنعی المعطی

هر که این کلمه را پانزده بار بر سنگ ریزه ای بخواند اگر میان راه مردم از

خوف تشنگی باشند و آب جای نباشند و هلاک شدن گیرد همین سنگ

ریزه را در دهان اندازد از تشنگی دفع شود النافع برای دفع [illegible]

و علت [illegible] که استادن نتواند [illegible] زاده [illegible] تلخ هفتاد و پنج بار بار

بخواند با وضو [illegible] مجرب است آن علت دفع شود

و [illegible] در [illegible] شود الضار هفتاد و پنج بار بر [illegible]

که خون بسیار در [illegible] تا بخورد [illegible]

[illegible] النافع هر که پانزده بار برای دفع [illegible]

[illegible]

[illegible] یا قابض [illegible] زبان [illegible] خلاص یابد [illegible]
المؤمن [illegible] هر که [illegible] یازده بار بر آب بخواند [illegible] مردم [illegible]
بدهد و آن [illegible] بدهد فی الحال از زمان نیکو شود
یا [illegible] الخالق [illegible] چهار هزار برای آنکه [illegible] بخواند و یا نوشته
[illegible] که از آن [illegible] شده باشند
[illegible] باشد [illegible] خوب [illegible] دنیاوی [illegible] نیکو [illegible]
بخواند [illegible] باشند و آن [illegible] تمام [illegible]
[illegible] یازده بار برای آنکه چون بخواهد [illegible]
برای [illegible] این نام را بخواند [illegible]
[illegible] یا الباقی چون خواهد که در کشتی سوار شود یا در آب
[illegible] یک کرت بخواند از کشتی بسلامت کنار
رسد [illegible] بسلامت [illegible] متعلق شود [illegible]
یا [illegible] برای نزول باران صد بار در شب جمعه بخواند باران [illegible]

مجرب

مجرب

[illegible] است آنکه شیخ [illegible] عجب [illegible]

که دختر بازار را پدر [illegible] چون عمل [illegible] باشد [illegible] بود [illegible]

[illegible] روزی کرده باید که با اعتقاد درست کند بعد [illegible] اعمال

کرده شهادت الصبو [illegible] چون شکم بر بود [illegible] چون [illegible] آن شود [illegible]

زمان کیرد فی الحال [illegible] لعل باید و [illegible] کرده [illegible] در [illegible]

یکان بار [illegible] دیگر این صورت [illegible] قرار کیرد [illegible]

مجرب است والله اعلم بالصواب شنبه [illegible] یکشنبه [illegible]

[illegible] رسیت [illegible] پنجشنبه [illegible] آدینه [illegible]

[illegible] سه [illegible] چهار [illegible] یک [illegible] شش [illegible]

فرقان

[illegible] منزل [illegible]

[illegible] سلیمان بن [illegible]

[illegible] کلام [illegible] الله [illegible]

[illegible] تا [illegible] است [illegible]

[illegible]

[illegible] نے کہا جو کوئی ایک بار ادھی [illegible] بانجھ کوئی کہتا
[illegible] پری یا شیاطین کوئی کیا پری اس کوں اللہ جہل کر تیا جہتر کوئی وقت
کوئی کوں مکھ کی یا کہت کسی یا پھر کہمی پھر آکری یا نیا من کوئی [illegible]
[illegible] پار بیار جو شکار جو کو [illegible] ماسے پنج پھر پنجاں پھر ان پڑا
سلیمان اعوذ بالسمیع العلیم بسم اللہ دائی پڑی الرحمن پھر الرحیم تمام
تمیم عاری اربسنا صلح سنا بل حشامن کسنا سالسنا اعزم فالقیض
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين إلا خسارا
چپا ہوا لکھ نہ ہوئی ایت کرنا کر کرنا پر کینا اس کی لاری یا ادیت پر
پڑھ بند سلیمان بن داؤد کی پری یا جو تن جا بی اللہ کی پاک کر دشمن
کوں سنگ اس کر سینا ایسا کوں لکھو لکان [illegible] پان جل پھر کوں پلان پنیں
خلتا بیادری بند کوں کو سے سے ہے کوں بات جب لکھن پا جبر کوں ادھر باند
[illegible] دو رلین بھون سیاہ بھون منہ پھر پھر سپاں [illegible]
[illegible] باندھو سیاسی یا سیتیاری یا باندھوں ری بادی [illegible]

باندھوں آدھا سیسی جن بھی باندھوں [illegible] باندھوں [illegible]
نکیر منکر بھی باندھوں غوث پیر باندھوں اللہ اکبر باندھوں محمد لیو
باندھوں نصیر بصیر باندھوں اکیلا پان باندھوں [illegible] باندھوں
تبلات لا ارسال توکل شیر باندھوں [illegible] باندھوں [illegible]
جل جو بھی باندھوں [illegible] باندھوں غوث الاعظم کی آن [illegible]
سند باکمن [illegible] آن جو [illegible] جو [illegible] جا [illegible]
پنج در پنج لنت [illegible] باقی ہیں جا محمد مصطفی کی کلمہ
کلام سوں جا بحق کلمہ پاک لا الہ الا اللہ محمد الرسول اللہ
بحق ابابکر صدیق عمر عثمان چار حر اللہ علی کی ذوالفقار [illegible]
حصنت نفسی [illegible] و اہلی و مالی و ما ملکت
[illegible] خزاین اللہ تعالی [illegible] لا الہ الا اللہ
محمد رسول اللہ [illegible] لا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم
فسیکفیکہم اللہ وہو السمیع العلیم [illegible] الذین [illegible]

بحق ... یا ادکفی الله المومنین القتال وکان الله قویا عزیزا

یا باقی انت الباقی یا نعره بار تکرار کند ناد علیا مظهر العجایب

تجده عونا لک فی النوائب کل هم وغم سینجلی بنبوتک یا محمد وبولا

یتک یا علی یا علی یا علی یا ابو الغیث اغثنی یا علی ادرکنی برحمتک

یا ارحم الراحمین برای دشوار زاییدن عورت نوشته بر ران چپ

بندد   برای عورت که دشوار زاید این نقش را نو

بسبوحه مست بطبق تر کرده شده آب با لفتر آمیخته خورد د

این نقش برای آسیب

٧	٢	٩
٨	٦	٤
٣	١٠	٥

بدهد آبی زود خلاص شود

دیو و پری یا در گلو به بندد و یکی با پنبه کرده دود کنه بسم الله تعالی

آسیب نه رسد خواهد کرد   برای نظر نوشته در گلو به بندد

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	٤	١٥

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله شافی بسم الله کافی

بسم الله معافی بسم الله خیر الاسماء بسم الله

الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء

ولدي الشا دو السميع العليم برحمتك يا ارحم الراحمين

بنيا ز دو ز [illegible] الله [illegible] تالو سكيد دو [illegible]

[illegible] بيز ابد و فوتي [illegible] ست تدوي بنجا يدو دعا بز كوار [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم خلصني من جميع الجن والشياطين

والشجر والارواح النجسة والوسواس الخناس

من جنود ابليس والشياطين وادفع عني اعداء ومكر اعداء من

شرهم [illegible] واود داود نبي [illegible] ان و [illegible]

بن داود [illegible] السلام [illegible] ق ق ق ق [illegible]

[illegible] ١١١٩٩٩ [illegible] ١٩٩١ [illegible] ٥٥٥

كلام اوفي الاولين سلام على

محمد والآخرين على نوح في العالمين سلام على موسى

وهارون سلام على الانبياء والمرسلين وصلى الله

على خير خلقه محمد وآله اجمعين برحمتك يا ارحم الراحمين

[illegible] دو دو [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] بر بازو یا در گلوی صاحب درد بندد دفع شود بعون الله و صفت اسم

[illegible] بر هوا رفت بسم الله الرحمن الرحیم الی خلقته

[illegible] ها [illegible] الکواشیل میاثی حی عیث یحیا الی

جلد الملائکة المقربین الزهاد [illegible] باارحم

الراحمین یا جماعة الارواح احضروا احضروا [illegible]

[illegible] الیوم و بحق لا اله الا الله محمد رسول

الله

از بهر دفع دیو و پری باید که این دعا را بنویسد

و در بازو یا در گلو بندد بفرمان حق سبحانه و تعالی دیو و پری دفع

شود و بیمار زود صحت یابد مجرب است و آزموده دعا بنویسد که این است

بسم الله الرحمن الرحیم الجلیل سلحونا مقر الشمس تمنا

[illegible] هی [illegible] ها هیه قل هو احی الواحی [illegible]

والد [illegible] اوس عولد احضروا بالله تعالی

و از برای دفع درد دیو و پری باید که این دعا را بنویسد یا در گلوی

یا در بازو بر بندد صاحب درد صحت یابد مجربست و آزموده است

دعا بزرگوار اینست بسم الله الرحمن الرحیم انما صنعوا کید الساحر

ولا یفلح الساحر حیث اتی فالقی السحرة سجدا

قالوا آمنا برب العالمین از برای دفع دیو و پری باید که

این دعا را بنویسد و در گلو یا در بازو صاحب زد ببندد بکرم الله تعالی

دیو و پری دفع شود مجرب و آزموده است دعا بزرگوار اینست

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الملک القدوس رب الملائکة والروح

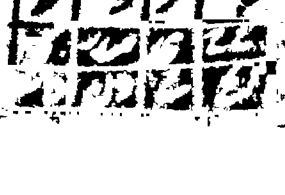
وصلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

برای دفع شود دیو و پری باید که این نقش را نوشته [illegible]

روز مریض را در آب شسته بخوراند بکرم الله حق سبحانه و تعالی

بلا درد جو مریض بوده باشد دفع گردد نقش اینست

از برای دفع دیو و پری باید که این نقش را



بنویسد و [illegible]

اگر صحیح بنویسد بکرم حق سبحانه و تعالی اثر نقش [illegible] حاجت
تمام یابد مجرب و آزموده است [illegible]

سلیمان بن داود علیه السلام [illegible] سحر جنی
[illegible] دیو و پری باید که این نقش را بنویسد و در آب [illegible]
[illegible] از آن آب بخورد و چیزی از آن آب [illegible] مریض [illegible]
از کرم رب العزت [illegible] شفا یابد مجرب و آزموده است
[illegible]

سلیمان بن داود [illegible]
دیو و پری باید که این عبارا بر آب بخواند و بدهد تا که بخورد در حال
[illegible] شود دعا بزرگوار اینست بسم الله الرحمن الرحیم اقسمت
[illegible] بحق سلیمان بن داود علیه السلام و بحق خاتم سلیمان
علیه السلام و بحق [illegible] برخیا و بحق [illegible] وزیر [illegible]
[illegible] دیو و پری باید [illegible]

بنویسد و بکلی او را در گلو صاحب صرع بندد بفرمان خدا تعالی دفع شود

نیکو شود و مجرب و آزموده است دعا بجز بزرگوار اینست بسم الله الرحمن الرحیم

یا مخلیصا یا تخلیصا بلخا بلخ انا انا من علق بحق سلیمان بن داود علیهما السلام

سوا سو میا بجهة دفع دیو و پری از مجموع خیر و رستگاری نقش

نسخه است می باید که در حال این نقش را بنویسد و در دیوار که مستقبل

بعد باشد در آن دیوار بچسپاند بفرمان خدا تعالی دفع شود مجربست

بجهة دفع دیو و پری ابتدا از پی بنویسد

و شسته بخوراند و یک نوشته در گلو به بندد

بفرمان خدا تعالی دیو و پری دفع شود

و	و	۲	۱۱
ط	س	د	د
مالد	ح	مو	ع
رط	[illegible]	ح	ع ع

بسم الله الرحمن الرحیم بسیط بیط ناطیط بلموم کطوطا برحمتک یا ارحم

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا وخر موسی صعقا یا انبیا خیر انبیا و بحق سلیمان بن

داود علیه السلام و بحق النبی و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

بجهة دفع دیو و پری این دعا را بنویسد و بر بازو ببندد

بکهیعص لقد نعود شطبا بانت بسم الله الرحمن الرحیم بحق علیکم

الذین بالمنزلات کما اختم الجناب الحق سلیمان بن داود علیه السلام مهالک

جمیع الطینین بالکشف من الله الجلیل الجبار الاسلام حق والکعز

بحقک یا ارحم الراحمین یا غفور یا غفور یا غفور به جهت دفع دیو

جهت ای این عبارت بنویسد و بشوید و آنرا بیض را بخورانند بفرمان خدا تعالی

صحت یابد شود مجربست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اجعلنی بحق

حاجتیه به انسم وان الله سیطلبه ولا یصلح بحق الغنیین

بحق کهیعص ذکر رحمة ربک عبده ذکریا و بحق

حم عسق و بحق طه و بحق الم و بحق نون والقلم و بحق یس

لسعاین	لسعاین	لسعاین	لسعاین	العیق	السعاین	نیعین	العین
العین	العیب	العجن	العاین	العبد	العین	العین	العین

از برای فتح

جهت یا برین سنگ در خانه می باید که دیوار یکه جانب قبله در

جهت و بیاض بوده باشد باید که این نقش را بنویسد و بر آن دیوار

سخت کند بفرمان فرمان تعالی ... [illegible]

معظم است

١٢	٥	٩	٣
١١	٢	١٣	٤
٦	٣	١١	٦
٧	١٥	١٤	٩

از برای دفع دیو و پری

و بنویسد و آنرا با خود [illegible] بکشد

بنویسند و با خود روز را انجانه بفرمان خدای تعالی دیو و پری [illegible]

ع ٣١١١١ ک ٢٩٩٩

دفع کردن نقش معظم و مکرم است ص

از برای دفع نمودن دیو و پری و جن چنانچه حضرت سلیمان بن داود

علیه السلام فرموده اند هر که این عهد نامه را نوشته در خانه خود نگاه دارد

دیو و پری از خانه بگریزد بفرمان حق سبحانه و تعالی دیو و پری

و هر کس مهمات و [illegible] آفت در آن خانه [illegible]

نرساند و استاد این خواهد شد باز فرمان بردار شود هرچه بگوید

از تو قبول کند قفل معظم و مکرم است [illegible]

فلما تعلم ما في [illegible] از برای دفع دیو و پری [illegible]

که او را [illegible] شده باشد که [illegible]

[illegible] باشد که [illegible] بوده باشد [illegible] شده

[illegible] از [illegible] بسیار کرده و [illegible] مبتلی [illegible]

[illegible] الیتامی [illegible] شده است

السين	السين
السين	السين

از برای دفع کردن دیو و پری باید که بیازد

با زعفران [illegible] این [illegible] بنویسد و در [illegible] مریض [illegible] زعفران

[illegible] هرچه آسیب و دخل [illegible] باشد دفع گردد مجرب

و آن [illegible] است [illegible] ا ل اا اا ۹۹ [illegible] ۹۹ ۹۱۹

برای برکت شدن و رایج شدن دکان [illegible] قماش [illegible]

[illegible] از [illegible] بنویسد این است   اگر کسی را چیزی برای فروختن

[illegible] این [illegible] کردن [illegible]

[illegible] که آن [illegible] بدست [illegible] مجرب

و آن [illegible] است بسم الله الرحمن الرحیم یا منزل البرکات و [illegible]

[illegible] مفتح الابواب [illegible] الاسباب [illegible] الاشیاء

و از سلیمان بن جعفر یا اهل [illegible] [illegible]

یا پارچه و جامه یا پرده و یا اسپ فروخته نمیشود باید که این [illegible]

را بنویسد و بر آن چیز بندد و باید از جانب آن خدا تعالی [illegible]

تعویذ اینست

[illegible]

[illegible] یا فتاح یا غفور مغفور یا فتاح

نقل از مفتاح الجنان هر که سورة اخرا را در پوست ویا در

کاغذ تنک بنیت بخت دختر بنویسد و در خانه نگاهدارد حق تعالی

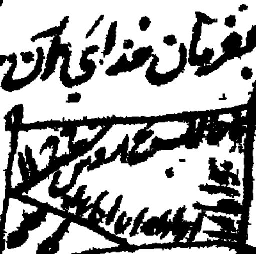
بخت آن دختر گشاده گردد تا مردم بخواستگاری آیند و مال صرف کنند

و او را باعزت و اعزاز تمام قبول کنند بجهة بردة گریخته باید که این

تعویذ را بر سفال انبار رسیده بنویسد و آن سفال را در چاه اندازند

بفرمان خدای آن برده رو در سرسان و حیران شده باید

باز برای برده گریخته باید که بر سفال انبار



رسیده این حروف را بنویسد تا بز [illegible]

جیب وآتش اندازند بعد ازان نه ایستاد آن برده شده بهمان حیران
شده خود بباید مجرب وآزموده است حرفها امینتا بالمجلو تا
اگر کسی را برده گریخته باشد باید که این عدد بر سفاله انار سیده
بنویسد و بر چرخه بنویسد آن برده گریزکار باشد بر بیند لیکن نام
برده گریخته شده بر پشت سفاله پر بنویسد و بعد ازان سنه خود بباید
لمقت معظم ویکم ایمن ست تا اینجا نیم شب تند بماه
ليلة القدر ... هر شب خواند باشد
حج ٩ ١٥ ١م ٨٨ ٩٩ ٣ ٣ ٣ ١م
وبا مر چند کرده که در ان مدت دو پاس شب ماه لیلت القدر
یعنی همین شب برات خواندن تواند خوانده باشد که همین قدر
زکوة است و بعد نیم شب را انچه فرداد وایام وقت که خوانده
غله هر زمان یعنی بچنین غرض که بوده باشد بباید باید بقول
میران محی الدین شاه عبد القادر جیلانی قدر چهل دانه از هر
جنس که غله باشد و بقول دیگر یک مثقال غله از قسم که بوده

باشد کرفته همه خود دارد بعده وضو کند و دو رکعت نماز شکر
شکرانه برین طریق بخوانند و نیت بدین طور کند ان اصلی لله
تعالی رکعتین تحیة المسجد و اگر در خانه باشد تحیة
الوضو گوید الشکر لله تعالی متوجها الی جهة الکعبة
الشریفة الله اکبر یعنی در رکعت اول بعد از فاتحه سورة
اذا زلزلت الارض یکبار بخوانند و در رکعت دوم الهکم
التکاثر یکبار بخوانند التحیات بخوانند سلام داده بعده چهل مرتبه
این اسماء اصحاب کهف را بخوانند بر آنها یک مشت سنگ ریزه
دم کنند و در یک کنه و تهی اندازد و از بالا نش از همان جنس
غله دو من سه من چهار من بیست من خواه ما خواه صد من خواه بیست
زیاده هر چند که توفیق داشته باشند و لقمه ابر انداز و خواه
بحسب توفیق خود دهند خود دعا کی یاران بهم طلب انداز
و بوقت که نقل غله از آن کنند و جهت خرج خانه خود بخرد

[illegible]

[illegible] با [illegible] خواه [illegible] بشاید [illegible]

[illegible] تمام [illegible] که [illegible] [illegible]

[illegible] رگ [illegible] شود [illegible] خود [illegible]

[illegible] باشد تا تمام عمر [illegible] نشود [illegible]

[illegible] بسیار [illegible] نکرده [illegible] همین [illegible]

[illegible] قدر آب یک [illegible] خورده را [illegible] مرتبه

بر آن آب [illegible] خواهد [illegible] صبح [illegible]

[illegible] آب اندازد [illegible] و [illegible] آب [illegible] کرده [illegible]

[illegible] تمام عمر [illegible] شود و اگر [illegible] خاک [illegible]

[illegible] بیان [illegible] دم کشد [illegible]

[illegible] که از [illegible] و یا [illegible]

[illegible] تمام [illegible] و اگر [illegible]

هر ... بنویسد ... کند ... هم ...

و یا ... و ... بالای ... از ...

نقوش اسم های اصحاب کهف اینست بسم الله الرحمن الرحیم

الهی بحرمت محمد رسول الله و بحرمت یملیخا مکسلمینا

کشفوطط تبیونس اذرفطیونس یوانس کوش

... قطمیر صلوات الله وسلامه علیه

وعلیهم اجمعین وعلی الله قصد السبیل ومنها

جائر ولو شاء الله لهدیکم اجمعین بهر مشکل آسان کرده

طریق مثلث لیک یا باسط آنکه هر روز این مثلث را

بر تخته میوه دار در مجلس بمقدار دو نقش با قلم ... ... آن ... هم

چهارشنبه بر کنند و در آب روان بشوید خواهد ... ... هم

هرگز بر در این قسم جاه که اهل هند انرا در زبان هندی آید ... ...

... حکم واسطا بمقدار دو روز هم چنین بر کنند ... اهل ...

بعده شش مرتبه یا جبرائیل بحق الله الباسط بخواند و در خانه سیوم
نهصد و نوزده مرتبه یا جبرائیل بحق الله الباسط بخواند و در خانه
چهارم بیست و چهار عدد بنویسد بیست و چهار مرتبه یا جبرائیل بحق
الله الباسط بخواند و در خانه پنجم سی عدد بنویسد سی مرتبه یا جبرائیل
بحق الله الباسط بخواند و در خانه ششم سی و شش عدد بنویسد
سی و شش مرتبه یا جبرائیل بحق الله الباسط بخواند و در خانه هفتم چهل و دو
عدد مرتبه یا جبرائیل بحق الله الباسط بخواند و هشتم چهل و هشت عدد
بنویسد چهل و هشت مرتبه یا جبرائیل بحق الله الباسط بخواند و چون
عدد شش هزار و یکصد و شصت و چهار الباسط بخواند تا شمار
عدد دعوت پنج هزار و هفتصد و دوازده مرتبه می‌شود بعد
هزار و صد چه خواهد باید و اگر بعد از فراغ چله نقد خواهد این مثلث
مثلث را بکاغذ بنویسد و مطلب خود در خانه خالی بنویسد و آن
کاغذ را زیر زانو راست خود و نهصد و پنجاه دو مرتبه یا جبرائیل

بحق الله الم [illegible] بخواند و مثلث [illegible] است و از موقوف

[illegible] روایت مرز کو را اینست بسم الله الرحمن الرحیم استمسکت

علیک ولعن یا جنب والطاغوت فقد استمسک



بالعروة الوثقی

لا انفصام لها

والله سمیع علیم

یا حی یا قیوم [illegible] اجعل من همی فرجا و مخرجا

برحمتک یا ارحم الراحمین . اگر کسی را برد و گم گشته

باشد و یا چیزی گم شده باشد و یا غایب شده باشد و یا گم شده است

بدست آید با نه اثر [illegible] انگشت [illegible]

[illegible] و اگر انگشت [illegible] و یا [illegible]

[illegible] و اگر [illegible] غایب [illegible]



[illegible]

[illegible] حکم نعیما باشد صبر کند ببیند که کدام جانب [illegible] گشته

[illegible] هفت ستاره و منفعت هر یکی از جهت بگوییم تا بر [illegible] آشنا

[illegible] حاصل شود اگر در ستاره شنبه غایب شود بجانب جنوب

تفحص کند و اگر در اول روز بیابد فبها و الا بعد از هژده روز

بدست آید و اگر در ستاره شمس یکشنبه غایب شود بجانب مشرق تفحص

کند بعد از دو روز بدست آید و اگر در ستاره قمر غایب شود بجانب

قطب تفحص کند اول روز بدست آید و الا بعد از چهار روز بدست

آید و اگر در ستاره مریخ سه‌شنبه غایب شود بجانب مغرب یا شمال

تفحص کند اول روز بدست آید فبها و الا بعد از پنج روز بدست آید

و اگر در ستاره عطارد چهارشنبه غایب شود جانب غروب و یا جانب

جنوب تفحص کند روز اول بدست آید و یا بعد از سه روز بدست

آید فبها و الا بعد از شش روز بدست آید و اگر تلف شود اگر

[illegible] پنجشنبه غایب شود بجانب مشرق یا جانب شمال

نفس کسی که مال او دزدیده ست بیابد بعد از دو هفته بدست

در ستاره زهره بنویسد غایب شود جانب غرب یا جانب جنوب

بعد از دیری بدست اید و یا آنکه تلف شود والله اعلم بالصواب

اگر کسی را برده گریخته باشد باید که این نقش را بنویسد و در زیر

سنگ آسیا بنهد بفرمان الهی حالی آن برده زود بیاید و نام برده باید که

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۹	۳	۴

نیز بر پشت بنویسد تا که نام برده گریخته اینست

اگر کسی را برده گریخته باشد باید که این تعویذ

را بر سفال آب نارسیده باشد بنویسد و بر چرخ کمانگر بوده باشد

ببندد و نام برده گریخته و حیران شده خود بیاید مجرب است از مجربات

حروف جبار مذکور اینست یا حفیظ تا   اگر برده گریخته باشد و

نیاید باید که این تعویذ بنویسد و در چرخه ببندد و در حال بیاید

و اگر در خانه شخصی بیمار شود این تعویذ بنویسد یکی و یکی

و یکی ... بحکم خدای تعالی شفا یابد و اگر برای محبت

[illegible]

[illegible] ايضاً

جب [illegible] سنو مثال دشمن [illegible] بڑا قوی ہیں

[illegible] باوجہ [illegible] کچھی محل آباد ہے

چند بھائی تیسری اور پیر اجل [illegible] آدمی کی

بیاہی سند قبیلہ نمبر ۲ دولت کم ہو وی گی

سبب [illegible] اولاد پیاری [illegible] شور مچاوی گی

عورت بہت پیاری پاس گھری کرو دی

حکم الٰہی محول سی متی مرضی اور پیر حیدر [illegible]

[illegible] خلعت ربّ کی جگر اور [illegible] سدا ہیں

[illegible] گہت [illegible] سدا ہیں

[illegible] جی سے آوی مسلم کنی [illegible]

[illegible]

[illegible] ل وا انبن آخیسی اکہیان یالی تی ہو ریا [illegible]

دوکس کہارن احمق ہمہ کی کردا اثبت بکا [illegible]

تہکی سدا نہ رہیا مسلم اکندن کوچ نگاسی [illegible]

دل ول تیرا رب طرف نہ آیا منہ ہن رب تنہوں [illegible]

جان مل تیہ ہمل نہ کئی مونہہ ہی [illegible] آکہ ستیا جن کی

تیاب کہیا وا نظر کہاون گملوح تسبیح یا دل کی

مسلم جان کری عمل نہ کیتا فعلی فقیر کہیاون کی

دل ذرہ نکتیں یا داہی کیڑی گیرو رنگدا ہیں

پیرون رہیا وتیں ہن تہوٹا منہ تہیں ہن [illegible]

سال [illegible] پیرو مم تکیں ہیں منگدا سنگدے ہیں

[illegible] ہیا [illegible] نت [illegible] دل منگدے [illegible]

[illegible]

۱۱	۶	۱
۹	[illegible]	۱۴
۲	۱۳	۸

و برای برده گریخته نوشته بچرخ بندد ان شاء الله تعالی البته باز گردد است مجرب است



این بکر دعا بقول غلام محمد است نوشته بر چرخ بندد و چرخ را معکوس بگرداند و باز بر دور ریسمان بر پیچد گریخته

[illegible] بزودی باز آید انشاء الله مجرب است









این اسم بدوح که از ... محمد نقل شد

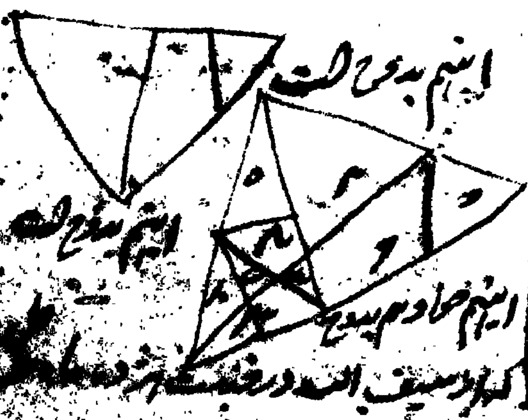
..۷	..۳	..۹
..۸	..۶	..۳
..۳	..۱	..۵

بعضی معاینه نموده‌ام
به کار بوده

خیلی بحث میکرده است

این اسم بدوح است

۸	۲	۱
۹	۷	۷
۳	۱۱	۶



این اسم بدوح است

این اسم بدوح است

این اسم صادم بدوح

۸	۱	۷
۳	۱۰	۷
۲	۹	[illegible]

کلام سیف الله و ...

... نموده شده است

[illegible]

٨	٠١	[illegible]
٩	٩	٣
٤	١٢	٥

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	٥	[illegible]	[illegible]

٢	[illegible]	[illegible]
٩	١	[illegible]
[illegible]	١	[illegible]

نوکر گریخته باشد باید که این کرد نامه را با وضو بنویسد در جهت
باد [illegible] بیندازد ان شاء الله تعالی با استقلال [illegible] باز برگشته آید
و مجرب است باید که [illegible] نقش

نقش

جبرائیل احب یا اسرافیل احفرد واد و احفرد

٣	٧	١
٤	٨	٢
٦	٩	٥

سامسا مسا مطلقا — یا جبرائیل
داود علیه السلام — بحق سلیمان
فلان بن فلان — احفرد احفرد احفرد

[illegible]

[illegible]

هر که در [illegible] بیند [illegible] در خانه خود [illegible] کرده باشد

[illegible] نوشته در خانه او [illegible] پیدا شد

[illegible] کردن [illegible] کرده



[illegible] با سورت و ضو [illegible] کرده [illegible]

سوم اعتبار شده که [illegible] باشد [illegible] و اللیل [illegible] این دعا را بخوانند

و به پهلوی راست بخسبد چه [illegible] برده [illegible] که گرفتار باشد

در خواب ببیند عجب و آزموده است [illegible]

اللهم [illegible] من المسلمین از برای [illegible]

[illegible] که بغیر از احضار [illegible] باید [illegible]

[illegible] از جا در وقت مغرب [illegible] در شب [illegible]

[illegible] کرده و از دست [illegible]

[illegible]

عمل ... روغن تلخ نیز هفتاد بخوانند تا ... دو جا ... در روی ...

... آن مریض بمالد تا ... فرمود اند و ... جای ... بماند بفرمان

حق تعالی ... که در وجود بوده باشند ... کرده ... از

... اینست بسم الله الرحمن الرحیم

فلما جاء السحرة قال لهم موسی ... کانها ...

... ابن ... باری ... سوابها ... ابرای دفع

... که وجود ... شش ماه ... و بالا

... یکسال گرفته باشد و ... حاضر کند ... داده بود ... انکه

مریض ضعیف شده باشد و یا ... خورد ... دیا ... اسباب

... که این ... را بر آب هزار و یکبار بخوانند و مریض را بخوراند

... تلخ پانزده بار بخوانند از آن آب روی مریض بشویند و از آن

روغن در اندام خود در سر و روی بمالد چنانکه از حکم رب العزت

... صحت کلی شود مجرب ... نموده ... دعا ... حفظ ... اینست

بسم ... [illegible] ... که پوشش جیبش تا گوشش ... [illegible]

القادر یا ... [illegible] ... یا ارحم الراحمین . از برای آنکه ... [illegible]

و ام صبیان که مادر دیوان بوده باشد چنانچه وقتی که در وجود آدمی

در آید باید که از انگشت صورة آدمی بر زمین درست بکشد [illegible]

و پای و چشم و گوش ... هیچ جای و هیچ عضوی فرو نگذارد هیچ جا ... [illegible]

سینه بکشد بعد ... پاره چوب ... [illegible] ... بکس ... [illegible]

تا آن صورة بر زمین کشیده ... را ... کند ... بزند و ... [illegible]

... را ... چنانچه دیو ... آب اندازند و ... [illegible]

... شده باید نتوان گریختن اگر برده گریخته باشد بنویسد سوره

والضحی را در کاغذ ... چنانچه دایره در چهار کنج کاغذ

باشد در هر یکی کنج نام یکی صحابه مصطفی را بنویسد اول نام امیر المؤمنین

ابا بکر صدیق رضی الله عنه دوم نام امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه

سیوم نام امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه چهارم نام امیر ... [illegible]

فی الحال الشفقه و در میان کاغذ سفید [illegible] مصحف نهند

و یا در جایگاه که خوابگاه برده گریخته باشد در زیر که [illegible]

که هر روز گریخته بید اشعه باذن الله تعالی . گرد [illegible]

مرد و زن برخیزند بند دو اگر [illegible] باشد بر توانا [illegible]

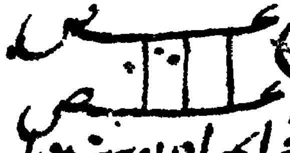
بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا هو یا هو یا

لا اله الا هو بحق هاروت و ماروت و

بحق سلیمان ابن داود علیه السلام و آصف ابن

برخیا بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] . [illegible] . [illegible] . مولا . [illegible]

هو . هو . [illegible] . طلوع . مولا . [illegible]



نقل از مفتاح الجنان هر که سورة اقرأ را در پوست دباغی

در کاغذ تنگ به نیت دختر بنویسد و در خانه نگاه دارد حق سبحانه

بخت آن دختر را گشاده گرداند تا مردم بجهت خواستگاری آیند و مال [illegible]

بخشند و آن را با عزت و اعزاز تمام قبول کنند . اگر برده گریخته باشد

باید که این تعویذ را [illegible] بر چه [illegible] بندد که در کار [illegible]

بچه زود [illegible] که چنان شود پیش نیاید خود [illegible]

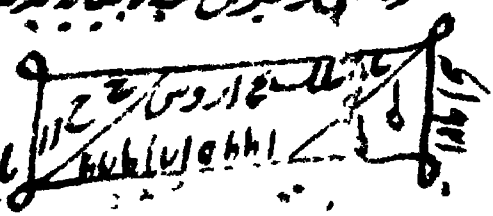
بر زنان [illegible] و مجرب است [illegible] آیه کلام ربانی این است

یا ایها الذین امنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون

برای بچه [illegible] مجرب باید که این تعویذ بر سفال [illegible] بنویسد

بنویسد و آن سفاله را در چاه اندازد [illegible]

[illegible] و حیران شده و بیاید مجرب و آزموده نقش [illegible] این است



کر ذاته [illegible]

بلند باید که این شکل را بنویسد

و در خانه بیاویزد البته البته کسی دیوانه و [illegible]

الصالحات الصالحات زود شود زود شد [illegible]

[illegible] باسم فلان بنت فلان علی [illegible]

طالب بنت فلان العجل العجل العجل العجل العجل العجل الوحا الوحا [illegible]

[illegible] الساعة الساعة الساعة اگر کسی خواهد خداوند طالع

عقرب آبی بعدی را که از شمال بعرب [illegible] است با [illegible] خود برقرار

نبی را رام کردانی چنانکه بی تو یکدم خود دل نتوانند باید که این طلسم را

در عقرب [illegible] بنویسد و بر لب حوض آب کو تکن [illegible]

شود طلسم اینست [illegible]

[illegible]

باسم فلان بنت فلان علی حب فلان بن فلان العجل العجل العجل

العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة

اگر کسی را خواهد خداوند طالع ثور خاکی جدی خواه سنبله خاکی باشد

خواه جدی خاکی باشد را که در جنوب است از عشق خود بیقرار کردانی

چنانکه یکدم بی تو قرار نگیرد باید که این طلسم را بنویسد بمشک و زعفران

و گلاب بنام مادر او و بنام خود و بنام مادر خود آنگاه نوشته را از درون

[illegible] در زیر دیوار [illegible] پنهان کند اما چنانکه کسی واقف نگردد

[illegible] بنوی ... اکسیر ... [illegible]

... ۱۱۱۱ ... ۹۹ ... ۱۱۱ ... ط آرام کرنے ... [illegible]

۱۱ ... ۱۱۱ ... ۱۱ ۱۱ ... ۱۱۱ ... [illegible]

بالاسم فلان بنت فلان علی حب فلان بن فلان العجل العجل العجل العجل

العجل العجل الساعۃ الساعۃ الساعۃ الوحا الوحا الوحا

اگر خواہی کہ خداوند طالع حمل آتشی نشود کہ درستون [illegible]

خود ... گردانی چنانچہ بکدام ... از گلید باید کہ این طلسم

بنویسی و در آتش اندازی تا بسوزد و در لحظہ ... بکر ... [illegible]

طلسم اینست عالکیمات لاکہ عاکہ عمر عمر لملہ للہ للہ للہ للہ

للہ للہ للہ و کارم سواطع ... بحق اسم فلان بنت فلان علی حب

فلان بن فلان العجل العجل العجل العجل العجل العجل الوحا الوحا

الوحا الساعۃ الساعۃ الساعۃ اگر خواہی کہ ... [illegible]

... آتش ... کہ ... [illegible]

[illegible] بنامخ بوسفید ... و بر بال ... بنویسی بعد از آن
[illegible] در زمان دیوانه کردد البته طلسم این است
[illegible] و این قرار بخوانند [illegible] بخوانید
العود بعد ما وال و بحق و بحق الحق و تسبح شیاطین و [illegible]
[illegible] البساعه الساعه الساعه الوحا الوحا العجل [illegible]
اگر خواهی که خداوند طالع اسد است نزدیک در شرق ببند در عشق
[illegible] بیقرار کردد بباید که این طلسم را بمشک و زعفران بنویسید
و در روز [illegible] کن [illegible] شیشه را در میان آتش بیا البته [illegible]
بیقرار کردد و چیز اکه مجرب طلسم این است یا ملکا الدول یا [illegible]
[illegible] یا [illegible] الصبح [illegible] الدین [illegible] باسم فلان بنت
فلان صاحب فلان بن فلان [illegible] العجل العجل الوحا الوحا الوحا
الساعه الساعه الساعه که خداوند طالع قوس آتش [illegible]
[illegible] ... است در عشق خود بیقرار کردد چنانکه میکویم بنویسی [illegible]

بگیرد و بباید پارۀ کتان یا یکی الاجه یا حریر سفید و کیله و در آن شکل را
بران بنویسد و در موم گیرد و در پیته گره کنه و در آتش بنهد الفعال بسوزد
فی الحال بیاید اگر اسم بیخ قرار کرده و چرا که بسیار آزموده ام مجرب است بالیقین
ل ااا ٩ ااا ٩ اا ٩ ااا ٩ ٦ ٦ ٩ ٦ ٢ باسم فلان بنت فلان علی حب فلان بن فلان
العجل العجل العجل العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه اگر خواهی
که خداوند طالع تو حل اگر به غربت است در عشق خود بقرار کرد دانی چنانکه بکنیم
قرار نگیرد باید که این طلسم را بمشک و زعفران بنویسد اگر نه در کوزه نو بکن
از آن بر فرستد البته البته دیوانه و بیقرار گردد بکتب طلسم اینست ماسلو
ماشر و بعه ما ملها ته مدار حسوبلی والصولی ما یا بطالجیب المطوعین بها اجب
اجب اجب قبیل آدم و توم هو مجای مد امامها را الساعه الساعه الساعه
العجل العجل باسم فلان بنت فلان علی حب فلان بن فلان الوحا الوحا
الوحا الساعه الساعه الساعه اگر خواهی که خداوند طالع
تو را اگر در غربت است در عشق خود بقرار کردانی چنانچه بکنم بنویسد
بابا

[illegible] این طلسم را باید بمقدار بجویب نور القمر نهی تا بسیج کرده البته البته

[illegible] دیوانه گردد دیبا ایام شود چرا که مجرب طلسم است و از موده است

[illegible] ۱۱ [illegible] ۱ ع

[illegible] علی حب فلان بن فلان الساعة الساعة الساعة العجل

العجل العجل الحال الحال الوحا الوحا الوحا   اگر خواهی که خفته طالع شخص

آن شخص را که سر خبر است این عمل خود بجز را بکردانی باید که این طلسم را

بر جلد اسب یا استر یا خر بنویسد و دم آتش دهد [illegible] چنانکه

گرمی آتش باو رسد در زمان دیوانه وی ایام گردد چرا که بسیار

آزموده طلسم است ملک ملک عمل را اع [illegible] ۹۹۱۶۱۱

بالسم فلانه بنت فلان علی حب فلان بن فلان العجل العجل العجل الحال

الحال الحال الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة

در بیان عملیات برج خاکی جائی که رجوع بسته است از عشق شود

تبیر اگر خواهی باید که این طلسم را بنویسی بنام او و بنام مادر او

[illegible] بنام مادر شود باید که در عمانه [illegible] با بیت چون نوشته شود

و هر دو حرف این کبیری و در نایره آتشین خواند انگشت بنهان کن انگشتها
البته دیوانه کرده و چنانکه مجرب طلسم اینست [illegible]
احوال اسمی تحی هی حل دنج هواد و سرع احمی حاصنه الله سمار المبارک
العزیز الحمد الشکور الودود الرحیم الباقی الحق الخبیر البصیر لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجب له الجبل الجبل یا اسم فلان بنت
فلان علی حب فلان بن فلان الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة
اگر خواهی که خداوند طالع قمر حالی باشد اگر چه غایب است
در عشق خود بیقرار گردانی باید که این طلسم را بنویسد بنام او و بنام مادر او
بنام خود بنام خود آنگاه در کنده رشتی بر بازکن انگشتش دیوانه و بیقرار گردد
[illegible]
یا اسم بنت فلان علی حب فلان بن فلان العجل العجل العجل العجل العجل السماء
الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة اگر خواهی که خداوند
طالع جدید الحالی باشد اگر چه غایب است از عشق خود بیقرار گردانی باید
که این طلسم را بنویسد بر کاغذ بنویسد و در راه گذر بنشان کن که [illegible]

[illegible] بار [illegible] آزموده و مجرب [illegible]

[illegible] انا [illegible] [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible] ثابت شود [illegible] تعالی [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible] بوقت [illegible]

[illegible] مجرب است [illegible] آزموده است

علا علا علا علا علا [illegible] هو هو هو هو هو [illegible]

[illegible] هذا القول [illegible] است [illegible]

[illegible]	ط [illegible] ل [illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible] ط	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

اگر خواهی که طالع [illegible] جنبا کی ماه بیر اگر در جنوب [illegible]

بیقرار کردانی این طلسم را بر پوست آهو که سنگ [illegible] زعفران بنویس

زیر آستانه انگبه [illegible] کیف در زمان دیوانه و بیقرار کرد خبر اگر [illegible]

البته البته طلسم اینست [illegible] یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible]

یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible] باسم فلان بنت فلان الحب فلان بن فلان

العجل العجل العجل العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة

اگر خواهی که خیال طالع سنبله خاکی ماه بیر اگر در جنوب ساعت از عشق

خود بیقرار کردانی چنانکه یکدم بغیر از تو قرار نگیرد باید که این طلسم را بر پوست

آهو و یا بکاسه چینی زعفران بنویسد آنگاه در زیر آستانه آنکس پنهان کنی

در زمان دیوانه و بیقرار کردد البته البته طلسم اینست

[illegible] ۹ ۱۱۱ [illegible] ۹۹۹ [illegible] ۹

[illegible] ۹۱۱ ۷ ۹ ۱۱۱ ۱ ۱۱۱ [illegible] باسم فلان بنت فلان [illegible]

العجل العجل العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة [illegible]

[illegible] که [illegible] ناکی ماده را که در جنوب است و عشق

[illegible] باید [illegible] از زیر قدم [illegible] را

[illegible] بعد انکه [illegible] انکس ببیند اندر یا انکه

[illegible] مقصود بر سر مطلوب [illegible] البته [illegible] و یا قرار گیرد

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] هم ذات الیمین ذات الشمال فانقلبوا بنعمة

من الله وفضل لم یمسسهم سوء باسم فلان بنت فلان

علی حب فلان بن فلان الساعة الساعة العجل العجل. اگر خواهی که

[illegible] طالب [illegible] ماده را که در جنوب است از غلق خود [illegible]

[illegible] با اینکه [illegible] و بر سر چهار راه

[illegible] کند [illegible] انکس [illegible] در زمان دیوانه [illegible] آرام

[illegible] طلسم [illegible] ۹ ۹ ۹ [illegible]

[illegible] ۹ [illegible] باسم فلان بنت فلان علی [illegible] فلان

العجل العجل العجل الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة

بلکه خواهی که خواهی طالع [illegible] ماه که در جنوب بیت از مشرق [illegible]

بعقرب کند دانی باید که این طلسم را بنویسی ببرد در آستانه آنکس پنهان

کنی آنکس دیوانه پری آرام گیرد اما اگر خانه او نزدیک نباشد باید که در

زیر آستانه خود پنهان کنی و شب ها در گشاده داری البته هوش خواهد

شد مجرب است علیکم یا عشق یا فتوح الملک [illegible]

[illegible] لم وجدنا الوحی الی الماریخ آه آه العد العد [illegible]

و ام عو العجل العجل العجل العجل العجل باسم فلان بنت فلان علی حب

فلان بن فلان الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة — اگر خواهی

که خواهی طالع قوس آید [illegible] که در مشرق بیت از مشرق [illegible]

کند دانی چنانکه [illegible] باید که این طلسم را [illegible]

[illegible] آن [illegible]

[illegible]

[illegible] استخراج مجلس سماس

[illegible] اسم فلان بن فلان

[illegible] العجل العجل العجل العجل الساعة

[illegible] الوحا الوحا الوحا   اگر خواهی که خداوند طالع جدی

او را که در جدی است در عشق خود بی‌قرار و دیوانه گردانی چنانکه یکدم

بی‌قرار نگیرد باید که این طلسم با مشک و زعفران بنویسد و بر لب

جوی دفن کند و سه روز از پیش بگذرد بعد از آن سه روز از آنجا بیرون

آرد و اگر ببیند بلاک شود چرا که مجرب است و آزموده طلسم این است

احطط م ط [illegible]

[illegible] العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة

الساعة   اگر خواهی که خداوند طالع عقرب این جادو را که در

عقرب است در عشق خود دیوانه گردانی چنانکه یکدم

بی‌قرار نگیرد باید که این آیت با مشک و زعفران بنویسد

و در سر چرخ بنه و چرخ را باز کونه کردانند بعد ازین [illegible]

خانه بیاویزد انگه طی افر شود آیت اینست زُیِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ

الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ

الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ

الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ تا آخر

بیارد کبوتر لعل کند در وشمالی کند و از سر هر سفید کند

و بار سر هر مذکور را سائیده از خون کبوتر خمیر کند و بمقدار گولی [illegible]

سازد و بوقت حاجت در چشم کشد هیچ کس او را نه بیند و او

همه کس را به بیند اول ساعت زهره دوشنبه را نیم چاشت

عطارد و زبان هندی را اول قمر دوستی را اول [illegible]

زعفران دو بهار مشتری [illegible] دوستی را [illegible] دیگر مریخ [illegible]

شمس [illegible] اول [illegible]

[illegible] مریخ [illegible] شمس [illegible]

[illegible] دوستی را نماز دیگر عطارد زبان بندی را آخر روز قمر [illegible]

اول ساعت [illegible] خواب بستن [illegible] نیم چاشت زهره دوستی را زوال عطارد

[illegible] تا [illegible] نماز شب قمر دوستی را میان دو نماز زحل دشمنی را نماز دیگر

مشتری [illegible] را آخر روز مریخ دوستی زا اول ساعت قمر [illegible]

[illegible] زحل دشمنی را زوال مشتری دوستی را نماز شب مریخ [illegible]

[illegible] دو نماز شمس خواب بندی را نماز دیگر زهره دوستی را آخر روز [illegible]

[illegible] اول ساعت مریخ دشمنی را نیم چاشت شمس خواب بندی را

زوال قمر دوستی را نماز پیشین عطارد زبان بندی را [illegible] دو نماز زهره

دوستی را نماز دیگر زحل دشمنی را آخر روز مشتری دوستی را

[illegible] ساعت عطارد زبان بندی را نیم چاشت قمر دوستی را زوال

[illegible] نماز پیشین مشتری دوستی را میان دو نماز مریخ دشمنی را

[illegible] خواب بندی را آخر روز [illegible] زهره دوستی را

[illegible]

خواب ببیند [illegible] روز [illegible]

نماند دیگر قمر ده دست تا روز آخر زحل و شب [illegible] اگر خواب [illegible]

حساب باید که دوازده انگشت [illegible] بر زمین هموار ایستاده [illegible]

پنجاه و پنج انگشت باشد و گفته که یک ساعت [illegible]

[illegible] و ده ساعت [illegible] چون [illegible] و ده انگشت [illegible]

سیم ساعت نیز [illegible] به بیست و چهارم و [illegible] پنجم

[illegible] گذشته بجانب مغرب آفتاب [illegible]

شود هفتم [illegible] بیست چهار هشتم [illegible] نهم [illegible] دهم [illegible]

یازدهم پنجاه و شش دوازدهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ببیند همچنین مریخ و زحل را همچنین دیدن با مذنب را عقد بی فضل

و مشتری و مریخ و بهره و عطارد را آمیخته هم دانند و بعد گفته نسبت

بسته و دارد اول ساعت آخر ز ساعت همان ستاره با آنچه

و دیگر بعد از آن ضد و غیره مهربان شود این بیت یا بدوح لا تخاف

در کاغذ لا تخفی والله المستعان علی ما تصفون این بیت را بخواند

و بعد بر دست دم کرده بر روی خود بمالد در چند روز مطیع شود

و فرمانبر و اگر دو آکر بر عنبر بیت را بخواند و بو کشاند مطیع شود

و اگر بر سرمه بیت را بخواند و در چشم اندازد همه کس مهربان شود

تو این است راهم نوشته نویس که پانصد تبر فتح جمله خویش

چو در دیگ کسی جا آکنند نیم سیر نود را اشنات بده ای پسر اگر چه

نه خود نداری کنند تو همچنین و ری خنده داری تمام ست کل از

شعری عزیز چرا اید ببند ترا ای تیغ سکر شود لب را با آب تیغ زنده

به شکل عجایب غریبه دو شصت پر کرده نقش ورد ظفر باید

نیز مقصود فعد . چو خواهی که سر و دست منشین تو اثنی و سطر

پیش خویش چو خواهی کیف باک خشک را تو بیست ثمانون و

سک را چو خواهد کسی علم خواند یکی دو ب بر کند بر و بهانگی

برای ظفر آمدی ناتوان صد و خمس را باشد انجا مکان چو خواهی آرد

عمل را ده بیازده بر کشد عمار چو خواهی که گردی ما فر مراد صد و

بیست و ابر بینی ای نیکخواه چو ایمن بصحرای کند کشت را بر انده

موش دیگر بلا و ده بیست عشرین برا ان شمار در ان کشت

کن دفن در رکن چهار ده یک الف بر کند خانهار مقابل نماید شود

آن ربار کنی را ده به زهر قاتل اگر بده بیست اثنان تو دفع شمر

چو خواهی محبت که جانی شود دو صد نه دری نار روانی شود چو خواهی

که کشتی سلامت بر آب چهل و دو بده تا رود او شتاب بجای نیز

غلت اگر که هفتاد نه را دهی زود تر برای سفر نخواند اگر کسی

واثنی بده زود تر بده چهار هشتاد او را تو [illegible]

چهار در خانه شصت بدار بکش چهار کس تو تختی دیوار بشمار اربعه
یکشنبه و پنجشنبه آن خانه در برای زیارت شدن طعم را
شود میان آنها بنویسد یکهزار و پنجاه زود وزا آورند لکت زیارت نمود:
برای عقیمه دو هزار اگر فرزند یابد تو دو هشتاد ده برای فرزند بمر
هم صد شمار وهی این جای بکن در بدار برای همایل بدان که دفعه
ابلیس لت سی چار آن برای بهجر شصت سبت این دفع زهر باد
جمله چیز وهی سی اثنی مراد را شمار نوشته بده خویش نیکو شمار برای
محبت زن و شوهر این آیه بر نبات یا بر آب بدهد محبت زیاده گردد
وَاِنْ یُرِیدُوا اَنْ یَخْدَعُوکَ فَاِنَّ حَسْبَکَ اللهُ هُوَ الَّذِیٓ اَیَّدَکَ
بِنَصْرِهٖ وَبِالْمُؤْمِنِیْنَ وَاَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا
فِی الْاَرْضِ جَمِیعًا اَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَلٰکِنَّ اللهَ اَلَّفَ
بَیْنَهُمْ اِنَّهٗ عَزِیْزٌ حَکِیْمٌ واستاد دعا بزرگوار اگر شوهر خود
را مسخر کرده باشد این دعا پنج وقت بعد از نماز بخواند به برکت

تا جدا شوهر آن زن طلاق بدهد اینست بکنک ازدرمیب کرد
بسم الله الرحمن الرحیم یا کافیا من کل شیء یا من لا
یکفی منه شیء الفنا من کل شیء بیوک اخلیق اگر
کسی در میان هر دو جدایی اندازد این تا و تعویز را بنویسد در خانه آن
دشمن کن در حال دشمن دلتیر شود اینست [illegible]
والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة
دیگر جدایی بنویسد بخانه آنکس بنهد اگر زن باشد طلاق دهد اگر کنیزک
باشد بفروشد [illegible]
[illegible] که اگر کسی در میان دو کس این آیة نفث باید
بر داد بر چه یا بر تکه در آتش انداز در میان ایشان عداوة و جدایی
قایم شود اگر خواهی که در خانه عداوة یک مشتی خاک آورده و بر آن
یک انا اعطینا و یک بار الم نشرح بخواند بازیم در خانه آنکس
اندازد فی الحال عداوة شود روز بیابد که عداوة افتد میان یکدیگر
[illegible]

ومی باید خاک چهار راه و این آیت بخواند بدصد خانه باید اندر
حال همای افتد است وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ اگر کسی را عداوت میان دو کس انداختن باید
شصت و اند جل بر آن هفت بار بخواند در آن عداوت افتد وَأَلْقَيْنَا
بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فلان و فلان
اگر خواهی که در میان دو کس عداوت و جدائی کنی این آیت را بنویسه
در گور کهنه انداز و مجرب است شک نیاری الْقَارِعَةُ مَا الْقَا
رِعَةُ الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ
زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِ
نْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا عداوت فلان
بن فلان اگر کسی را شوهر دور رفته باشد نزدیک او نیاید که باید
بسته تعویذ بنویسد و سکه پلیته کند در چراغ بسوزد اگر صد فرسنگ
باشد بیاید بتوفان خدای تعالی ثم رحمت علیکم یا شیطان یا شیطان

یا شیطان الاحمر یا شیطان الاخضر یا شیطان
الابیض اگر تعویذ برای محبت زن و شوهر و چیزی دیگر میان بکند شود
عداوت افتاده باشد و همه نوع اختلاف می‌شود این تعویذ بنویسد باید
یا بشیر خورد دیگر بخورمان خدا تعالی محبت جانبین شود علیها ملیها
انت تعلم ما فی قلوبهم بالرنج علی امیره علی علی علی علی علی
باسم فلان بن فلان اگر کسی مرد و زن مخالف باشد این تعویذ بنویسد
اگر مرد باشد زن بنویسد مرد را دهد اگر زن مخالف باشد مرد بنویسد زن
را دهد محبت زیاده شود تعویذ این است بسم الله الرحمن الرحیم
سبحانک لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه
و رازقه یا الله الا اسمه الرفیع جلاله وصلی الله
علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم
الراحمین دیگر تعویذ محبت شدن در میان زن و شوهر
این آیت را بنویسد یک روز بخوراند آن زن و شوهر هر دو بخوانند میان
ان الذ

[illegible] سوره اخلاص لا اله الا الله الاحد الله الصمد
لا اله الا الله ذو الجلال والاکرام برحمتک یا ارحم
الراحمین تعویذ محبت معروف اگر در میان زن و مرد محبت نباشد
[illegible] بلکه بجز اند اگر مرد باشد زن را بجز اند و اگر زن باشد مرد را بجز اند
اینست بسم الله الرحمن الرحیم یعلم ما یسرون وما
یعلنون والله علیم بذات الصدور و اگر خواهی که مرد زن
دیگر نکند [illegible] در شب زیر بالین نهد بعده کشیده و دو باره [illegible]
بحکم الله تعالی مرد زن دیگر نکند اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله ولو یری
الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا
وان الله شدید العذاب [illegible] علی المؤمنین
والله [illegible] شدید [illegible] در بیان آنکه از شکم بچه خام رود اگر عورت
فرزند از شکم خام میرود [illegible] سلیمان [illegible]

و بر ... بنویسد بالخیر ... بسا ... در ... کند بند ... بازو ...

تحرزت بالله الذی ... [illegible] ...

الا یاتیه من نوح ... اذا ...

من امر المستقیم ... این تعویذ بنویسد در کردن بند ...

حفظ ... بسم الله الرحمن الرحیم ...

المحمول والمطلق ... انما ...

بحق لا اله الا الله محمد رسول الله ... نصیب

وایاک نستعین برحمتک یا ارحم الراحمین ...

اگر ... خلق ... بباید که در روز یکشنبه این ... بنویسد ...

... بپوشند تمام خلق حاضر آید ...

... در ... روز ...

اگر ... این ... نوشته ...

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

... بنویسد ... بر ... بند ...

[illegible] از جهت [illegible] که انزال نشود این است

۹۹ع	۳۱۷۷	۹۱۶۱	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	۹۱۴۹
[illegible]	[illegible]	۳عا۱	اد۱۱
۴۲۲	الی ۲	۹ ع ۲۹	۹۵ ۳

[illegible] بهجرف [illegible] فی [illegible] محمد و [illegible] علی [illegible] محمد یا علی هر که این نقش را بر خود به بندد و نزدیکی عورت کند تب [illegible] انزال نشود

[illegible] نباشد وقتی که بالا ناف بیارد انزال شود سنگ نیارد هر که سنگ آرد کافر گردد نعوذ بالله منه این است

عمل دیگر [illegible]

۳	طط	ع ۱۱ ۹	۳	۵ و ۵ و	[illegible]	۱ و ح
[illegible]	[illegible]	۹ ۲	۲۲۳	[illegible]	۹ [illegible]	۳ [illegible]
صد ۲	۱۱۵	۹ ع	طط	اه ۲	ل ع ۳	[illegible]
۹۳	[illegible]	[illegible]	۲۱۲۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۲۲۹	[illegible]	۱۱۹۶۶	ل ۱	[illegible]	[illegible]

استخوان که آب [illegible] ناف [illegible] انزال نشود

[illegible] جهت [illegible] انزال نشود این است

۱۲	۱۱۹۹	۳	ق
ن [illegible]	۹۹	۲	۹ ح
۹۱	۹۹	ای	۳
ص	۹	۴	ب

۲	۱۱۹۹	۳	ق
ص	۹۹	عو	۱۹۹
۹۲	۲	۱۳	[illegible]
ز	ع	۹ ح	۱

... بنویسد بر وقت ... بر ... نقش اینست

ح	لہ	اع	عع	ح	ى	ص
م	ح	ن	ا	ف	د	سب
ا	ط	ح	ل	ل	ع	ح
ن	نحو	ا	د	ا	د	ى
ح	م	ى	ل	ا	ع	ح
ل	ا	ن	و	ى	ح	ع
را	اه	ان	م	ى	ل	لا

اگر کسی زهر را خورده باشد

یا مار بزند ویا سگ

دیوانه دیا شد

دیوانه گزیده باشد این نقش در ... پیاله خیر نقش باشد ... دیگر گزیده را بخورند که صاحب گزیده دور باشد که ... و باذن الله تعالی از آن همه ... صحت بخشد نقش معظم اینست

خاک از تن مرده یا

خفته در روز یکشنبه یا سه‌شنبه

ببندد در ... اندازد ...

بر خیزد ... اول ...

ر	س	له	م
ط	ر	د	م
لا	بد	مى	حح
لو	ب	ح	الح

ببهوشت هم کنند پانزده دانه سپند و زبان خشک یا رب تو بنشت بر ران

این آیه بخوانند نار الله الموقدة التي تطلع على الأفئدة

إنها عليهم مؤصدة في عمد ممددة ٢٠٩٩ اگر لعاب بند باید

بریسمان معصفر سر تا پا را بنمودست بپیموده کران مقدار که ماه گذشته

مقدار که بسته بر برای یکبار این عزت بخواند و در کمر عورت بندد است

واصبر وما صبرك إلا بإذن الله ولا تحزن عليهم ولا تك في ضيق

مما يمكرون إن الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون

جهت علم بیار و زبان به خشک شد و در بیرون کودکی هند زاج

بخواند یا بکند هر که دعا را روز جمعه هفتاد بار بر سر از انخته

بکند و که خواننده این دعا را سال دارا شود. اینست بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم یا غنی یا حمید یا مبدئ یا رحیم یا ودود اغننا بحلالك

عن حرامك وبفضلك عمن سواك یا ذا الجلال والاکرام

[illegible] وفع ... و تیر ... [illegible]

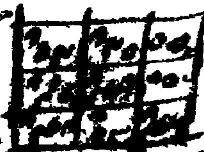
[illegible] کار [illegible] باید که این عزیمت بنویسد در بازو بندد اجابت

بسم الله الرحمن الرحیم حسبنا انزلنا من السماء ماء فاختلط به

الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح هو الله الذی

لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ۳۳

[illegible] قیوم



آگر آسیب بهیچ وجه دور نشود باید که

روز یکشنبه بیارد [illegible] نیم پاره روغن تلخ [illegible] زرنیخ زرد

[illegible] سیاه باشد در او [illegible] این اسمارا هشت بار بخواند و دم

[illegible] یک شیخ [illegible] بنویسد [illegible] دانه و دم کنند بعده [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... بیان ... داود علیه السلام آسیب ... [illegible]

... [illegible] هر چه کنند تا ... [illegible]

و ... [illegible] ... باشد [illegible]

[illegible] شود   دفع سحر و جادو و دیگر ... [illegible]

چون خواهی که دفع کنی بیا سه آب از حوض یا از چاه وقت صوت

یا وقت شب که در آن وقت سایه کسی نرسیده باشد رو بجانب شمال

کند سه قطره آب بگیرد و این عزیمت را چهل و سه بار بر آن آب

بخواند و مصروع را غسل دهد ... [illegible] بخوانند اول بر و نفس تلخ

... و سه بار ... عزیمت بخواند و بتمام اندام بمالد ... [illegible] آیت

اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما ... [illegible] اگر آسیب

حاضر ... باشد و خواهد که بند کنند تا ... حکم بتواند ... این آیت

هفت بار بخوانند ... سر او ... [illegible] تا که حکم بکند ...

رفتن نتواند ... که خواهد بکند ... بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] من الجن والانس وجنود ابلیس اجمعین و چون صد بار که [illegible]
شود که یک بار بگوید بر خلاص شود بسم الله الرحمن الرحیم الا [illegible]
و [illegible] یا اکرم الاکرمین یا ارحم الراحمین یک صد مرتبه بعد از
[illegible] برای کم شدن اذن میان سید یا عظیم من کل عظیم یا کریم من کل کریم
یا جلیل من کل جلیل یا عزیز من کل عزیز یا قدیم من کل قدیم یا وجود من کل
وجود خلصنی من النار یا مجیر یا مجیر یا مجیر هر روز بخوانند زوال ایمان ایمن گردد
یا محقق یا محقق انت بحق علی التحقیق یحیی من کل [illegible] بار که صد بار بوقت [illegible]
بخوانند [illegible] برای کم شدن یک هزار بار بعد از نماز بخوانند ان را [illegible]
[illegible] شود اللهم اذهب عنی اللهم الحزن بعد هر نماز فریضه
پیغمبر علیه السلام فرموده است بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم اکر [illegible]
من کل ظلمات الوهم یازده بار بعد هر نماز فریضه بخوانند و بر سینه [illegible]
کامل شود و هم غم [illegible] شود و هر که این نقش را بر بازو بندد در [illegible]
[illegible] بهره مند باشد [illegible] بسیار تعالی با شد [illegible]

آورده است که انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده اند

از رسول صلی الله علیه وسلم هر که در جمعه صد بار بخواند اللهم

اغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک توانگر شود در جمعه

که حق تعالی او را غنی کردانید و در مضمرات و از تفسیر آورده است تفسیر

القیت علیک محبة منی ... وفتناک فتونا ... مرتبه شریف بخواند مقصود حاصل

شود اگر کسی را خواهد که عمل کند خطا نشود باید که سورة یس را بر آب

بخواند و آن آب را ... باقی آب را کسی باید تصور کند و بدان وقت

عمل شروع کند ان الله تعالی عمل ... خوانند اگر کسی را شب کوری باشد

... با آب ... باید در چشم کشد نیکو شود بسم الله الرحمن الرحیم

اگر کسی سر درد کند آیت شریف را بر انگشت شهادت هفت بار دم کند بعده

هر جا که درد بیارد بر انگشت یکبار دم کند و قل جاء الحق وزهق الباطل

ان الباطل کان زهوقا ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به

الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا بر انگشت دمیده هفت بار ...

نسبت چلند بر دو دنهاله به بعضی یکبار بر انگشت مهکوره دو ...

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی

المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله برای حب نوشته بخورانند اگر دو میان زن

و شوهر بسیار زاری باشد این آیه نوشته بخورانند محبت کامل شود یحبونهم

کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله برای عداوت باید دو دندان

سگ و دو دندان خوک هر دو یک جا کرده در خانه آنکس اندازند عداوت

افتد هیچ دشمن نزد غالب نیاید و در نظر خلق هست ...

چهل یک تعویذ هر روز یک بخورد نقش این | یا الله ...

و شر ... دو ... بخورد ... | یا ما ما ما ...

دو پایه ... دو پای ... دو پای ... [illegible]

... بخوانند ... و ... [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

٤	٩	٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

٢	٧	٦
٩	٥	١
٤	٣	٨

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

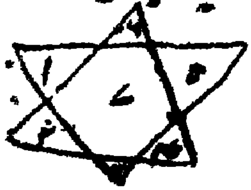
روز سیوم — روز دوم

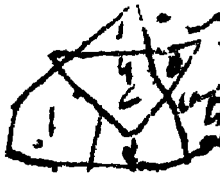
۲۱	۳۰	۲۵	۳۱	۱۹	۲۶	۲۳	۲۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۴	۳۳	۱۶	۳۴	۲۲	۱۰	۱۵	۳۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۳	۲۶	۹	۱۶	۱۱	۲۵	۱۷	۳۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۰	۵	۳	۲۲	۳۱	۱۳	۱۲	۳۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اللهم صلّ علی محمد عبدک و نبیک النبی الامی یک بار هزار بار جمعه بخواند جمعه
اسم اعظم لیکن کار دنیا و آخرت با مهم بسم الله بخواند و بار اجابت بعد از
وقت خفتن برای ... یا قادر رسول مقبول می درویش بخواند در میان
پنج جمعه نافعه یکی هر که صحیح ... ابه هر دو سوره یس سلطان یعقوب ...
بدین ترتیب بخواند انشاء الله تعالی آسان کند این است روز شنبه بارواح سلطان بایزید
بسطامی روز یکشنبه بارواح سلطان ابراهیم روز دوشنبه بارواح سلطان
احمد کبیر رفاعی روز سه شنبه بارواح سلطان ابو سعید ابو الخیر روز چهارشنبه
بارواح سلطان شیخ نجم الدین کبری روز پنجشنبه بارواح سلطان محمود غزنوی
روز جمعه بارواح سلطان امام حسن و حسین رضی الله عنهما صورت

هر روز جمعه یک مرتبه بعد نماز عصر بخوانند مهمات که یک صد مرتبه بار نیید
از نماز عصر بخوانند بجهت این اسماء رحیل شنبه که فرموده میان جمال محمد سنند

یا مدبر انطلق من کل سوء زال العاد کسب





۹	۶	۳	جلیل نقیب جملهم	یا
۷	۱۲	۲	۴	
عمر	۱	۸	۱۱	
عم	۱۵	۱۰	۵	

یا خالص یا مخلص یا خلاص یا صالح

مقیم موت الیاس سید صلوات بر محمد علی اسم الله الرحمن الرحیم یا جل جل
من کل جلیل و یا عزیز من کل عزیز یا قدیم من کل قدیم خلقنا من النار
برای کسی که را باد صره شود باشد علامات وی آنست چشم ها زرد
کبود و سیاه شود نهانه باشد و لرزه تب باشد شش سم و آن اثر بازو راست بندد
بوشش و دو ابر بازو چپ بندد ده بار استاک کند و ده بار خواند علیها نسید
بسم الله ایت علوش مدیوش سلوش بسلوش السان روحا در باغه
و حاجه اقیمن حقوق نعوذ بالله منها شر الاشیا لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم

شب جمعه خواندن سورت واقعه اول ماه نو شروع کند و شنبه شروع کند روزی فراخ
بهم رسد یکصد و بیست و پنج مرتبه بخواند هفت روز و هشت روز یکصد
بیست و شش مرتبه بخواند نوبت دوم هر روز پیش از طعام بخورد بعد از خوردن طهور

مالک یوم الدین	نستعین	انعمت علیهم	آمین
الرحیم	و ایاک	صراط الذین	ولا الضالین
الرحمن	نعبد	المستقیم	غیر المغضوب علیهم
الحمد لله رب العالمین	ایاک نعبد	اهدنا الصراط	صراط [illegible]

الحمد یکصد مرتبه بخواند
ترتیب نماز تهجد اول
دو رکعت نماز تهجد
و نیت بخواند اول رکعات کلمه تمجید بخواند

٢٧٣	[illegible]	٢٧٤	٢٤٩
٢٦١	٢٤٣	٢٥٩	[illegible]
٢٦٣	٢٦٥	٢٧٤	٢٥٩
٢٤٣	٢٦٠	٢٩١	٢٦٦

سبحان الله صد مرتبه حمد صد مرتبه استغفار
یا کریم صد بار یا رحیم صد مرتبه یا عزیز صد بار رجعت شود و شغل جاری شود
یا رحمان صد بار یا وهاب صد بار بسم الله الرحمن الرحیم هفت صد بار
هر وقت باید بخواند هر روز بخواند الصمد القیوم یکهزار یکمرتبه بخواند وقت
شب بعد از نماز در روز یازده بار اول و آخر بسم الله الرحمن الرحیم
برای حمل تمام یکماه یا نه ماه میرود سورت یس بخواند هفت میان

دم کند بهفت کره دیهفت بار آیة الکرسی بهفت الحمد که هو یاتی

الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد جمع علی حالتی یکمرتبه

یکمرتبه یا حی یا قیوم بهفت صد بخواند انشاء الله تعالی هر مطلب جهان کرده

لا اله الا الله کل مشکل آسان محمد رسول الله یا رب کل مهربان بعمه یکبار

و یکبار سوره اخلاص معه التسمیه بخواند و هر یک بعضی مشایخ فرموده اند که

بعد سورت اخلاص صد بار و درود صد بار فاتحه بخواند ختم کند رسکه روز

برای بر آمدن جمیع حاجات با استعمال درست و کامل بخواند از سوم

روز چهارشنبه تا شب چهارشنبه شروع روز جمعه تا شب جمعه ختم نماید

تا روز یکشنبه مراد حاصل شود با یکی وقت خواندن نشستن

بخواند الشیاء ... این وجه بهفت خواجه ...

... بهفت ...

... السلام ...

کلمه علیها السلام بحق جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بجهت خواب
بستن یا روز دوشنبه مغرب وقت بنویسند ای باشنت خود بتهد خواب
انکس بسته شود همین صورت بنویسند و دیگر شب دو شنبه میان مغرب
و عشا قلعت این تریزه یک مرتبه بخوانده همه پنج تلف دم نمود و با قلعت
یا ارقسم همچنان مرتبه دیگر خوانده پنج را زیاده ثقل سازند به همین طریق
تا چهل یک مرتبه هر پنجه بخواند مرتبه چهل یکم بلوف هر یکی بپیچد و بلد بسجان
معصوم پیچیده در خانه بجانب جنوب در زیر زمین دفن سازند انشاء الله تعالی
خواب انکس بسته شود بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله بستم خوابش و رب
العالمین بستم ربطش الرحمن بستم مویش الرحیم بستم گوشش مالک یوم
الدین بستم بیخش ایاک نعبد بستم دهنش و ایاک نستعین بستم دو دستش
اهدنا الصراط المستقیم بستم دست و پایش صراط الذین بستم
زبانش کور و لال بستم ... انعمت علیهم بستم ... غیر
المغضوب بستم ... علیهم ولا الضالین آمین ...

تمام الله شمس المحب فلان بنت علی محب فلان بن فلان ترتیب

نوشته بقید جواکرفته بود که برای کسی تا این رشق خاک از تحت دریا

بیاره و اسما کلا اگر خواهی کنید این نقش را چهل روز هر روز چهل مرتبه بر آن

خاک اسما مبتزم را بنویسد و وقتی که تمام شود آنها که او در شیشه انداخته

نگاهدار کسی رنق زیا شود برای بغض این نقش مذکور در گورستان

بقلم بنویسد و هر روز چهل بار بنویسد و شمس طلب شود ... ار

اسما ایه ثم انزل اگر کسی عورتی را فرزند نمی شود باید این

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

آیه یازده سیاهی بیارد و بر هر سیاهی یازده بار بخواند

۸	۱	۶
۳	۵	۷
۴	۹	۲

و بعد از آن بعورت را خوردن دهد بفرمان حق تعالی آن عورت

فرزندی شود خاصیت دوم آنکه از برای محبت کردن اگر کسی را خواهد

که دشمن باشد یا طلب محبت کند بیارد هفت گل و بر هر گلی یک آیه را بهفت

بار بخواند بعد آن گل را بوی کردن بدهد تا از بوی آن گل کسی دیگر

معلوم عشق سوخته شود خاصیت سیوم آنست اگر کسی را از رنگ دیگر

شنیده باشد باید که بیاید زنان میوه و چون آن مار از آنجا را بازده با

بخواند و باید بسیار آن صورت را خوردن و مرا از آنجا اگر رنگ

صورت تازه شود فرزند ... روزی تمام شود ... چهارم از سر

درد و علم این آیت بخواند و بر سر دم کند تا درد شود آنکه

زحمت و بیماری شده باشد باید که این آیت ... و معوذات

خواند و بخورد و بدید ... الله تعالی ... شود آیت منهی

... که از آن ... باشد هفت نوبت سوره ... بروج هفت

سلطان بخوانند ... البته بکفایت رسد و مقصود حاصل شود اول سلطان خضر

دوم سلطان ابراهیم ادهم سیم سلطان ابوسعید ابوالخیر چهارم سلطان

بایزید بسطامی پنجم سلطان محمد خدابنده ششم سلطان محمود غازی هفتم سلطان

سنجر قاضی. دختران ... این بسم ... بنویسد بر بازوی بند و اگر در

شکم دختر باشد پسر شود اگر پسر باشد بماند از مرده ... بسم الله الرحمن الرحیم

فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم لا اله الا الله محمد رسول الله دیگر ... که چنین

نیا نسان تعویذ بتولیہ برائے حب مندرجہ ان شاء اللہ تعالیٰ

۲۳۳ھ	۹	سمع	کحس	ححح	کمرود
شکم	ن ہ	۹	سبع	عہ	

بسم اللہ الرحمن الرحیم قل اللھم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء

وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک

الخیر انک علی کل شیء قدیر قل اطیعوا اللہ واطیعوا الرسول فان تولوا فانما

علیک البلاغ المبین یحبونھم کحب اللہ والذین امنوا اشد

حبا للہ ولو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوۃ

للہ جمیعا وان اللہ شدید العذاب بلی من اوفی بعھدہ واتقی فان اللہ یحب

المتقین الحمد للہ رب العالمین یارب دو جسم فلاں بنت فلاں

بکمونم من کن بحق ہذہ الاسماء قال یایھا الملؤا ایکم یاتینی بعرشھا

قبل ان یاتونی مسلمین قال عفریت من الجن انا اتیک بہ قبل

ان تقوم من مقامک وانی علیہ لقوی امین قال الذی عندہ

علم من الکتب انا اتیک بہ قبل ان یرتد الیک طرفک فلما

بحق [illegible] قال هذا من فضل ربي ليبلوني أأشكر أم أكفر

ومن شكر فإنما يشكر لنفسه ومن كفر فإن ربي غني كريم بسم الله

الرحمن الرحيم يارب دو دوستان [illegible] السلوان [illegible]

مراد دل [illegible] وقالوا سمعنا وأطعنا غفرانك ربنا وإليك

المصير [illegible] عسى الله أن يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة

والله قدير والله غفور رحيم وبحق [illegible] إياك نعبد

وإياك نستعين يارب [illegible]

[illegible] وراودته التي هو في بيتها عن نفسه وغلقت الأ

بواب وقالت هيت لك قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثواي

إنه لا يفلح الظالمون وبحق قد شغفها حبا إنا لنراها في ضلال مبين

وبحق قالوا تالله تفتؤ تذكر يوسف حتى تكون حرضا أو تكون

من الهالكين وبحق اهدنا الصراط المستقيم يارب دو دوست

[illegible] وبحق [illegible] رحمة

من الكلمة لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك

فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر فاذا عزمت

فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين بحق کهیعص و بحق

طس و بحق حم عسق و ق والقرآن المجيد و ن والقلم وما يسطرون

گردانیدم دل و جان و بهجت اندام فلان بنت فلان را بمهر و دوستی خود و بحق

والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك

فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن

ان الله ... بحق جبرائيل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل اللهم ...

بحق توریت موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم

... یارب گردانیدم دل و جان و بهجت اندام فلان

بنت فلان را ... بحق مهر و دوستی بحق آدم و حوا و شیث

و ادریس و نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یوسف و ...

... و یعقوب و موسی ... و خضر و الیاس ...

...

بطفیل حبیب و شفیع مجرمین محمد مصطفی علیه الصلوة والسلام و آله
و اصحابه اجمعین الٰهی مهربان گردان دل فلان بنت فلان بر من بحق این آیة
معظم بحق یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات
والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فبأی آلاء ربکما تکذبان ای
الٰهی پریشان نمودی کفار من حطیم حرم یا شب معراج گردید صد صد و کذلک
مهر و محبت فلان بنت فلان ثابت کنید بحرمت این آیة بحق کلام معظم خود
که بیت تصحیح آورده ام دل فلان و بعت اندام فلان بنت فلان بمهر و محبت
من گفته و شفته کرده دل بحق و اصلحنا له زوجه انهم کانوا یسارعون فی الخیرات
و یدعوننا رغبا و رهبا و کانوا لنا خاشعین لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما
الفت بین قلوبهم ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم بحق و من الناس من یتخذ
من دون الله اندادا یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ولو
یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا وان الله شدید
العذاب و بحق هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین والف بین قلوبهم

بحق [illegible] غير [illegible] الجنة فاشتغلوا في [illegible] الله [illegible]

[illegible] رحيم بحق ان يحيد وبالا لفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب

[illegible] عذاب اليم وبحق قد شغفها حبا انا لنراها في ضلال مبين كرفتم دل [illegible]

[illegible] اندام فلان بنت فلان را بمهر و دوستی خود بنام خداوند رب العالمين

بحق جميع پيغمبران كه اول ايشان آدم صفي الله و آخر ايشان محمد رسول الله صلى

الله عليهم اجمعين غير المغضوب عليهم يا رب هردو پاي فلان بنت فلان را

بجانب من بعد گردان بمهر و دوستی فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس

والقمر ان تعفوا او تصفحوا او تغفروا فان الله غفور الرحيم وبحق زين للناس

حب الشهوات من النساء والبنين والقناطير [illegible] ذلك متاع الحيوة

الدنيا والله عنده حسن المآب وبحق فلا جناح عليهما ان يصلحا بينهما

صلحا والصلح خير وبحق انه علي [illegible] لشهيد وانه لحب الخير لشديد

والضالين آمين [illegible] دل [illegible] وصفت اندام فلان بنت فلان را

[illegible] خود بنام خداوند رب العالمين الحي القيوم [illegible]

لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف
رحیم بحق تعالی انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی حتی توارت با
لحجاب کرفتم سیصد و شصت دوکت و چهار استخوان فلان بنت فلان
بکمر ... خود بنام محمد ... چه محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم کرفتم از
... ولقد فتنا سلیمان والقینا علی کرسیه جسدا ثم اناب
المحب ... آن نام که بر ... نوشته است ... دل فلان بنت
فلان المحبت ... کردان ... آن نام که ... محمد مصطفی
صلی الله علیه و سلم گرامی گردانیدی یا الله یا ... بحرمت آن
نام که بر چشم آدم ... نوشته شده است ... در دست
و ایوب علیه السلام این را ملزوم کردی یا رحیمین دل فلان بنت فلان را با
خلاص من ملزم گردانی الهی بحرمت آن نام که در توریت و انجیل و زبور
و فرقان نوشته شده است و برکت آن که اشارت ... انبیا ...
... عنایت فرمودی یا مقلب القلوب والابصار

هزار بار این معاینه بر ساق یا ذو الجلال والاکرام بخواند ... یا ...

پیغمبر گفت صلی الله علیه وسلم هر که بعد از فرض پیشین سه بار سورة

اخلاص بخواند و سه بار درود فرستد بعد از آن ومن یتق الله

تا قدرا ... سه بار آیة وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو ...

الغفور الرحیم بخواند هر وقت که بخواند ... بعد ... اسمان بد

حقیقت ... الغفور ... بجهد ... بسیار ...

خورداری آخرت بحساب در بهشت رود ان شاء الله تعالی

بجهت کشایش کار و جاری شدن دوکان او ... در خانه یا در مسجد ...

... بیست و پنج بار ومن یتق الله تا قدرا بخواند و آمده دوکانه را

... از عقب ... بیاید فتح وفتوح بود کشایش

... هر وقت ... اگر ... خاطر ... پریشان باشد در شب این

عمل یکبار ... جمع شود این عمل ... است ...

... هفت بار آیة الکرسی یکبار یس و یکبار ...

دعا

و یکبار چپ و یکبار بالا و یکبار بر فرود و یکبار [illegible]

بعد از آن دو صد بار قل اعوذ برب الفلق و دو صد بار قل اعوذ برب

الناس بخواند مجربست   دعا برای قتل عدو جانی پاک مصلی [illegible]

کرده بکرد مصلی یا صد بار درود خواند خط بکشد و بالای مصلی مقابل قبله بنشیند و

از خط بیرون صورت دشمن بر زمین از خط ها و دو بار که درود خواند بر روی

مصلی بکند بنشیند الم تر کیف شروع کند سه صد بار بخواند یا شش صد بار و نه صد بار

تا هزار بار بخواند بعده سه صد بار درود بخواند و بعده بر صورت دشمن عدو

دم کند اگر خواهد که بیمار بکند چپ بکند بر گردند و اگر خواهد که بمیرد کارد بزند

همه این است که در اول شب مقصود شود ابتدا تا سیوم شب [illegible]

و اگر از سیوم شب تجاوز کرد تا بعد شب [illegible] نوشته مجرب [illegible]

اول شب بخواند اما کتب الطاقه [illegible] حضور [illegible] بکند [illegible] که این [illegible]

[illegible] کرده از [illegible] بیاید [illegible] با [illegible] این [illegible]

[illegible] دم کند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] بالنعیم به وذلک هو الفوز العظیم برای

[illegible] بعد از نماز خفتن هزار بار یا الله بخوانند [illegible] سخن با کسی نکنند

[illegible] روز مهم بکفایت رسد و اگر [illegible] یا الله یا امام شیخ بهاء الدین بخوانند

برای یا الله یا بهاء الدین هزار بار بعد از آنکه روز مهم برآید مجرب است

بر در [illegible] هزار بار هفت روز یا شب آیند در شب [illegible] انا

اعطیناک الکوثر بخوانند دفع شود   برای محبت هفت [illegible]

شب جمعه [illegible] حروف [illegible] بار هر شب [illegible] ساعت [illegible] محبت

جانبین شود و برای [illegible] صد بار بعد هر نماز این دو اسم خوانند بعد

[illegible] روز مهم بکفایت رسد [illegible] المستغاث یا رسول الله [illegible]

یا [illegible] المستغاث [illegible] است از میان [illegible] دانشمند که اگر [illegible]

[illegible] حضرت غوث الثقلین را خوانند تا [illegible]

که حق تعالی مهم آسان [illegible] اول فاتحه ده بار. [illegible] بخوانند [illegible]

الحمد [illegible] عن صاحب المعراج [illegible]

بجای لفظ یا الفریاد و انکس قطعی نقد امر او رحمن یا عزیز یا باد

بسیار خیلی شود و هرچه بخواهد بشنود یا دهاند و یکبار حاضر کردن حق این اسم

بنویسد طومار در ازکیه پاکنند و بالا سورة یس بنویسد و بلیه و یکشب در

وقت کشیدن و بگیره آیت الکرسی بخواند بعده به چهار طرف بلیه و میمها را

انهاین بزند طومار بفتد و بیساز چنانچه طومار بیرون حصار باشند و مجموع

کارهم بر خود بدارد این اسم را هزار و یکبار بخواند بفرمان خدا حاضر

حاضر کرد و یکیه چه بگیرد بیاید که مهری کالا زیست یا دیکبار بستاند تا د

خفت انکس نباشد اسم اعظم این است یا شطیطی وروق

هر که خواهد که محمد رسول الله را در خواب ببیند این دعا را هفتبار با وضو بخواند

یا بنویسد بر بالشت بنهد رسول صلی الله علیه و سلم را در خواب ببیند

بسم الله الرحمن الرحیم یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا حنان یا منان یا بدیع

السموات و الارض یا ذوالجلال و الاکرام برحمتک یا ارحم الراحمین آنچه خواهی

ببیند از انبیا یا اولیا بخواند بعد ازان بکاغذ و در آن قلم هرچه نوشته

مجرب است برای حاضر کردن پریان دست چپ که در کف سیاه کشند و بعد

این عزیمت بخواند اینست عزمت علیکم و اقسمت علیکم بر سحر ابراهیم

الخلیل و اسمعیل [illegible] سلطان علی الشیاطین الجن و الانس [illegible]

احضروا [illegible] اصحاب الجن و الانس و الشیاطین بحق خاتم سلیمان بن داود

علیه السلام شاه پریان حشم و خدم در کف دست حاضر بیایند اما باید که اول

سه روز [illegible] بخواند این عزیمت بعده هر روز چهل بار بعد از آن عمل نماید

برای حاضر کردن چهار یار پادشاه این نقش بنویسید بالا نقش این

اسیت بنویسد قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن علیقا ملیقا [illegible]

ملیقا دودای [illegible] سلیمان بن داود علیه السلام حاضر شو حاضر شو حاضر شو

آسیب [illegible] در روغن بسوزند آسیب سوخته شود

۳	۲۱عو	۲۳	۱۰
۲۳	۱ز	۱۶	۲۲
۱۲	۲۶	۱۹	۱۵
۲۰	۱عو	۱۳	۲۵

این نقش بر [illegible] بنویسد

۹	۳	۱۰	
۹	۷	۶	
۲	۱۱	۶	



بجای دیگ و به کر خورد کان را باشد بیارد کلان یک باشد یکی
تا قی باشد شود و تسکی بار این منتر بخواند و کان را به باشد بیاید اگر از غیب
زیاده باشد با کارد بیرون سه مرتبه بعینه عمل کند باشد وقت رست
سو نکیا چهر حیدریکا میان دہشا انو مهادیو کی ان کای کای کی بہت بہنی
بجها بجی کی بت دهنی جا رام چند کی مهادیو کی باجا جای کند نیز عمل برای
برای دفع لوت جز اصل تا یخ هفت بار بخواند و صاحب مرض را دود
بدهند وقت لوت دفع شود منتر نیز از الن لون کو رن چهار
اینه هو کی جهان کرنت تهان سو کیا کهی کی سلت مهاری باکت پهرو
السه مهادیو کی باجا پهوری اگر لسه را عدو قوی باشد و رنج دهد
بیارد هفت برگ سفیدی سورة القارعة بخواند تا سه بار و سورت
اذا زلزلت الارض تا آخر خواند بعده سورة معلوم طوطی کند بران سورة
زن شوهر نیز بگوید فلان بنت فلان را هلاک کنی که از ظلم او مانده تقدیم
بفرمان خدا رخصت شود اگر خواهد که نیک شود آن سورة سوزن بکشد

و بر پلیتی نبشت و با ... سوزن بکوبند و یک کوزه آب ... بجوشد
خورد لعیا که پنج کمران بتواند بمیرد و بار دوم سفید و صورت آدمی کنند بعد
سوزن خار مغیلان گر باید دو دو خار در دو چشم و دو خار در دو پای
و دو خار در دو دست و یک خار در ... زند در وقت خلانیدن این ...
بخواند بر هر خاری سه بار و آن صورت را در دیگدان دفن کنند که نسوزد
و اگر سوزد بمیرد و این است پنهوشت ببر صبا ببر نار شک مرکالیا بیر امک
باشد بدلیا ببر بیست سورباده و دیگر در شهری و یا در دیاری ظالم باشد
که رعیتان را ظلم کند این آیه ببست هشت سوزن بر هر سوزن پنج بار
بخواند در وقت خواندن با کس سخن نکند و سوره ریحانه او کند بعینه سوزن
از موم طوطی کنند دست و پای و دهن و پلنی تمام صورت آدمی کنند بعده
سوزن و بر سر زنند و یکی در چشم راست و یکی در چشم چپ و پنج سوزن در
پشت و بر دو دو سوزن در هر دو زانو و پنج سوزن در زبان چپ ... در
زبان راست و یکی در فرج زنند بعینه آن سوزن در جامه سفید پیچیده
فرو

[illegible] دشمن [illegible] سورهٔ [illegible] بر زبان قادر [illegible] بمیرد

آیت [illegible] اذا [illegible] تعقلون بسه . الحاقه تمام بخواند بسه

شب بار فاتحه سه بار اخلاص خواند بسه دفن کند وقت کردن بگوید

که دفن کردم فلان بنت فلان [illegible] که از ظلم او گرفتار شدیم بفرمان

قادر بمیرد یا بجهتی مشغول دیگر گردد اگر کسی بکار خیر راضی نمیشود این تعویذ

بنویسد و در کوزه آب [illegible] هر چند که آب خورند راضی شود بسم الله الرحمن الرحیم

فلان بن فلان نام پسر و مادر وی [illegible] فلان بن فلان بنام دختر

و مادر وی است یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible] یا [illegible] 72

بار [illegible] صورت دیگر [illegible] کردن باید کند [illegible] و سیر و چادر غانه

[illegible] بیاید و اگر سیر و چادر غانه دو دیگر [illegible] بگیرد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

این تعویذ نیز بیمار بر ساق پای خود بندد و هرچند که [illegible]

اینست یا کسیکه یا کنیزکی اگر این تعویذ نوشته بر ران بندد و در [illegible]

اینست والله اعلم واقهر وابصر واقدم واکبر. دیگر کسی جادو زده را که

میکند و پیش او ایستد در حال آیت بسته یا [illegible] بگوید و بر خود بدمد و آیه الکرسی

سه بار بخواند و در هر دو کف دست بدمد بر روی بمالد و بر اعضای بمالد و بگذرد

هیچکس او را نبیند. اگر خواهی کسی محبت شود و [illegible] بطلب [illegible]

کف پای او اگر مرد بود راست و اگر زن بود چپ هفت بار سوره انا اعطینا

الکوثر بر آن خاک بخوانند و بر پشت آویزند محبت جانبی شود و چون خواهد که حمل

گیرد [illegible] استعمال کند سوره تبت یدا ابی لهب بی تسمیه [illegible] بنویسد [illegible]

در حمل [illegible] و یکبار دوازده کلوخ و بر کلوخ دوازده بار این آیه بخواند کل من

علیها فان و یبقی وجه ربک ذو الجلال والاکرام تا تمام شود بر دیوار خانه دشمن

[illegible] چنان خراب شود که اگر [illegible] او در آن خانه [illegible] سازند یا کلوخ [illegible]

[illegible] خانه کسی [illegible] برای [illegible] کردن [illegible]

شب اوپر بخوانند حاضر شوند اینست ان ربکم الله الذی خلق السموات

والارض تا رب العالمین تمت ملکن سو تا سوز ابجا جا حل کرو کرو ...

جنیدم بندم احیا شراہیا بحق سلیمان بن داؤد علیه السلام حاضر شود ...

حاضر شوند کلام شو اجازت کرن ... ایک شخص بخواند پہر ورن جا ...

... پہر و سا انکو چار ... جہری ... زبان دیکہونان پہر وڈن ...

... پر سون بجلی آئی پہرون بجلی ... شست باندیا کال کلا

... کیو کسعہ بود انو بہوت ... بیتہ ... امند ...

بجا جیو ... نہ ... اگر کوت کی آن کال کتہ ...

کہت میر ده شمه کی جلی   برای کن درن کہ بستہ با شعیل یکبار ...

مرد بخوانند تا چہل روز ... وقت شب بخوانند ... حاضر شوند ...

جیوان کو ... بہران بہوال ... تلی ... آسمان باندہوں

کل ... کالی بلی ستی ... دیبے ... اگر کالا ...

... بو ... حق تعالی ... فرمانو لو ... لیو ...

... ماری کوتر ... سو تر ... کہو ...

عملی دیگر هم کی جنگ نمایی بیلست ... دا اسم مهادیو تیر افکنی
جاهد دیو و پری بغیر حصار چون خواهی که دفع کنی بیاید آب از چاه
یا از چاه در وقت مغرب با خویشتن که در آن وقت کسی نرسیده باشد بعد از آن
جانب شمال کرده دست چپ آب بگیرد و این آیت را چهل و یک بار
آیت بخواند و مقدم ... اول ... آخر درود بخواند اول بر روغن ... باید
بار این عزیمت بخواند آن روغن بر سر و تمام اندام بمالد بعده غسل کند
باید اسم این است بسم الله الرحمن الرحیم آه ... کلا ... کیتا ...



... بر ... سورت دیو است
اگر کسی را دیو گرفته باشد بیارد
انگشت سوخته و بر زمین هموار صورت دیو بکشد و بیارد چوب از درخت
بینداز آن دیو که بر زمین نوشته است بزند و خود آن صورة بدان ... بزند
... دیو زخم رسد و بر حاله آتش بدان صورة نهد با کارد در این صورة
مذکور بخوانند همین بر دیو زخم برسد عزیمت ... است بسم الله الرحمن الرحیم
عزمت علیکم باسم الجلیل یا معشر الجن والارواح یا صاحب السحر والوسواس

يا حي يا قيوم وبالبيت يا ميمون يا بحق الملك يا ميمون

النبي القوي بحق ميمون النبي ابن ميمون ابن حبشي وبحق ميمون التركي

ابن ميمون صاحب الاعوان الهندي اخرج من البر والبحر اخرج من الجبال

والبلادي اخرج من الشجر والاشجار اخرج الكين والاكنان بحق سليمان بن

داود عليه السلام   يا جبل تكيا ربيت تكيا رسكه يا رسبجي صالون

سا كوكل يا نوده يا رئيس عذاب تو در سينه فلان بنده كي تيري اكبر تحي

وطلب از تو ميخواهم در سينه فلان شخص عذاب و درد بنده بسم الله الرحمن الرحيم

هو الذي كافي حسبت نفسي وجسدي واولادي واهلي ومالي وما املك اغضب ما

اطلق ربي في غرار ابن الله تعالى اعتا الها لا اله الا الله محمد الرسول الله

ومفاتيح دنا الاحول ولا قوة الا بالله فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

ورد الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال

وكان الله قويا عزيزا بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على سيدنا محمد وعلى

وعلى آل محمد وبارك وسلم يا ١١١١ ٩٦ اعتصمت يا الله فرد

يوم اسم مسلمانان

[illegible] نصر الدين بن [illegible] تغيقي يا [illegible]

[illegible] لم يكن لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم [illegible]

[illegible] الكبير والعلي المتين ولا اله الا انت سبحانك انت بحق لا اله الا هو

الحي القيوم الواحد الاحد الله الصمد مجيب المجيب واللهم يا لطيف اغثني في

ادركني يا الملك اللهم بفضل جلالك واحسن الي وكفني اشتياعتك علي يا اللهم فرج

[illegible] وكفيت همي واهلك عدوي بقدرتك يا اقدر القادرين وارحمني برحمتك

[illegible] الراحمين سبحان الله القادر يا قاهر القوي الجبار سبحان [illegible]

[illegible] استغثت لا اله الا الله محمد رسول الله اللهم انك تعرف

استجيب لكم وقولك حق فانك لا تخلف الميعاد اللهم بحق من جاء الاثر له

[illegible] كريمك الحق لاسمك الاعظم اسالك ان تقضي لي حاجتي وتوريت في

الي [illegible] غمي [illegible] جميع خلقك برحمتك يا ارحم الراحمين بسم الله

الرحمن الرحيم الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الحي القيوم بديع السموات

والارض من جميع [illegible] علي نفسي [illegible]

بخوانند نه بار بسم [illegible] بعد [illegible] نماز دیگر [illegible]

[illegible] یک بار [illegible] بیست [illegible] بعد [illegible] درود اول و آخر سه

بگوید [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم سبحانه الجلیل الجبار العلیم صلی علی سید المرسلین

و خاتم النبیین رسول رب العالمین یا قاهر ذی البطش الشدید انت الذی لا یطاق

انتقامه یا قاهر [illegible] یا اول یا آخر [illegible] درود اول و آخر ده [illegible]

نماز [illegible] یا احد یا [illegible] یا حی [illegible] کل شیء [illegible]

[illegible] زعفران [illegible] جو با گندم باشد برای [illegible]

جوز بویه نیم درم [illegible] لیکن [illegible] دو درم [illegible]

[illegible] به مقداری که [illegible] بسته شود [illegible] مقدار [illegible]

[illegible] حاجت یک [illegible] با شراب [illegible] کند و بالای

[illegible] اگر [illegible] و [illegible]

[illegible] ۱۲ [illegible] سوال [illegible]

[illegible] ۲۵ ۱۲ [illegible]

... [illegible] بنویسند وزن ... برابر [illegible]

یا [illegible] بخورد و دو [illegible] چهل کرد [illegible] بخوانند اللهم صل علی محمد بعدد [illegible]

[illegible] اللهم صل علی محمد بعدد المؤمنین والکافرین والاشعار اللهم صل علی محمد بعدد

القطر [illegible] القطرات وجمیع الانبیاء والمرسلین وکل ملائکة المقربین وعلی عباد

الله الصالحین برحمتک یا ارحم الراحمین یازده بار درود اول و آخر بخواند

[illegible] چهل یکبار بخواند از گوشت پرهیز باید کرد بسم الله الرحمن الرحیم یا منزل

ومن [illegible] سلطانه یا جبار [illegible] یا القهر والقهر فی قهر [illegible]

[illegible] بار بخواند از گوشت پرهیز باید کرد انا اعطیناک الکوثر فصل لربک

وانحر ان شانئک فلان بن فلان هو الابتر چهل یکبار بر کوزه خاک [illegible]

[illegible] را با هر بار دم کند چهل یک کلوخ [illegible] گورستان بر هر یک کلوخ چهل بار ان

[illegible] بیندازد و در ده [illegible] فلفل ولیمون دارد اللهم صل علی

آل محمد وبارک وسلم وصل علیه یا شیخ الثقلین [illegible] قطب ربانی و یا غوث

صمدانی و یا محبوب سبحانی یا شیخ محی الدین ابو محمد شاه عبد القادر جیلانی

[illegible]

[illegible] او را [illegible] مشغول کرد [illegible] با اهل [illegible] در [illegible]

[illegible] بعد [illegible] سپس [illegible] یا [illegible]

انی کنت [illegible] من الظالمین [illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible]

القبل ولد الفضل [illegible] بر سر پای [illegible] گلستان باید نشست [illegible]

[illegible] مسجد [illegible] قبرستان از جمله [illegible] و [illegible]

[illegible] الملک

الحق المبین لا اله الا الله الملک الحق الیقین لا اله الا الله [illegible]

کنت من الظالمین سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم [illegible]

[illegible] رب [illegible] عما [illegible]

یصفون وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین . باز بگوید لا اله الا الله

الملک الحق المبین لا اله الا الله الملک الحق الیقین لا اله الا الله

الملک الحق المبین [illegible] ربنا آبائنا الاولین [illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین

[illegible] بگوید [illegible] بیس [illegible] کرو الدب [illegible] میر [illegible]

هر که [illegible] البته [illegible] کی ابجه فلانو یکی [illegible] سلاطین [illegible]

[illegible] بتو میری [illegible] بهیں [illegible] پهر تین طلاق تین طلاق تین طلاق

طلاق سات بیر دهای [illegible] اسرافیل دی دهای میه میکائیل دی دهای

میه عزرائیل دی دهای میه جبرائیل دی دهای یا زده بار بیرخه [illegible]

رسول از [illegible] بخوانند سوره الم ترکیف فعل ربک باصحاب الفیل

[illegible]

[illegible] فی تضلیل و ارسل علیهم طیرا ابابیل [illegible]

[illegible] ترمیهم بحجارة من سجیل [illegible] اسرافیل [illegible]

فجعلهم کعصف ماکول [illegible] یا قهار [illegible]

[illegible] بیست یکبار [illegible]

[illegible] روز [illegible] بخوانند [illegible] هزار بار [illegible]

[illegible] کتب [illegible]

یصنعون حکما یا ابراهیم انه است ستر بث لا یلاف وماله تبقهم موج
نقمت او نظلم من نظر بان الله بعجم وما للظالمین من انصار
قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم
الاخسرین اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وبارک وسلم وصل علیه قلما قل سوره
هر روز قل یا ایها الکافرون در هر رکعت بخواند برای دیدن از آسمان ابتدا از
در شهود اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد وبارک وسلم وصل علیه برکته
~~عمل ... بخواند بنام ... مضروب~~ نام او ونام مادر
بخواند و در آتش بسوزاند اگر صد فرسنگ باشد پیش او بیاید
ص ۱۱۹۱۱ ۱۱ ۱۲ ۱۱۹ ق کارد ولیس کلمها دیوی تهان لیے بهایل
پوانا یی بهاجونی لوچیاریا بلوایے بهوانی ہے بیول کی مد سکت
بهیر لیے جو کوئی سیدی بهائی یا بہول کی پاس پہ چهودیا بهائی یا بهاری
سکت بهاری کرو کی بہکت ایسے مهادیو کی باجا یہ ... تا جیا
جفت یار اقتدار تو چند ادبیر دیہ ... دهور دہ جوڑا کالی

بپهروبه جو ربه کرمار ملاجی که اک فلا مانه چهوجی [illegible]

سکت هماری کر دیکی بهیکت ایسه مهادیو کی باجا یه چهو نا چیاری بهید

هیت بارے سفت کیلری بابه چرنا نه سوزادیس کر دهنا دیس للعودی

میری بهولاک ای شیطان حیث بهولاک جو بالکی تیری بسی

میرتین طلاق تین طلاق تین طلاق میری سکت میری کر

ایسه مهادیو کی باجا یه چهو کو نا چیاری بهیه هر سفت کلمه بخواند جمیل

فلفل باید یکیک فلفل چهل یکبار بخواند لا اله الا الله

محمد رسول الله فلانی کو بهادی ببغیر آرام ندیس بر یک سفت کار

یا در مسجد یا قبرستان بخواند چراغ میران میر ... توفان سفت

[illegible] نار غیبه و چند ابیت وار باید کرد در خانه انکس

جهارت ثاد انهی سیجا دام سه روز [illegible] بخوره برای

[illegible] انی نیم پاکو لیان یکانی دو حصه یک حصه

پاآب بستانه بخورد وقت صبوح سفت ما [illegible]

اویلا

[illegible] الحجر [illegible] بیت و [illegible]

[illegible] کلس [illegible] سفید [illegible] اکسیر [illegible] انداز [illegible]

میتوان ساخت [illegible] گردد [illegible] البیاض [illegible] بیاید [illegible]

رنگ زرد هفت بار بگیرند و در آن اشنان [illegible] خاکستر [illegible] آب

چون سائیده شود بعد خاکستر [illegible] اندازند [illegible]

خشک شود با آب گرم بجوشد [illegible] با آب [illegible] گرده [illegible] کرده

چون خشک شود با آب گرم بشوید باید که چون [illegible] آنرا [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] و [illegible]

دیگر [illegible] هفت بار [illegible] نه بار [illegible]

او [illegible] آن [illegible] شود محمد باقر و القیاس [illegible]

[illegible] خاکستر [illegible]

[illegible] آتش اندازند [illegible]

[illegible] نوشته [illegible]

و دیگر آنچه ببندد بکلی ... الترتیب چنانچه ابو ... حروف ابجد ...

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

١ ٢ ٣ ٤ ٥ ٦ ٧ ٨ ٩ ١٠ ٢٠ ٣٠ ٤٠ ٥٠ ٦٠ ٧٠ ٨٠ ٩٠ ١٠٠ ٢٠٠ ٣٠٠ ٤٠٠ ٥٠٠ ٦٠٠ ٧٠٠ ٨٠٠ ٩٠٠ ١٠٠٠

بحساب جمل حسب عدد بار الکل و بعضی با نقل سوال و بعضی با عقل عدد

و یکی با طمس و با نقده و بارده با اسما اولیا و بر هر یک اسم یا دو و دو یکی فلان

بن فلان از محبت فلان بن فلان مطیع شده ماند بر میوه یا بر شیرینی یا بر آب

فی سد مطلوب الحوزر الحنان چنین تحسب شود که و اثر حروف محبت بدان او

در دل کرد و محبت الیب خواب بندی این انسوا بر اینها کند

بیخ جرده ی یا زبان شراب انسب بسته کرد و است ام ...

و فصل حوسا نفلی شمس شماخیا ثلیثا اغنیا تی حبا ام ام حد سیتوقا

تمت بزاید و شش صبر یا رب یا جبار یا قوی یا قهار یا بدیع العجائب

بالموده الکبری بحق یا ... یا جبرائیل فعل بیک بحق یا شمخائیل یا ...

... یا ... کائیل الیم ... بحق یا دردائیل فی تفصیل بحق یا

... علیهم بحق ... اسرافیل ... یا اسمائیل بحق یا ...

الخ

[illegible] کاره [illegible] یاسین [illegible] آیة الکرسی [illegible]

[illegible] بخواند [illegible]

محمد صلی الله علیه وسلم بسیار درود [illegible] حضرت [illegible] غفر الله

لی ولجمیع المؤمنین والمؤمنات [illegible] ولو ان قرآنا سیرت به

الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا [illegible]

رمضان روزه افطار کردن [illegible] دعا [illegible]

[illegible] کل شیء [illegible] یا حی یا قیوم [illegible] یا علی یا عظیم

۲۲ کلمه تهلیل لا اله الا الله محمد رسول الله کلمه توحید اشهد ان لا اله الا الله [illegible] واشهد ان محمدا عبده ورسوله

کلمه تمجید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم کلمه [illegible] اللهم انی اعوذ بک من ان اشرک بک شیئا وانا

اعلم واستغفرک لما لا اعلم به تبت عنه وتبرأت من الکفر والشرک والـ[illegible]

کلها واسلمت واقول اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله

[illegible]

[illegible] مکر [illegible] بکار نیاید

[illegible] بعد از آنکه [illegible] بدین حکایت [illegible]

[illegible] چرا آنکه [illegible] نباید بود و از این مستانه [illegible]

[illegible] درست است باید [illegible] پای [illegible]

[illegible] پایان و [illegible] سازد و نیم مرکز [illegible] سالک چهار [illegible]

[illegible] سالک [illegible] سات [illegible]

[illegible] باشد هر که بر [illegible] الا الله [illegible] وقت [illegible]

[illegible] او [illegible] بر راست [illegible] بیرون نیاید [illegible]

[illegible] او الست [illegible] وجه [illegible]

[illegible] پای [illegible] وقت [illegible]

[illegible] ساله [illegible] بعد از این [illegible]

[illegible] اسم [illegible] الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

طالع تو چون مردان مردی و زنی که سر بر [illegible] طالع تو را شکل بالله بعد [illegible]

بود که تیر [illegible] و روز [illegible] بگردد از ماه [illegible] سازد و کار [illegible] بسیار

اگر [illegible] مرد [illegible] شود [illegible] مرد [illegible] دراز [illegible] با [illegible]

[illegible] اول [illegible] بود [illegible] بود [illegible]

[illegible] بعد از چهار باران باد [illegible] هم [illegible] سالها [illegible]

[illegible] سال [illegible] بود [illegible] اندام [illegible] دارد [illegible]

نحوسات [illegible] مردان مردی و زن [illegible] طالع تو را [illegible]

[illegible] از چشم [illegible] است [illegible]

[illegible] اندام [illegible] وقت نباشد [illegible] سخن [illegible]

و [illegible] اندام [illegible] کند [illegible]

[illegible] و [illegible] شرق [illegible]

[illegible] آثار [illegible] با [illegible] آب پاک [illegible]

[illegible]

[illegible] طالع [illegible]

[illegible] (حسن) جوزا مهران مردی و زنی

که بدین طالع جوزا زاید خانه عطارد و داشت ستاره حضرت پیغمبر علیه السلام

هر که بدین طالع زاید نیکو نام باشد روز چهارشنبه بسازد زن کردن خریده

و فروخت کردن او را و چهارشنبه بسازد و روز پنجشنبه اغوغا بود و کار

مصیبت و میرا درین روز نباشد هر که بدین ستاره باشد میزان بود [illegible] دلو

بازی پرو و چهار پایان دیده نرینه باید که داشت تا ان فایده بود و از خدمت

سلطان روزی یابد بود و از کارها نیز زیان رسید بود و جادو بکند کار

علامت در شکم و پا بود و بیم ترس دو سالگی [illegible] یا بیست چهار سالگی و یا چهل هشت

[illegible] سالگی [illegible] خطره بکند و شمار سال عمرش [illegible] بود و از جسم زخم پیدا بود او را

یکی التعویذ بیاید هندوی نام دیوالت سوخته [illegible] مقراضه گفت که [illegible]

مردمان در دریایی [illegible] مردمان و زنان نماز چاشت بپوشش کردام علاج [illegible]

که کل جبینه و کل [illegible] بکرد و [illegible] ان بیماری بمالند و جانب مشرق انداخته

او

این تصویر کرده ام بهر بیننده تا بر وی واضح است [illegible] و اسماء بینندگان رقم

شود [illegible] ۱۱۱ ۵۵ ۵۵ [illegible] ۱۱۱ ۹ ۱ ۸ ۱ ۵ ۱ ۵ ۱

[illegible] ۱۱ ۹ ۹ ۵ ۵ ۷ ۱ ۹ ۲ ۱ ۶ ۱ ۶ ۳ ۵ ۹ ۳ [illegible]

بطالع سرطان هر آن مرد یا زنی که بر این طالع سرطان زاید که

خشنود شود که او کینه دارد و از بیم سخن [illegible] کمتر گوید و [illegible] شاد مانی

و غم در اندرون وی پدید آید و در یکجا قرار نباشد و بسیار [illegible] عمرش بود و روز

دو شنبه و [illegible] جیب [illegible] هوا [illegible] گشته بر طالع

سرطان کند و گر هست سلطان رود بر دست چپ باید [illegible] او [illegible] پیدا

بود در معصیت او را طمع بود روغن باید بخورد به شود و در شقیقه [illegible]

خطر باشد [illegible] تا [illegible] سال عمرش بود خواب [illegible] پریشان دیو نام [illegible]

شمر [illegible] که سپید [illegible] معتبر آمده و گفت جای [illegible] در بانان

[illegible] هر که [illegible] آفت [illegible] آفت من

که در دل قرار نباشد و دیگر گفت که علاج [illegible] که [illegible] بیمار [illegible]

مسلمانان بهار بکار بندیا دوشنبه یا سه شنبه یا در دیگر جانب شرق ابتدا نمودن

عمل در رمضان بقربان تمام صحبت شود از نمودن دست اینست

[illegible]

[illegible]

طالع اصفهان سرطان است وقتی که طالع سه زیر ... نام بود شرقیات

طبع وی گرم و خشک است چون از خانه بیرون آید ... روزی بود

سرد

و دوست خدا ... باشد روز پنجشنبه او را نحس است ... حذر باید

انتهاء ماهی ماه رمضان او نیک بود اگر مرض سلطان رو ببر دست

راست ... و بیرا ... پیچ جادوی کار کند طبع وی گرم و خشک است

در دین حذر باید کرد ... شود و بیرا از چشم زخم بیماری باشد در زیر میوه دار

درخت نباید خفت ضربت بسیار اما بیمار شود و بیرا اگر زن گرفتن باشد

پیچ دیگر نکند خصومت روز شنبه باید کرد تا ظفر یابد و خطره یک

سالگی یا پانزده سالگی ... اگر چون از این خطره بگذرد ...

سال عمرش بود ... نام ... جگر ... گفته

هرکه بمیران مردی چنین که بوضو یا بطهارت بنشیند خود را سوار

یاد کنند عمر او را آفت رساند لم تشی فی آفت به آنست که او را در وقت کم

خورد و نیز دیگری سفر نکند چنانچه او حیران شود علاج چنین آنست که ماهی

بزرگ بیارند و نافه آن ماهی را در میدند پوست آن گرفته و در زیر پهلوی

خود وی کند تعویذ ببندد الله ... یکی از ... راه مار

۷۷۷ ۱۱ ۷ ۲۱۹۷ ۱۱۱ ۷۹۰ ۹۹۰ ۲۱ ۱۷ ۱۱ ... طالع میران مردی بود

که بدین طالع زاده شود ... چشم ... دل ... بود

اگر بیست و مرام در دایره بود در او ... مردی ... خود بود در ماه

ذی القعده وی را ساز در روز چهارشنبه وی را مبارک بود اگر ... سلطان

رود بدین جنب باید ... ایام وی را ... ساز اگر چیزی ... کم گردد

باشد روز چهارشنبه وی را طلب کند اگر ... باشد ... روز مخالطه اول ... درد

... طلع وی ... خشک ... دارد ... روغن ... بود

و ... مرغ بریان کنند و بخورد به شود ... تا از ... خطا های ... شش

حالہ و یا بیست سالہ چون این غطرہ بکنند چہل سال عمرش نبود نکو ساعتی

منعی نام اسنبال در بعضی است ذیو مذکور مقرر آید گفت ہر آن مردی

و شخصی کہ بر ین طالع باشد و صحیح سال تی بر خیز د خدا و رسول را یاد بکنند اورا

حرکت و نعم علاج من آنست کہ گنجشک بیارند و سر اندام ہر یک بمالند و

چہار پر کالہ کنند بر جانب غروب اندازد و یا بر جانب شرق اندازد و بر

جانب جنوب اندازد و یا جانب شمال اندازد و روغن بستو بر سر اندازد

غسل کند در حال صحت شود تعویذ معظم و مکرم اینست

ع ۳ ۹ ۳ ۹ ۱۱ ۱۱ ۹ ۳ ۹ ۱۱ ۱۱۱ ع ۹ ۳ ۹ ۱۱ ۹ ۱ ;

ع ۱۱۱ اعطاحو ۱۱۱ ۹ ۳ ۹ ۳ ۵ ع ۵ ۵ ۵ دد ۱۱۱ ع و ۳ ۱۱۱ ع

بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم اللّٰہ الخمسۃ

الطفی بہا حر الوباء الحاطمۃ المصطفیٰ والمرتضیٰ

وابنیہما والفاطمۃ طریق دعوۃ

٦	٣	١٠
٩	۴	٩
٣	١١	٩

سورۃ واقعہ بسم اللّٰہ الرحمٰن الرحیم چون خواہد دین سورۃ

تمام شود

عامل مقصود باید که ابتدا این عمل از روز پنجشنبه کند تا هفت روز هر روز دوازده بار

روز آخر شانزده بار بخواند و بعد اتمام وظیفه یومی دو رکعت نماز بگزارد

در هر رکعت بعد فاتحه سوره اخلاص ده بار و بعد سلام صد بار درود و یکبار

این دعا بخواند اللهم انی توسلت الیک لا ستغنی الغنی

بقدرتک بکتابک المجید و اخترت کل الـ...

الواقعة اللهم عظم رغبتی فی تلاوة القرآن و شرح

لی صدری و یسر لی امری و اقض به حاجتی

و کشف به همی و زین به لسانی و جمل به وجهی

بوجهک یا ارحم الراحمین طریق خواندن در باب اول استعیذ

بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم سه بار اللهم صل علی محمد

و علی آل محمد و بارک و سلم و علی جمیع الانبیاء و المرسلین سه بار

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

بسم الله الرحمن الرحیم سه بار خواند شروع کند ... کلام

[illegible] ما فيها من كل شيء في الدنيا وثواب الآخرة سنت با صلوة

[illegible] خوانده [illegible] چون اولئك هم المفلحون بود سه سنت بار اللهم

اجعلنا من [illegible] سنت بار درود گفته [illegible] نماید وچون جزاء بما كانوا

[illegible] سنت اللهم ارزقنا بفضلك العظيم ولطفك

[illegible] پنج سنت بار صلوة [illegible] خوانده وچون به ولا بارزق ولا [illegible]

[illegible] اللهم اجرنا من النار سالمين سنت بار وصلوة

[illegible] خواند فسبح باسم ربك العظيم سه سنت بار سبحان الله القادر

القاهر القوي الجبار الحي القيوم بلا [illegible] سنت بار

[illegible] سورة بتمام رساند اين دعا بخواند اللهم افتح لنا الابواب

وسبب لنا الاسباب ويسر علينا الحسنات والصعاب

واحسن لنا العاقبة يا وهاب يا رزاق يا فتاح يا [illegible]

يا رحيم المساكين ان كان رزقنا في السماء فانزله

وان كان في الارض فاخرجه وان كان بعيدا فقربه

[illegible]

[illegible] فانی لسل الثنا و ناهبت علینا انک

علی کل شیء قدیر و بالاجابة جدیر ولا حول ولا

قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی خیر

خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین خوانده باز شروع

نماید اگر همین طریق مداومت کند ابواب صحت و وسعت بر وی

مفتوح شود . هر که را تب باشد این دعا را بر سه پاره نان نویسد

و سه روز ناشتا بخورد شفا یابد این است فلیبصقه فلیبصقه فلیبصقه

از برای حفظ متولد بر هفت پاره نان نویسد ناشتا بخورد حق تعالی

او را حفظ دهد این است اول فتعالی الله الملک الحق

دوم رب زدنی علما و فهما سیوم سنقرئک فلا تنسی

چهارم یعلم الجهر و ما یخفی پنجم لا تحرک به لسانک

لتعجل به ششم ان علینا جمعه و قرآنه هفتم فاذا قرأناه

[illegible] قرآنه [illegible] بانو بیند [illegible] علیه السلام [illegible]

[illegible] وزن باید [illegible]

تمس [illegible] مفتوح شود بازو بند است و [illegible] عظیم [illegible] کرد

تعالی الیه [بسم الله ... محمد رسول الله ...] بسم الله الرحمن الرحیم علما و ائمه دین

رضوان الله علیهم اجمعین چنین میفرمایند هر آن بنده این دعا را بخواند

نماز بداد بخواند چندان ثواب یابد که هزار حج گذارده باشند هزار بار قرآن

ختم کرده باشند و هزار شب قدر یافته باشند و هزار برده آزاد کرده باشند

و صد هزار دینار در راه خدا تعالی صرف کرده شود و هزاران هزار درود

بر حضرت رسالت علیه الصلوة والسلام فرستاده باشد چنین نقل است

میکنند که جبرائیل علیه السلام نزد رسول علیه السلام آمد و گفت مژده

که از خزانه غیب خواهر آورده ام که هیچ پیغمبر نیاورده ام هر کس از

امتان تو این دعا را روزی یکبار بخواند و اگر نتواند در ماهی

یکبار بخواند و اگر نتواند در سالی یکبار بخواند و اگر نتواند در مدت

عمر خود یکبار بخواند حق تبارک و تعالی فرموده است که در [illegible]

یا [illegible]

... بنده ... عشق ... کرده ... اول
... مغناجات ...
... اذا ... شیطان ...
سلطان ... المتبرکه بسم الله الرحمن الرحیم
لا اله الا الله الجلیل الجبار لا اله الا الله
العزیز الغفار لا اله الا الله الکریم الستار
لا اله الا الله الکبیر المتعال لا اله الا الله وحده
لا شریک له الهاً واحداً ونحن له مسلمون لا
اله الا الله وحده لا شریک له الهاً واحداً ونحن
له مخلصون لا اله الا الله وحده لا شریک له
الهاً واحداً ونحن له عابدون ... بسم الله الرحمن الرحیم
... نکاح اول فاتحه خیر ... ثبات وکالت از جانب
... باید کرد ... کلمه ... سبحان الله والحمد لله تا آخر .

اللهم انی اعوذ بک من ان اشرک بک شیئا

شیئا وانا اعلم واستغفرک لما لا اعلم به تبت عنه

واسلمت وتبرأت من الکفر والشرک والمعاصی

کلها ورجعت واقول اشهد ان لا اله الا الله

وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده

ورسوله وامنت بالله وملائکته تا اخر بخواند

موقعه بابت جمیع احکامه بسم الله العظیم وبحکم

الله علی دین الاسلام الاسلام حق والکفر

باطل قبول کردم دین ومسلمانی را وانچه در دین

بیزارم وبیزارشدم از کفر وکافری وانچه دعوات

لا اله الا الله محمد رسول الله خطبه نکاح باین

طریق بخواند بحکم فرمان خداوند بیمانند بادشاه جلیل الجبار

خالق اللیل والنهار در کلام مجید وفرقان حمید

[illegible] لکم من النسا مثنی و ثلث و
رباع فان خفتم ان لا تعدلوا فواحدة چنانچه
حضرت سید الرسل و هادی السبل احمد مجتبی محمد مصطفی
صلی الله علیه و سلم فرموده است [illegible] النکاح من سنتی
فمن رغب عن سنتی فلیس منی بعد ازین خطبه تعیین مهر مثل
باید کرد بعد از تعیین مهر قبول باید گفت بحکم وکالت بنت
کند آن ثابت صحیح شرعی مرترا است نفس مسماة فلانه بنت
فلان که بدین نام دختری دیگر ندارد بمقابله مبلغ کذا و بیه
مسخ سلطانیه مهر معجل و نصف غیر معجل بدین جوان فلان ابن
فلان که حاضر است بزنی دادی بطلا العیت وکیل گوید آری دادم
بعده روی بسوی آن کند و گوید ای فلان تو عاقلی و بالغی و
عاطفی و بر طبقی و در مجلس مسلمانان حاضر گشتی نفس مسماة
فلانه بنت فلان که بدین نام دختری دیگر ندارد بمقابله مبلغ

[illegible] رضی الله تعالی [illegible] رجل و نصف [illegible]

خود برفی خواستید و قبول کردی ای نسبه گوید آری خواستم [illegible]

کرد بس حاضران گویند الحمد لله مبارک باد بعده یکمشت از

شکر گرفته این دعا خوانده بر شکر دم نماید اللهم الف بینهما

کما الفت بین آدم و حوا اللهم الف بینهما کما

الفت بین ابراهیم و سارة اللهم الف بینهما

کما الفت بین موسی و صفورا اللهم الف

بینهما کما الفت بین یوسف و زلیخا اللهم الف

بینهما کما الفت بین محمد و عایشة صلوات الله

و سلامه علیهم و رضوان الله علیهم اجمعین بعده

شکر بر حاضران رسانند   طریق اسقاط نمودن [illegible] حساب

کتمه مهری سال یک صد [illegible] نوبت شاه جهانی [illegible] تمام کنند

بموجب سالها عمر مقرر ساخته [illegible] بدین طریق [illegible]

محمد

[illegible] نماز و روزه و حج و زکوة و جمله اسلام

[illegible] و دیگر حقوق العباد که از میت فوت شده باشد

[illegible] کند تو بود در شان مجاهد [illegible] این میت [illegible]

دوازده [illegible] استمام این مصحف [illegible] در ملک تو کردم از [illegible]

فدیه مذکور عاجز است ادای در مخاطب گوید قبول کردم پس و

مخاطب باز رد نماید پس تمام کند تنجیه نماز دوازده رکعت و بعد

از سلام دعا این بخواند کلمه تمجید سبحان الله تا آخر [illegible] استغفار

سه بار و کلمه طیب سه بار یا کریم یکصد بار یا رحیم یکصد بار

بعده سلام از دوگانه دوم بگوید یا کریم صد بار بعده سلام از

دوگانه سیوم یا رحیم یکصد بار بعد سلام از دوگانه چهارم یا عزیز

یکصد بار سلام از دوگانه پنجم یا رحمان یکصد بار بعده سلام از

دوگانه ششم یا وهاب یکصد بار [illegible] این آیت بعد از نماز [illegible]

[illegible] بخواند [illegible]

تورات	انجیل	زبور	فرقان
حضرت موسی علیه السلام	حضرت عیسی علیه السلام	حضرت داود علیه السلام	حضرت محمد صلی الله علیه وسلم
تورات	انجیل	زبور	فرقان
تعویذ	درود تمام	این	ست

بسم الله الرحمن الرحیم

خاصیت خواندن سوره یس بن طریق پیر دستگیر شاه عبد القادر جیلانی

برای مهم دینی و دنیاوی این هفت مبین است چون در مبین اول برسد صد بار فی امام مبین بگوید هفت بار ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفت بار درود بخواند سوره مذکور از سر گیرد چون در مبین دوم برسد صد بار الا البلاغ المبین و هفت بار ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفت بار درود بگوید باز سوره را از سر آغاز کند چون در مبین سوم برسد صد بار انی اذا لفی ضلال مبین باز ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفت بار درود بگوید باز از سر آغاز کند چون در مبین چهارم رسد ان انتم الا فی ضلال مبین صد بار بگوید و هفت بار ایاک نعبد و ایاک

[illegible]

عشق فزوں   سرسبز

سیر ہو با نسیمِ ایام بہار   بوستانِ فطرت ہو [illegible]

[illegible] کا چمن عالم [illegible]   [illegible]

[illegible]

[illegible] الخ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از نسیم جعد عنبر شاه شاهی و سنبل — یافتی تلقیح از نسیم تحلیل خدا ای

عطر تر ز مشک و بسته نافه تاتاری بسته — بلبلان در باغ مست و گلستان گلسار بسته

ای که احوال گفتی [illegible] — حرف بسته [illegible] کلک [illegible] بار بسته

نستعین و هفت بار درود بگوید باز از سر آغاز کند چون در پنجم
رسد صد بار بگوید انه لکم عدو مبین صد بار بگوید و هفت بار
ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفت بار درود بگوید باز از سر آغاز
کند چون در ششم رسد ان هو الا ذکر و قرآن مبین صد بار
و هفت بار ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفت بار درود بگوید
باز از سر آغاز کند چون در هفتم رسد فاذا هو خصیم مبین صد بار
و هفت بار ایاک نعبد و ایاک نستعین و هفت بار درود بگوید
باز از سر آغاز کند آخر رساند حق تعالی حاجت او بر آرد
باید که شک نیارد که موجب [illegible] فرموده حضرت محمد مصطفی
صلی الله علیه و سلم است سورت تبارک سه بار هر روز بخواند روز جمعه
یازده بار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم ترکیب خواندن سورت
یس چون اول ماه نو شروع کند [illegible] از آن هفت بار هر روز بخواند
[illegible] حاصل شود ان شاء الله تعالی ترتیب سورت یس [illegible]

بعد از چهارشنبه شروع کند هر روز بخواند برای مطالب ان [illegible]

تمام شد و مطلب حاصل شود سیزده بار هر روز به عون رب سلام

قولا من رب الرحیم تا ... بار و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک

بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر

للعالمین

۱۶	۱۱	۱۸
۱۷	۱۵	۱۳
۱۲	۱۹	۱۴

در سنت فجر و شام قل یا ایها الکافرون

و در دوم قل هو الله احد و در سنت

پیشین و عشا قل اعوذ برب الفلق و در دوم قل اعوذ برب الناس

و در نوافل پس وتر در اول اذا زلزلت و در دوم الهیکم

بسم الله الرحمن الرحیم چون خواهی که فال مصحف بکشایی باید که

با طهارت باشی که بی طهارت نشاید کلام الله به دست گرفت که کرم [illegible]

عظیم است بعد بر سینه آرد که هر که توانگر بکرد د بو ببود و بی استغفار

اول سه بار فاتحه و سه بار اخلاص اول و آخر درود بخواند بعد از آن

این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی توکلت علیک

[illegible] فی شرح [illegible] المکنون

بسم [illegible] اللهم انت الحق انزل علی الحق محمد بالحق واله

اجمعین انگاه مصحف بگیر و هفت ورق بگردانی بعد آن هفت

سطر بشماری در هفتم سطر هر حرف که باشد خاصیت آن به ترتیب

بجو هر دو ترتیب خاصیت حرفها اینست اگر الف آید کار دشوار

باشد اگر ب آید توبه و استغفار بکن و چهل روز صبر پیش آر تا آید

بشارت است که از جور ظالم خلاص یابی اگر ج آید صبر بباید کردن

تا سلامت یابی اگر ح آید بد رنگ [illegible] نباید برد که منفعت است

اگر خ آید بشارت است که نعمت فراخ روزی شود اگر دال آید مراد

بیابی شکرانه بکن و فتح یابی اگر ذال آید رنج و اندوه غم بتو رسد صبر کن

اگر ر آید مرترا النعمت از غیب خواهد رسید اگر ز آید مژده مرحواله

خواهی که ترا جاودان خواهد کرد اگر س آید مژده [illegible] اگر

بجانب [illegible] سفری [illegible] اگر ش آید [illegible] کرداری زود باز کن اگر ص آید

بجهت دیگر [illegible] مصالح [illegible] اگر ش آید [illegible]

کند و کرد و هات اگر ط آید نیک نامی و شادی یابی اگر ع آید [illegible]

از غضب رسد اگر غ آید خرمن باید کرد اگر ف آید از رنج و اندوه [illegible]

و	و	و	و
و	و	و	ر
و	و	و	و
و و	و	ه	ر

شعی اگر غین آید مر تزاد دولت و نعمت بجاه رسد

یا اهرا خیل یا مسرسایل
هر روز مرد ج برای فتح
و ظفر است

٨	١١	١٤	١
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٤	۴	۵

٢٣	١٦	٢١
١٨	٢٧	٢٢
١٩	٢٣	[illegible]

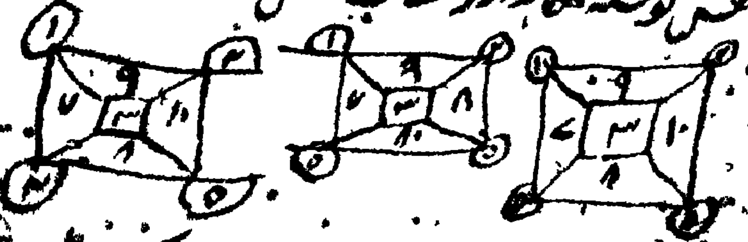
٨	٦	۴	٣
٢	۴	٦	١
٦	٨	٢	۴
۴	٣	٨	٦

یک البعه در بیت و پنجه از نقش نوشته

در آب روان سرد بده ان الله تعالی حاکم

و اند هر مطلب که داشته باشد در عقب این

نقش نوشته نگاه دارد مطلب حاصل شود در [illegible] آب



[illegible] مفاتح الا الغیب لا یعلمها الا [illegible]

[illegible] نقش بکند [illegible] در لوح [illegible] سعد فی [illegible]

[illegible] بعد صبح چهل یکبار درود بخواند [illegible]

۸	۱۴	۹	۱
۱۱	۲	۷	۱۳
۳	۵۹۳	۹	۹
۱۲	۵	۷	۵۹۴

این دعا بخواند یا بدیع العجائب بالخیر

و یقظه یا الله بهر [illegible] بخواند الله تعالی آسان کند یا بارع [illegible]

کند یا هفتم وقت بامداد بخواند از گور کهنه خاک آورده در جای

آن اندازد و در میان آنجا جدای شود هزار مرتبه بخواند یا دلیل المتحیرین

یا غیاث المستغیثین یا حی یا قیوم اغثنی

اجل

۴ع	۱	۶
۴ع	۱	۱۲
ی	۱	۴ع
۳	۱	۵ع

یا بدوح

[illegible]	۱۱	المحوا	۱
۱۳	۲	۷	۱۳
۳	۵	۲	۱۶
۱وع	۱۲ع	۱۲ع	۱۴ع

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

یا سبح یا سبح ۱۶ یا سبح

یا الله یا باسط یا جلیل یا دایم یا [illegible]

۴	۹	۲
۳	۷	۹
[illegible]	۳	۸

[illegible] یا لطیف یا وهاب یا زکی یا حافظ یا طاهر

[illegible]

یا [illegible] علیه [illegible]

بحق [illegible] لا الیل [illegible] فی [illegible]

[illegible]	[illegible]	۳
۳	[illegible]	[illegible]
[illegible]	۱	[illegible]

۴	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

بسوره مزمل یا نده یا بخواند دم کند حاضر شود

[illegible]	٩	٢
٣	٥	٧
[illegible]	١	٦

در چهل روز ... مرتبه مزوج کند بسوره مزمل چهل بار هر روز ... این نقش ...

بخوانند شاه پری حور پری ... پری یا بند پری یا ... پری ... بادشاه

این دعا ... حاضر شو یا ... العجل العجل الساعت الساعت ... یا ...

...

گر ... بار زده قف زده

بر نقش ...

دهم	ط	مدث
ح	٢	٩٨
٨٨	٩	١٢

١١	١	٨
[illegible]	[illegible]	٩
[illegible]	١٢	٣

٧	٣	٩
١	٤	٢
٣	١٠	٥

١٢	٢٠	عه
٣	ع	٤
ع	١٨١	ه
ح	او	الا

این نقش برای آسیب دیو و پری در گلو به بندد و ...

٨	١١	١٢	١
١٣	٣	٧	١٢
٣	٦	٩	٦
١٠	ع	عه	١٤

پلیته کرده دود کند بکرم الله آسیب دور خواهد شد

برای نظر نوشته در گلو به بندد بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله خیر الاسماء بسم الله

رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء

وهو السمیع العلیم برحمتک یا ارحم الراحمین

ج	ب	[illegible]	ن	[illegible]	٩	١١	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب	[illegible]	١٣	٣	[illegible]	[illegible]
[illegible]	١٣	ب	[illegible]	[illegible]	٣	١٢	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ص	ق	ا	[illegible]	١	٥	م	ا

نا نا	[illegible]	[illegible]	٩	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الملو	یا نان	سند	٦	٩	٨

بحق [illegible] میکائیل اسرافیل عزرائیل [illegible]

بنز برای دشمن اگر خواهید که او خراب شود

بسم الله [illegible]

چهار و چهل یک سنگ ریزه که از قبر جاهل کهنه

معواد	اکرس	لا
[illegible]	اکرهد	موت

و بر سنگ ریزه چهل یک بار بخوانند این است

فرعون نمرود هامان ابلیس لعین بر سنگ ریزه خواند و در خانه اندازد

دشمن خراب گردد بسم الله الرحمن الرحیم والعدیت نافیه تجلت

و اذنت لربها و حقت اهیا شراهیا برای خلاص شدن در دزه ٢٥

یملیخا مکسلمینا کشفوطط تبیونس اذرفطیونس

فطیونس یوانس یونس اسم کلبهم قطمیر رحم الله [illegible] علی

فلان بن فلان نکلبا بین کلاتیک بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible] ... ورد ... [illegible]

... یا ... هر روز ده بار بگوید ... [illegible]

[illegible]	[illegible]		[illegible]
۹	۸		۱۳
۱۴	۲	۱۱	[illegible]
۳	۱۶	۹	۶
[illegible]	۵	۱۰	[illegible]

یا علی دو هم ... یا اللہ یا ... [illegible]

یا کریم یا غفور یا شکور یا ... [illegible]

تمام ... بار یا ... [illegible]

یا ابلیا یا ابو ... یا ... [illegible]

۶	۵	۲۳	۳	۲
۴	۳	۲	[illegible]	۵
۲	۶	۵	۳	۳
۵	۳	۳	۲	۶
۲	۲	۳	۵	۳

حل مشکل ایلیا ... [illegible]

یوم الحق الحساب ... [illegible]

و یازده بار بخوانند این آیه ... [illegible]

بعد از نماز ... [illegible]

و ... آب ... بخوانند ... بکنند ... جا بخوانند و ... [illegible]

... [illegible] ... دو ... [illegible] ... از ... [illegible]

یا ... [illegible] ... عشر ... [illegible]

[illegible]

[illegible] مصاحبت [illegible] ملوک [illegible] بخت [illegible]

[illegible] رفتن و تخم ریختن و در زمین [illegible] کاشتن و رفتن

[illegible] سفر کردن و با ترکان [illegible] جامه [illegible] و جنگ دشمنان

[illegible] نهادن بر کرسی [illegible] کشیدن و [illegible] بر سبیل [illegible] فرزند

[illegible] در نبوت [illegible] دراز [illegible] دولت و اقبال [illegible] دعا آوردن

[illegible] مال و [illegible] بود و دشمنان [illegible] را غالب [illegible] و بیمار

[illegible] ساعت القمر [illegible] ساعات علاج را و دارو خوردن [illegible]

[illegible] مزارعت و باغ و دیدار ملوک و [illegible] جامه [illegible]

[illegible] بر [illegible] نشستن و رفتن [illegible]

[illegible] و [illegible] تزویج کردن و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و دلیل [illegible] ساعت [illegible]

[illegible] سعود و تجارت و ریاست کردن و بد بودن شعر [illegible]

چشمن و ظلم عامه و وقت با دولت پادشاهان و دشمن [illegible]

و قطع شدن و کارهای بزرگ شدن و جزو این الحق [illegible] بیش [illegible]

و بیان می شدن نام و دم و شعر تجارت [illegible] و جزو هنر وضع
و قائد

و دیدار ملوک و آنچه بدین مانند و تقلید فرزند مبارک [illegible] الدین

و حال [illegible] ۷۷ [illegible] بعد مرد و رنجیدن با دولت [illegible]

ساعت العطارد [illegible] فرستادن رسول و پیغام [illegible]

[illegible] بر [illegible] فرستادن و ابتدا کارهای [illegible]

و قلم [illegible] ملوک اهل قلم و [illegible] و رفتن [illegible]

[illegible] انتقال [illegible] شمار [illegible] و جزو این الربع [illegible] ساعت [illegible]

[illegible]

[illegible] ده و حیلها مکروه بود ساعت المشتری [illegible]
[illegible] نیک بود بهار رفتن و طلب حاجت و پوشیدن نقش و بیعت
[illegible] باک از نشستن و کارهای شغل [illegible] و بنا بود و قطع جامه نو [illegible]
[illegible] شدن در صحبت و کاوین عروس [illegible] و علم خواندن و هم کار جز آنست
[illegible] وقت نماز کردن [illegible] کارهای [illegible] و دوات [illegible]
و [illegible] عقد نکاح و انبار و [illegible] شدن مال و خزائن و [illegible]
[illegible] وقت صالح و پاکیزه و ایمن از عوامل [illegible]
[illegible] در خلق رحیم [illegible] و [illegible] مقهور [illegible]
ساعت الزهره نیک است تزویج و طلسم [illegible] و دوستی [illegible]
[illegible] و [illegible] حاجت از اقربا و خلایق [illegible]
[illegible] بزرگان [illegible] و [illegible] ایشان [illegible]
[illegible]

[illegible]

مشتمل [illegible] بدولت [illegible] از [illegible]

[illegible] کنند [illegible] اسباب [illegible]

ساختن و با اهل علم دوستی کردن و رضامت خواستن [illegible]

تزویج و حجامت و [illegible] دشمن و دارو خوردن و جامه پوشیدن

و بر [illegible] این افعال [illegible] مشهور است و شاید [illegible] سلطان و [illegible]

طلب [illegible] فرزند که در این ساعت باشد دراز عمر بود و [illegible]

[illegible] بهره بود و [illegible] بر [illegible] و [illegible]

اما بخیل باشد و فساد و کارهای بد را دوست دارد و [illegible]

[illegible]	الرعن ۱۴۳	ار ۱۱	[illegible] ۳
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

شمس قمر مریخ عطارد مشتری

ایتوار سموار منگلوار بده وار ویروار

زهره زحل بسم الله الرحمن الرحیم

روز جمعه چھنچروار

عزمت ای نورشیر شده سه امسوا موحاحرک

تحتي مهي اوكني بوكني لوحرحن مالك

الجن شرحين محيين اي ام بن كنيع بود

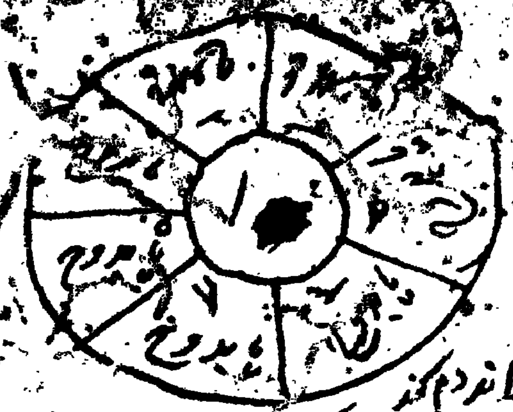
درخت هلي جرخ جلي بكا ميكا في امركم

الله حاضر شو حاضر شو حاضر شو والله

بصير يا العباد باید که بروز یکشنبه از ماه نو شروع کند

... روز ... باید مقرر کند ... جمعه ...

... نوشته ... تعلیم ... کا دهکه ...



برای کهیر یا لک بخوانند دم کند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ عَزَمْتُ عَلَیْکَ

یا اَقْسَمْتُ عَلَیْکَ یا مَعْشَرَ الْجِنِّ هَلْکَلا هَلْکَلی

مَجْبَنا دَیْهاری یا ری حَقِّ سُلَیْمانَ کَنْجُوْر

حَقِّ جَمُوْرَ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ الرَّسُوْل

اللّٰه یا با فریذ یا وان نوشیر یا نا هیهان نوز نحیرة

مَحْوا مَن لَعهٗ لِنَکَر کا لِنا تا هوخه کُسِّن کُرَّت بهن

کَعْوَ حَنْعَکُهٗ بَلْیسْکُوْهُ خَشْعَکُوْهُ بَرْدِکُوْهُ

[illegible]

مستوانادی کهمر کردن [illegible] ی کهیتر

البویه جوش تو بخه [illegible] دو کهای

شهوله [illegible] اشهد لا اله الا الله محمد الرسول الله

الله حظ بجز محبت بیار زهفت یا [illegible]

هفت [illegible] یا رایت انداداً یحبونهم کحب الله تا عذاب

بخواند و بخورانند محبت جای [illegible] دو جهان خواهد شود

نویت ان اصلی لله رکعت واحد [illegible] ۲۸ الله اکبر

اول یکبار الحمد بعده یازده آیت الکرسی

بعده سبحان [illegible] انا انزلناه و یکبار [illegible] بار

انا اعطیناک الکوثر و بعده [illegible] یکبار قل [illegible]

تسبیح در [illegible] دعا التحیات بخواند و سلام [illegible]

[illegible] بخواند بعده [illegible]

[illegible]

... بدها وکسی نبود وبعد از آن
... نوشته ... بود و ... مناجات
بار بخواند الهی بحرمت آن ... ...
که تو بخشی وکسی نباشد و بعد از آن در
سجده رود دعا و مناجات ... باز بخواند
خداوندا تو یکی هستی اینجا واحد گفت هم
یکی هست بحرمت چهار رکعت حاجات من
برآر بحق لا اله الا الله محمد الرسول الله ...
بار بخواند ۱۲ آنجا ... صبر ... ما ...
بحق یا بدیع بدیع العجائب یا الخیر ...
... لا ... بحق یا موسی لا اله
لا الله ... موسی ...

جستن زهندی لا مهر ... بسم دنا
... وقعه ... کوش کمالی ... در ...
عالم به خواجه و بدینه لا اله الا الله ...
محمد الرسول الله قل الله ...
محیط ... قرآن مجید فی لوح محفوظ
برای هر حاجت و مصیبت وقت فرو ... یکبار بخواند ...
برای ... اده ... وقت طلوع ...
... اوردانه براب دم ده کرده ... یازده بار
... بسم الله الرحمن الرحیم ...
... کر ... جاری ... کنید ...
پھلاں کھارا سینچ پھارا ...
سینچ ... [illegible]

[illegible]

برا گناہ اس میت ... لکھتا ہیں ... کا [illegible]

جتنے حضرات دنیا ... دنیا دار توشہ ... مجلس [illegible]

جو عمر ... اس کا میت ... دین حق [illegible]

انسان ... اپنے اوپر ... ہو یا کر ... فضول [illegible]

نماز روزہ ... حج زکوٰۃ خرچ واجب ...

نہیں ادا ... جتنا ہی ... [illegible]

مصحف شریف میں بخشا ... بدلی

فضل کرم ... رب غفور ... [illegible]

[illegible] جو کو میت الٰہی حق خدا [illegible]

[illegible] ادا جو کیا ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

٩١ ح	٩١ ح ک	٤٩ ح
٣ ح ک	٩٤ ح ک	٣٩ ح
١٣ ح ک	٩١ ح ک	٢٣ ح

علاج جدری بیمار [illegible] سوزن [illegible]
[illegible] زخم کودک را [illegible] دلت [illegible]
[illegible] مجمع کرده [illegible]
[illegible] زخم بجامه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ثم خلقنا النطفة علقة [illegible]
[illegible] التحيات [illegible]
[illegible]

[illegible]

ور بخواند مطلقات را بجو رانند خشک [illegible]

مراد جز آیه ۱۲ برای عدو مخصوص [illegible] بار [illegible]

نیم [illegible] بخواند هفت روز دشمن دفع شود [illegible]

و [illegible] هذا العطش [illegible] انت الذی [illegible]

انشاء [illegible] قهر [illegible] شروع روز [illegible] شنبه کند [illegible]

[illegible] برای [illegible] که ظاهر شود بسم الله [illegible]

[illegible] فی الارض [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الرحیم

[illegible] تعالی [illegible]

[illegible] الرحمن

[illegible] خواند صد بارت از بعد [illegible] هزار

[illegible] کند الله [illegible] تو غفلت و فتنه [illegible] دی ابار

[illegible] صد کرت بیرون درست دی [illegible]

تا که جا بنشین خوش بسیار کند در ذلت [illegible] و آرام قرار

چون بگوی الملک [illegible] صد کرت بعد از طلوع آفتاب

پاک گرداند ملت [illegible] از له [illegible] بطت ملکت [illegible] بیجا

بهر فرض [illegible] القدوس را هم بخوان و بنان [illegible] و خور

تا که روحت چون ملک [illegible] پاک گردد باطنت [illegible]

[illegible] خسته بر [illegible] بسوان چون حرزه آن [illegible] بر خدا

تا که صد نوبت بخواند السلام از همه رنجی شفا یابد بجان

[illegible] ذکر المؤمن کند هم نویسد تا که [illegible] شود

[illegible] ظاهر باطن [illegible] تا که از شیطان دزد ایمن بود

[illegible] بعد از غسل [illegible] المهیمن گفت [illegible] بار و [illegible]

[illegible] با [illegible] آشنا [illegible] از کمال فضل حق و الطاف [illegible]

[illegible]

[illegible]

اسم الجبار را [illegible] بهشت [illegible]

یا جبار [illegible] ظالم [illegible] تا [illegible]

المتکبر

با ملال چون زوی گرد خانه خواب
بیست بار این اسم اعظم را
تا خدا بیت ز دو فرزند دهد صالح و پاک و خدا را [illegible]

الخالق

هر که الخالق به شب گوید خدا قلب درویش پاکیزه [illegible]
آفریند یک ملک از بهر او تا قیامت طاعت جای کنند وقت

البارئ

نام البارئ کسی گوید صد شده هفت روز از جان بخواند
لطف حق در قبر همدم باشدش مونس و همراه تا دار السلام

المصور

[illegible] باشد جفت وی گر تواند هفت روز روزه دار
بیست و یک بار المصور را بخوان خوش بخوان و روزه بگشا بر آب

الغفار

بعد فرض جمعه هر شخصی که او اسم الغفار گوید [illegible] بشمار
سازد او را حق ز نزدیکان خود تا بود سایه عرش قرار

القهار

هر که القهار باشد ورد او گر چه اندر مال چون قارون بود
چون کند دایم ذکر جانش او بود حب دنیا از دلش [illegible]

الوهاب

چون نماز چاشت کردی سر به سجده کن [illegible]
اسم [illegible] تا [illegible]

[illegible] دشمنان [illegible]
[illegible] الولی در دست کند دلها زار [illegible]
[illegible] حمید و ثنای [illegible] در زمین [illegible] بهار
[illegible] او خواند بصدق اسم ال[illegible] دو بار
[illegible] سوی فقر احتیاج باید از رزاق رزق بیشمار

[illegible] فرض نماز بامداد اسم الفتاح را بهفتاد بار
[illegible] خوان و دستها بر سینه نه گرد دلت زایل شود زنگ و غبار
العلیم [illegible] کس که سازد ورد دو جهان هرچه خواهد از خدا [illegible]
[illegible] بیابد از حکمت [illegible] در طریقت معرفت کامل شود
[illegible] القابض چهل روز بر سر چهل لقمه [illegible] بنوشته
چون گشت از خواندن این اسم حق تعالی ایمنش از جوع
[illegible] القبض بدید آید پس منبسط شود [illegible]
هر که شب اسم باسط در نماز خواند او از صدق دل هفتاد بار
[illegible] سر عمر او باقی بود هر کسی محتاج نبود [illegible]
اسم الخافض بخواند تو [illegible] تا بخانت بخشد از دشمن خدا
[illegible] دوستی با حق کند کی کند او دوست خصمانش را
اسم رافع هر که خواند نیم روز یا بگوید نیم شب گردد عزیز
اسم [illegible] خالق وهم نزد خلق [illegible] باید کرد [illegible]
[illegible] آدینه [illegible] صد و چهل بار و یکبار ای جوان
[illegible] جهان [illegible] عزیز [illegible]
[illegible]

[illegible] السمیع
[illegible] پنجشنبه بعد از نماز پیشین [illegible]
همه حاجات او روا شود و هر [illegible] گر این
[illegible] خصوص کرداند خدا در کرامات [illegible]
البصیر
هر که در جمعه بعد از فرض نفل خواند و صد بار [illegible]
بصیر خدا سمع الحکیم العدل
الحکم العدل
خوشا نام خدا ای الحکم یا [illegible] بر او بر پشت نبیت لقمه نان نوشته
[illegible] در شب آدینه ای [illegible]
[illegible] بد لهای خلایق [illegible] تا شوند او را [illegible]
اللطیف
هر که دشوار آید بر او چیزی به پیش کو وضو سازد دو رکعت کند
بعد از آن صد بار بگو یا لطیف تا گوید از لطف او کارش
الخبیر
هر که او بسیار گوید الخبیر گر چه او محبوس باشد یا [illegible]
[illegible] دار از گرفتاری بند خوشش خلاصی بخشدش [illegible]
[illegible] تصرف این کند مطلع گردد بر اسرار ضمیر
الحلیم
هر که بنویسد بچیزی الحلیم و افکند در آب هر روز علت خورد
چون خورد آن آب زرع او شود حاصلش از حد و [illegible]
العظیم
هر که خواهد پیش بیدار شود در همه دلهائی زر العظیم [illegible]
یا بچشم مردمان گردد بزرگ گو بر و بسیار میخوان [illegible]
هر که شد بر سرش رنج و الم گو کتابت کن بعلت [illegible]
بعد از آن آنرا بشوی او کار خورد تا شفا بخشد [illegible]
[illegible]
[illegible] باید از صد [illegible]

[illegible] شود از حق قبول
[illegible] یا مقیت انتصاب آن حلول
[illegible] استغفار نیمه شب اندر سفر یا در حضر
[illegible] ز شر جن و انس ایمن بود از دزد و از خیر الشر

[illegible] بخوان بخواند المقیت هشت شرط آنکه باشی روزه دار
[illegible] آب بر تشنگی و گشنگی بر تو خوش آسان کند پروردگار
[illegible] صوم آنچه میخوری ذی بروزه صرف در درویشان کن هشت مدار

[illegible] هر که در صبح و عشا خوش بگوید سبع سبعین الحسیب
[illegible] بخواند حاجت دار مراد پیشکش از غیب کند ایزد صواب

هر که بنویسد بمشک و زعفران خوش بطرف پاک اسم الجلیل
پس بالش بشوید و بازش خورد تا موقر گردد و نی ذلیل

وقت خوابیدن صد و هفتاد بار هر که از اخلاص گوید الکریم
[illegible] ملک را امر فرماید خدا تا دعا گوید مر او را [illegible]

[illegible] بر خود یا بفرزندان خود یا بر کیا بخواند الرقیب
خوش نگهدارد مر ایشان را ز لطف از همه آفات دعا یابند

هر که برخواند باخلاص المجیب یابد با وی بهر حالی قریب
در میان حضرت بار رفیع باشد از حفظ الهی با نصیب

[illegible] الحکیم و الودود [illegible]
[illegible] تو اسمع خواهش گوش کن یا حکیم و الودود و المجید
[illegible] سه اسما بخوانی بی شمار مرد و زن دوست گیرند و مرید
[illegible] روزه دار [illegible] در میان رحمت یا دیر شدید
[illegible] اگر یقین [illegible] این اسمای خواند و بر خود بر دمید
[illegible] کم شود از مرض ایمنی و صحت یابد و بخت سعید
[illegible] شد توفیق حق [illegible] خواند الباعث و اسم الشهید

[illegible]

[illegible] جون [illegible] الله [illegible]

[illegible] باطن [illegible] گرداند [illegible]

الوکیل

هر چه تر و کم گشت یابد جو اختیار الوکیل
باز گرداند یا ونعم الوکیل

هر چه ضایع گشت یابد بخشد کریم باز ده [illegible]

القوی المتین

هر کرا او را دشمنی باشد قوی گر بخواند از دست او نیا [illegible]
گر بخواند بهر دفع شر او بیشماره یا قوی یا متین
خوف ش از دشمن نباشد عنقریب چون بجان تو دست [illegible]

الولی الحمید

هر که با او بد خلق و بد سیرت بود گر بخواند الولی والحمید
بعد از آن شو [illegible] بصدق [illegible]

المحصی

در شب آدینه کو صاحب [illegible] المحصی بخواند در دعا
خوش حسابش را با آسانی کند چون بیا زندش [illegible]
صد [illegible] چون پیغمبر گفت او احصی

المبدی المعید

هر کرا باشد عزیزی در سفر اسم المبدی بخواند ای پسر
نصف شب بر خیزد [illegible] یا [illegible]
بعد از آن از صدق گوید یا معید باز گردان [illegible]
حق [illegible] غایب گشته اش [illegible]

المحیی

هر که [illegible] یا محیی [illegible]
چون تو خوانی [illegible] یا [illegible] خدا [illegible]

الممیت

ای که [illegible] عالم [illegible]
چونکه بسیاری بخوانی الممیت [illegible]

[illegible] هر بلا از کسان [illegible] تا دهد [illegible]
[illegible] خود بعفای الواجد [illegible] بخوان [illegible] ضعما زبیروی [illegible]
[illegible] شفا و هم شی پنج تا بدن [illegible] نکرد [illegible]

اسم اعظم دان تو القیوم را هر سحر میخوان با اخلاص این
[illegible] حق زنده کرد اند بلطف گر بخوانی بیشمار حرف دین

[illegible] الواجد الماجد بخواند بگوید [illegible] سبحان [illegible]
[illegible] جمع ملوک فوج فوج بهر تعظیمش فرستد کردگار
تا کنند ایشان برین قایم [illegible] زان بیابد در جهان عز و وقار

ذکر الواحد اگر [illegible] گردی اندر علم و در حکمت وحید
[illegible] حق فرد است [illegible] بار [illegible] زن [illegible]

الصمد هر کس که گوید بیشمار [illegible] خوف [illegible]
[illegible] دایم با خدا همراه باشی در رکوع و در سجود و در خضوع

[illegible] دشمن نباشد [illegible] القادر و المقتدر
[illegible] جان خویش [illegible] تا شوی بر جمله جهان مظفر

المقدم المؤخر ای عزیز هر که بسیاری بگوید [illegible]
[illegible] ذو الجلال از بلا و عرض و مال و جان و [illegible]
[illegible] خود کرد اول و آخر [illegible]
[illegible] صانع [illegible] فا آخرش داند و قادر

[illegible] الباطن [illegible] حلیم
[illegible] علم ظاهر و باطن [illegible]

علم [illegible]

الوالي المتعالي

هرکه خواهد ... با آب باید کو بخوان المتعالی [illegible]
چونکه کوید اکثر وقت این دو نام حق نگهدارد ز [illegible]

التواب

خویش بکو البر فالتواب را تو و صدکان بار [illegible]
و رهد از هر گناهی ... در نیکوکاریت دارند الله

المنتقم

هرکه شد از جور دشمن داغ دل کو بخوان المنتقم [illegible]
درد عاکردن عدو کویان بکن تا بر زدی حق کند [illegible]

مالک الملک ذو الجلال والاکرام

مالک الملک الخدائی ذو الجلال والاکرام ... اکرام او ... و علم
هرکه او ... فقر صورت مبتلا است کر بخواند او با خلاص [illegible]
حق غنی سازد زانعام خویش ... کار جهان اکثر بکام

هرکه باشد عیال بی شمار خوف فقرش هر ... بود
چونکه المقسط بکوید ... فضل رزاق والی ... بود

الجامع

خاطری مجموع اگر داری بخوان اسم الجامع ... جمع
تا دلت مجموع الفت بود دائم از حب خدا [illegible]

الغني المغني

الغني والمغني ای مرد فقیر در ... جان و دل کن اندر صبح و شام
... مطلوب و مقصود ... است تو و ... زمین [illegible]

المعطي والمانع

هرکه باشد گرفتاری قرض ... براداء ... نباشد قدر [illegible]
اسم المعطي والمانع ... خواند ... و [illegible]
حق اداء قرض کان ... وز عطا خود بخشد [illegible]

الضار

هر ... دشمن ... بکو ... الضار والنافع [illegible]
آن ... دفع و ... وا ... دیگر از ... نفع [illegible]

الحق الهادی

... هر که او را بدهد هر که او و بخواند بگوید بی شمار
... بکشاید روزی قضا بسته فضل کردگار
... خواهد بی بود کم نخواند بگشت اندر دیار

الباقی اگر کوی سحر ... سستی عیال
... عرفان بهره یابی تمام تا که گردی خاک پای اهل حال

... هر روز ورد تا بخواند ... پیش از طلوع
... نکهدار خدا از وی ابندار دکند پیش از وقوع

الرشید انکس که کم شد در طریق تا بر و بو شبه کرد فام دین
گر بگوید پیش باز این اسم را رهنما بد بس او حق شود در راه وین

هر که خورد مصیبت آمده تا نباشد طاقت صبرش مدام
گر بخواند الصبور را و بکهزار حق در ان صبر بس بخشد والسلام

تمت تمام شد بتوفیق الله

دوازده بار بخواند وَیُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکَ وَعَلٰی اٰلِ یَعْقُوْبَ
کَمَا اَتَمَّهَا عَلٰی اَبَوَیْکَ مِنْ قَبْلُ اِبْرَاهِیْمَ وَاِسْحَاقَ
اِنَّ رَبَّکَ عَلِیْمٌ حَکِیْمٌ این جا رسید صد بار بخواند
وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ این جا رسید بار
بخواند وَاللّٰهُ غَالِبٌ عَلٰی اَمْرِهٖ وَلٰکِنَّ اَکْثَرَ النَّاسِ
لَا یَعْلَمُوْنَ این جا رسید صد بار بخواند فَاللّٰهُ خَیْرٌ حَافِظًا

وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ و این رشته یازده بار

وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ این چار رشته صد بار

اِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ اِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ

الْحَكِيمُ تا تمام سوره رسد یازده بار در روز بخواند

[illegible]

۳ [illegible]

[illegible]

۴ [illegible]

[illegible]

دوازده [illegible]

۳ [illegible]

[illegible]

۴ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] ۳	[illegible] ۳	[illegible]
[illegible] ۶	[illegible] ۳	[illegible]
[illegible] ۳	[illegible] ۳	[illegible]
[illegible] ۶	[illegible] ۳	[illegible]
[illegible] ۳	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٩/١٢	١١/٥	٢/١١	٩/١٠	٨/٢	٩/٤	١٠/٦	٦/١١	٢/١١
١١/١٣	[illegible]	٦/٣	٦/٣	•	٤/٣	١/٦	٦/٣	٥/٣
٨/١٠	١١/١٢	٨/١٤	٣/١٤	[illegible]	٣/٨	٩/٣	٠/١٥	٩/١٤

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۸/۹ [illegible] ۹/۱۳ [illegible]

[illegible] ۱۱/۹ [illegible] ۷/۱۰ [illegible]

[illegible] ۹/۴ [illegible] ۹ [illegible] ۸/۱۳ [illegible] ۲/۵ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۳/۹ [illegible]

[illegible] ۹/۱۱ [illegible]

[illegible] ۱/۹ [illegible] ۷/۸ [illegible]

سنه	۱۱۸۲
سنه	۱۱۸۴
سنه	۱۱۸۸
سنه	۱۱۸۵
سنه	۱۱۹۰
سنه	۱۱۹۳
سنه	۱۱۹۵
سنه	۱۱۹۷
	۱۲۳

۲۵/۱۱/۱۲